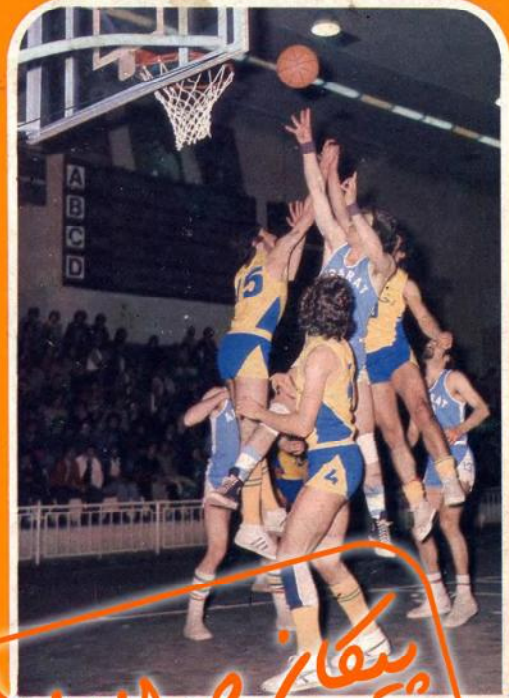


کیمپان ورزشی

شماره ۱۰۸۰ - شنبه ۱۲ بهمن ۱۳۵۳ - بهار ۱۵ ربیع

ارتش ایران ۱ ارتش ایتالیا ۱

کلانی نه در پرسپولیس ، نه در شاهین
فقط همکاری در حاشیه باشهین
عزیز اصلی به دروازه باز گشت
قلیچ خانی به دارائی آمد ،
لواسانی رفت!



پیگان جوانان ۵۶

پیگان چارونان
www.javanan56.com



تیم فوتبال نیروهای مسلح در پیکار با ایتالیا



تیم نیروهای مسلح شاهنشاهی که پربروز (پنجشنبه) برای مسابقهٔ تقدیماتی
ارتش‌های جهان با تیم نیروهای مسلح ایتالیا بازی کرد :

اسیاده ازجیب : حسن حبیبی (مدیر تیم) ناصر نبوی ، بهرام مودت ، مهدی سناجاتی
حسین کلانی ، عزیز اسبندار ، پرویز مظلومی ، مصطفی عرب ، مجید تشریفی و
اصغر شرفی (مربی) ردیف وسط ازجیب : آندرانیک اسکندریان ، حسن نایب آفا ،
مجید حلوانی ، علی نیاکانی ، جهانگیر نصیری ، همایون شاه‌رخی ، جواد قراب
نسسته ازجیب : حسن روشن ، محسن مصباح ذاکری ، محسن هوشنگی ، عباس
نوبین روزگار ، محمود خردبین ، سعید مژده‌ای و سعید دهمداری

این هم تمرینی در زمینی پوشیده از برف ، حسن کلانی و ناصر نبوی دو بازیکن
برگزیده ارتش‌ها ، با وجود برف مستحول تمرین هستند . تیم نیروهای مسلح
شاهنشاهی ایران طی تمرینات آمادگی برای مسابقه با ایتالیا ، بطور دائم با شرایط
نامناسب هوا درگیر بود و تا قبل از مسابقه با ایتالیا هرگز نتوانست یک مسابقه
تدارکاتی به شکل تیمی کامل انجام دهد .

اگر درکنگره دوم که وجودش بنا به دلایل باد شده بهتر از عمدش می باشد و برگذاری آن نشانه بی ازگرایش تدریجی و حرکت آرام کار بمقصد نیگوی تعین شده می باشد هر چیز بجای خویش قرار میگرفت، شاه نقش در دست کمیته برگزار کننده می افتاد.

کمیته برگزارکننده کنونی شکل توأم وظایف و مشاغل متعدد است که بر اساس ضرورت بوجود آمده و رهبران و گردانندگان فوتبال باید بتدریج آنرا درسیر عادی و متعارف جهان پیش رفته فوتبال قرار دهند. در چنان روزی کمیته برگزار کننده واحدی اجرائی در سطح کارهای جاری برگزار و واحدی پیشنهاد دهنده در سطح مجمع عمومی با نشست همگانی انجام وظیفه خواهد کرد.

نشانه ای بدست میدهم

در تمام کشورهای که اتحادیه فوتبال وجود دارد و در تمام اتحادیه های که بسطی عظیم تر از فوتبال یک سلکت خدمت میکنند نظیر اتحادیه فوتبال اروپا و اتحادیه فوتبال آمریکای جنوبی و اتحادیه بزرگتر که زیر نام فدراسیون

دنیابند و متناسب با پیشرفتها و تقاضاهای جام تخت جمشید یا مسابقات قهرمانی باشگاههای ایران خواهد یافت که تعین و تشریح چگونگی ایجاد و حدود وظایف و مقررات آن را به بحثهایی که در اواسط نیمه دوم از این دوره سوم جام خواهیم داشت محول میکنیم.

کمیته حاضر با شکل توأم کنونی که از لحاظ بنیادی نیز توأم است و ازگروهی آما توری و معدودی حرفه ای تشکیل میشود، در دومین کنگره جام تخت جمشید میتوانست چنین نقشی داشته باشد.

در بند «ه» از ماده «۵» فصل یازدهم که ناظر بر پاره ای از وظایف کمیته برگزار و با هیئت اجرائی می باشد آمده است که «گرد آوری نظریات باشگاهها پیرامون مسابقه ها و آئین نامه و تنظیم و بررسی آئین و تسلیم فدراسیون»

یعنی کمیته می بایست در جریان سال پیشنهادهای باشگاهها را گرد آوری و تنظیم نماید و تنظیم عبارت است از قبول پیشنهادهایی وارد و رد پیشنهادهای ناوارد و ردیف کردن آنها تا کمیته در جلسه کنگره ضمن گزارش خود فهرست

کننده درجه ای بسوی خورشید باشد ولی بهرحال اشتباهی است که وجود دارد و بر اساس بند «ه» ماده «۵» بررسی و شناخت و رفع آن بمهده کمیته با هیئت اجرائیه است. و آن این است:

ماده «۴» از فصل یازدهم در صفحه «۴» آئین نامه قدیم میگوید: «بمنظور حسن برگزار و مسابقه های دسته اول و دوم باشگاههای تهران و همچنین نظارت بر اجرای دقیق مقررات این آئین نامه، هیئت اجرائیه مسابقات متشکل از یک رئیس و چهار عضو برای یک دوره مسابقات بشرح زیر تشکیل میشود.» (یعنی ۵ نفر)

۱- رئیس هیئت اجرائیه به انتخاب رئیس فدراسیون فوتبال ایران و تأیید سازمان تربیت بدنی ایران.

۲- یک نفر از شخصتهای مطلع و بصیر در امر فوتبال به انتخاب رئیس فدراسیون.

۳- دو نفر نماینده باشگاههای صاحب تیم در دسته اول با انتخاب باشگاههای شرکت کننده (که این میشود چهار نفر). کدام درست است آن پنج نفر با این چهار

نقش کمیته برگزار کننده کنگره

چه کسی میتواند است عقاب را اخراج کند؟

از د - اسداللهی

بین المللی فوتبال، به رهبری فوتبال جهان نشسته است، چیزی بنام کمیته برگزار کننده وجود دارد و این کمیته وظایف، مسئولیتها و اختیاراتی دارد که حدود آن را مقررات تعیین کرده و در این جا نیاز می یابد آوری آن نیست. اما همین قدر از لحاظ عناصر و اجزاء تشکیل دهنده آن می نویسم که اینان گروهی حرفه ای می باشند که از سوی فدراسیون های مختلف به سطح بالاتر از کشوری و از سوی باشگاهها در سطح درون کشوری تعیین و معرفی میگرددند. یا اینکه از سوی دایره مدیریت آن بصورت کارشناس حرفه ای تمام وقت استخدام میگرددند. این کمیته گاهی موقتی است که در این موقع برای رهبری موضوعی خاص در زمانی محدود تشکیل میشود. مانند کمیته برگزار کننده مسابقات جام جهانی و گاهی دائمی می باشد. مانند کمیته برگزار کننده اتحادیه فوتبال اروپا یا کمیته های برگزار کننده کشورهای مختلف.

پیشنهادهای رسیده را عنوان کند و قبل از آن در پاسخ پیشنهاد های نا وارد کوشیده باشد و ارائه دهندگان پیشنهاد های وارد را آگاه کند که باید در ردیف چندم در کنگره به سخن برخاسته و با تشریح پیشنهاد خود جلب نظر برای تصویب کنند. نه اینکه هر نماینده ای بدون برنامه و حتی بدون آنکه بداند خود چه میخواهد بگوید و روی اوضاع و احوالی که در کنگره پیش می آید برخیزد و چیزی بگوید و نسبت به آن چیز نه توجهی شود و نه اخذ رای بعمل آید!

اما این تمام مطلب نیست. تمام مطلب اینست که اصولا خود هیأت هنوز غافل از شکل تشکیلاتی خویش می باشد و در ظرف دو سال حتی لحظه ای به این فکر نرسیده است که اگر میخواهد وظایف خود را بشناسد و عوامل مربوط و درگیر در این وظایف را بشناسد، نخست ناچار است خود را بشناسد و چون خود را نشناخته، نتوانسته دلایل ایجاد خویش را بشناسد و در تکمیل و تنظیم آن دلایل بکوشد.

زیرا اگر چنین میکرد و میدانست که خود را بساید بشناسد، اقدام به رفع یک اشتباه فاحش می نمود که در مقررات مربوط بخلق کمیته شده است و دو سال است که همچنان بقوت خویش باقی مانده است این اشتباهی نیست که بنیاد جام را زیر و رو کند و رفع آن باز

نفر؟ آئین نامه میگوید که پنج نفر درست است زیرا در ماده «۴» در همین فصل بهنگام شرح وظایف کنگره مقرر میشود. «ه» - معرفی رئیس هیئت اجرائیه توسط رئیس فدراسیون فوتبال (۱ نفر) - معرفی یک نفر شخصیت مطلع شرکت کننده در هیئت اجرائیه (۱ نفر) و معرفی نماینده سازمان تربیت بدنی ایران «۱ نفر» (که جمع اینها میشود ۳ نفر) و - معرفی دو نفر نماینده ای که از طرف باشگاههای صاحب تیم انتخاب شده اند (که جمعاً ۵ نفر می شوند).

حال ما بجریان کار و درجه کارائی و تعیین یک نفر با دو ویژگی - که خلاف است - وارد نمیشویم ولی سؤال میکنیم،

لطفاً ورق بزنید

کیهان ورزشی
شماره ۱۰۸۰ - ۱ سال بیستم
صاحب امتیاز - محمود منصفی
سر دبیر - کاظم گیلانپور
نشانی - خیابان فردوسی جنوبی
کوچه کیهان

**نظر خواهی
آیا حق بود
عقاب حذف
شود یا نه؟**

موضوع اخراج عقاب از جام سوم تخت جمشید داغ ترین موضوع ورزشی این روزهاست و درباره آن گفت و گو و موافق و مخالف فراوانست. ما از شماره بعد دو صحنه به بازتاب این نظرات اختصاص میدهم و مخالف یکی از نامه های موافق و مخالف یکی از هر کدام را به ترتیبی که بدفتر کیهان ورزشی رسیده است - چاپ می کنیم. لطفاً روی پاکت بنویسید: « مربوط به تم عقاب » نشانی و مشخصات و شماره تلفن منزل یا محل کار نویسنده مطلب مورد احتیاج فراوانست و از انعکاس نظرات کسانی که این مشخصات را ذکر نکرده باشند ممنوریم. مطالب بنام کامل اشخاصی که فرستاده اند چاپ میشود و به نامه هایی که با نام مستعار، با حروف اول نام با اصلا بدون نام فرستاده میشود، ترتیب اثر داده نخواهد شد.

شرح عکس های روی جلد

بالا:
عکس صحنه ای مربوط به بازی آزارات و دخانیات است و لحظه ای را نشان میدهد که یک آزاراتی با پرشی بلند و بموقع قصد دارد با وجود مزاحمت دخانیات آنها توپ را درون سید حریف جای دهد.
عکس پایین:
بازیکنان برگزیده تیم ملی فوتبال جوانان به رهبری حشمت مهاجرانی و فرنگ اوفارل، صبح امروز راهی شیراز شدند تا برای عادت به وضع آب و هوا و زمین، چند مسابقه تدارکاتی با تیم برن و دیگر تیمهای شیرازی انجام دهند و برای مسابقات گروه الف جام و الاحضر و ولیمهد به آمادگی کامل دست یابند.
پشتاده از چپ: حشمت اله مهاجرانی (سربی)، محمد دادکان، ناصر نوق، محمد خانلو (کنکد)، مصطفی مسلمی، حجت الله خاکسار تهرانی، احمد اسپندار، فرامرز کردستانی، سعید مزاحمه چیان و فرنگ اوفارل (سربی).
ردیف بالا نشسته: حسن نظری (کاپیتن تیم)، الیاس عبداللهی، نادر فریاد شیران، میرحمید مجید تیموری، سعید مطعی و جمشیدی.
ردیف وسط: غلام پیرواتی، اصغر صدری، حسین دادکان، ناصر مسلم خانی، علی قشقانی و شیرعلی روشنی.
ردیف پایین: حبیب خیری، حبیب شریفی، غابدیکه هابدیان سنگاران، هادی آهنگران، طاهر موسوی و علیرضا حیدری.

آيا اين درست است كه درسالها و سالهاي آينده نيز اين اشتباه فاحش در اثر عدم خاصيت خودشناسي كميت در آئين نامه وجود داشته باشد؟
يكي از وظايف خاص هيئت اجرائيه— كه شايد مهمترين وظيفه آن باشد — و بهمين سبب در بند «الف» از ماده ۵ آمده است — اينست كه مقرر ميشود: «نظارت بر اجرائي صحيح مسابقات دسته اول و دوم باشگاههاي ايران بر طبق مفاد آئين نامه و دستورالعملهاي مربوطه.»

بيماري اقتصادي جام

حال با اين توجه به جستجوي يكي از بزرگترين مسائل موجود جام تختچشميد ميرويم كه آنرا بهارهي «بيماري اقتصادي جام» نام نهادهاند و من معتقدم كه اين چيزي ساختگي و مصلحتي مي باشد و اقتصاد جام بهيج وجه بيمار نيست و فقط شاگردان «ملا» بيماركن هستند كه ميخواهند «ملا» بيمار شود و درس تعطيل! اگر كميت اجرائيه توهمني به ماده ۱۱ ميگرد و بيادانتست كه خود برابر مدلول بند الف ماده ۵ حق نظارت بر اجرائي صحيح دارد و اين نظارت شامل تماسي سواد و مفاد اين آئين نامه و دستورالعمل هاي مربوط به آن ميگردد، متوجه ميشود كه اين ماده نظارتي گويي بر ماده ۷ و تبصره ذيل آن دارد و مفهوم اين دو ماده و تبصره هاي منضم به آنها چنين است:

باشگاه بايد ۷۰ درصد از درآمد خود را از راه مسابقات قهرماني و حثلي، صرف امور سازمان فوتبالي نمايد و اين برداشت و اين هزينه را از طريق حساب بانكي عمل نموده و در دفتر مخصوص وارد نمايد و براي صحت كار با استفاده از حسابدار قسم خوردهيي كه فدراسيون مصري مي نمايد، همجهيز را هلك و با كيزه عمل نمايد و براي بازديد و بازرسي اين امور نمايندگاني از سوي فدراسيون تشكيل گردد كه باشگاهي موظف به پذيرفتن آنها بوده و ناچارند دلتا مالي خود را براي بازميني در اختيار نهند.

ميخواهيم بدانيم آيا يك نمونه اعزام بازرس را درطي دوسال ديدهايم؟ ميخواهيم بدانيم آيا اين باشگاههاي كه ميگويند علاوه بر هزينه صدرصد درآمد، سرهم ميكنيم و از جيب خود هم خرج ميكنيم، درست ميگويند؟ ميخواهيم بدانيم كه اگر هم راست ميگويند و ضرر ميكنند، خاصه خرجي و ولخرجي نمي كنند؟

ميخواهيم بدانيم آيا باشگاهي كه هنوز وارد جام نشده و درآمدي نداشته است، آيا لازم است اين همه پولهايي را كه اعلام ميشود براي خريد بازيكني بدهد؟

ميخواهيم بدانيم آيا كسي مقصر است كه باشگاهي ميخواهد با را از گليم خود فراتر نهد و بگويد ضرر ميكنم؟

سرانجام ميخواهيم بدانيم آيا براساي اقتصاد جام بيمار است يا خير؟ ميخواهيم بدانيم اينكه فلان باشگاه اعلام ميكند و التماس ميكند كه آلبان بيايند و حسابهائي سرا رسيدگي كنند و تا

بدانيد كه ضرر ميكنم، واقعا در كفته خود صادق است و اگر صادق است چاره اين كار چيست و اگر صادق نيست چرا ميگويد؟

آيا اگر به اين مسائل هيئت اجرائيه توجه ميگردد، امروزه در برابر اعلام اقتصاد بيمار قرار ميگيريم؟

آيا مي توانستيم راه درمان را تعيين كنيم و اگر واقعا اقتصاد تيمي بيمار است بدرمان آن پردازيم؟

اگر براساي نظارت بر حسن جريان امور— كه وظيفه اوليه و اساسي كميت است احساس ميشود، آيا كميت به رگذار كننده با سماجت و پافشاري، ديگران را ناچار نميگردد تا يا مفهوم و دستور تبصره ۲ از ماده ۸۵ را مويوبكار بنهند يا اينكه هرگز دمي از اينكه مسكن است اهالي در كار فروش بليت صورت گيرد، برنياورند؟

يكي از وظايف كميت با هيئت اجرائيه برابر آئين نامه و مطابق بند «و» از ماده ۵— ارائه گزارش كامل از جريان مسابقات و پيشنهادهاي لازم به كنگره است — كه اين مسئوليت را وقتي با مسئوليت ناشي از بند الف همين ماده جمع كنيم، ميتوانيم كميت را تنها مرجعي بدانيم كه موظف بوده است در جريان مسابقات و در جريان فصل، حرکت انضباطي باشگاهها را از لحاظ امكانات با مفاد آئين نامه زير نظر گيرد و چون در يابده كه فلان باشگاه نتيجه است شرايط و امكانات خود را با خواست هاي آئين نامه مطابق كند، اخطار نمايد و مسئولان مربوطه را در جريان نهد و اين جريان را همانطور كه جمع كننده نظريات باشگاهها و تنظيم كننده آنهاست، با باشگاهها (يعني صاحبان رأي در كنگره) در ميان نهد كه باشگاهها بطور كامل در جريان اقرار گيرد و هيئت رئيسه فدراسيون بداند و كميت هاي ديگر هم بداند و خلاصه جميع عوامل شركت كننده و بوجود آورنده كنگره بداند و مطلع باشند كه ضمن گزارش كميت با هيئت اجرائيه بمواردي بر خواهند خورد كه تقاضاي طرف فلان باشگاه با دليل معلوم و مشخص مي باشد.

چون كسي از جمعي ميروند، مسلما بودن با نبودن او روي وجود، منافع و زندگي ديگر اجزاء جمع مؤثر است. پس چگونه جمعيت نبايد از تولد با مرگ يك همنود خود آگاه باشد و به آن رأي دهد؟

آيا مسكن نيست تصور شود كه مثلا نام «عقاب» — كه سالها از بزرگان بوده — جلب كننده تماشاگر و زياد كننده در آمد براي ديگران است و نبودنش موجب ضرر؟

آيا مسكن نيست كه باشگاهها براي نجات عضوي — كه زندگيش روي زندگي آنها مؤثر است — چاره ساز شوند و مثلا بگويند و تمهيد كنند كه براي تقويت اين تيم هر كدام يك بازيكن وام ميدهيم و هر كدام به شركت وسايل و امكانات لازم را در حدود آئين نامه فراهم ميكنيم و بعد بتدريج از او بازيس ميگريم؟

شايد اين رويي باشد ولي رويي است كه در عالم ديگران تحقق يافته و در شهر بازيس نمونه زنده آن را مي بينيم.

حال فرض ميكنيم كه چنين نشود. آيا باز اين كنگره نيست كه بر اساس گزارش مدلل و توجيه شده و توضيح داده شده كميت

برگزار كننده مي تواند به اين امر رسيدگي كند؟

سخن از رديا تا بيد تصميم نيست و من بهيج وجه نميگويم كه اگر تيمي نتوانست خود را با شرايط منطبق سازد باقي ماند و جام را از هدف خويش دور سازد. هير. بلكه ضمن اعتقاد كامل به كوشش براي پيشبرد امكانات و ترقي دادن سطح كمي و كيفي جام و اجزاء درگير آن و حذف واحدهائي كه نمي توانند همگام شوند و موجب لنكي كار و كندى حرکت ميگردند، بايد هر چيز روي اصول و شرايط مقررات انجام گيرد تا موجب ايجاد قدرت و بقاء حكومت قانون باشد و ما به قوام اعتقاد كردد. نه اينكه بعد از داشتن مقررات و آئين نامه و غيره باز مجبور باشيم به راهي غير از راه مقرراتي گام نهييم كه مسلما راهي وقتي و کوتاه مدت است.

بطور خلاصه ميخواهيم نتيجه بگريم كه اگر قرار بود تيم عقاب با هر تيم ديگري از جام تخت چشميد اخراج شود، بايد با اين نحو عمل ميشد:

۱- كميت برگزار كننده باستي در جريان سال، تيم عقاب را در جريان اشكالاتي كه در كارش بوده مي گذاشته و از آن ميخواست است كه وضع خود را با مقررات منطبق سازد و براي اين انطباق ضرب الاجل تعيين ميگردد.

۲- در صورتی كه نتوجه ميشدند عقاب اقدام لازم به عمل نياورده و در نتيجه بايد از جام اخراج شود، بايد اين امر را به اطلاع باشگاههاي صاحب تيم در جام تخت چشميد و نمايندگان كنگره برسانند كه در مذاكرات خود با باشگاه عقاب تا مدت مقرر به عنوان ضرب الاجل به نتيجه نرسيده اند. اين كار را بايد سه ماه پيش از تشكيل كنگره ميگردد.

۳- نمايندگان باشگاههاي صاحب تيم در جام تخت چشميد وساير نمايندگان شركت كننده در كنگره با حضور ذهن مسئله اخراج عقاب را در كنگره مطرح ميگردند و بطور دسته جمعي تصميم ميگرفتنند.

اين حق از اين نظر براي باشگاههاي صاحب تيم شناخته ميشود كه اينها وقتي وارد كنگره ميشوند بعنوان عضويك جامعه شناخته ميشوند و كليبه تحولاتي كه در اين جامعه صورت ميگيرد در وضع و سرنوشت آنها هم مؤثر است و بهمين دليل «بايد» در اين مورد حق اظهار نظر قاطع داشته باشند.

عقاب را

همه چيز سرعت برق شروع و تمام شد. چهارشنبه گذشته روز تاسوعا طبق قرار قبلي با تفاق رئيس باشگاه براي ارائه سند زمين به فدراسيون فوتبال مراجعه كردم. به محض رسيدن به راهرو فدراسيون با نگاههاي مخصوص سرپرستان و مريان تيم ها — كه زحمتكشان واقعي فوتبال اين سرز و بوم هستند — روبرو گشتم. بهج پنج آنها كنجكاوم كرد. پس از سلام و عليهك و احوالپرسی چسبه گريخته از دهان آنها شنيدم كه ميگفتند: «انگار عقاب را خط زده اند و حتى جانشين آنرا نيز تعيين کرده اند، در جواب گفتم: «اين شايعات چندبست از دهان بدبينان اين تيم فوت گرفته و هيچگونه صحتي ندارد» پس از آن بگرات به اطلاع كميت اجرائيه نزد آكاي رسولي رئيس مربوطه رتم. ايشان همچون آدمي پخته كه بخواهد خير سرگ نزد بگترين شخص كسي را باو بدهد، با مقدماتي شروع بصحبت كرد و وقتي تا بجا رسيد كه بله راهي نبود و شما هم از ديگري ها راحت شده ايد، باورم نيشد. آبا خط زدن تيم تنها راه علاج بود؟

نگاه متسمانه خود را به ديگران كه در اطال بودند. كه فكر ميكنم آلبان قفلي و بلورجي بودند. انداختم آنها هم با نوعي ناراحتی تا بيد كردند. من نيمخواستم سرگ عشقم را لس كنم. شايد كتر كسي باور كند اما اگر مرگ نزد بگترين لسرد زندگي ام را ميدهاند شايد به آن اندازه ناراحت نيشدم. بنا بر اين نيمخواستم و نيمتوانستم آنرا باور كنم. با خود گفتم: «مگر ميشود با اين آساني تيمي بزرگ با آنچه سوايق درخشان را از حق مسلم حيات خود محروم كرد؟ مگر ميتوان حداقل با احساس بيست و چند نفر باي سادگي بازي كرد؟

به آنها گفتم ما زمين فراهم کرده ايم. من دنبال همين كار آمده ام. حتما آكاي رسولي رئيس باشگاه هم اينچاست» گفتمند

خبرهاي کوتاه

در مرحله اول مسابقات ژيمناستيك انتخابي تيم ملي

محمد آذري اول شد

مرحله اول مسابقات انتخابي تيم ملي ژيمناستيك ايران (در قسمت پسران) يکشنبه گذشته در تالار ژيمناستيك اسجديه برگزار شد.

در اين مسابقه ها — كه ۹ ژيمناست شركت کرده بودند — محمد آذري با ۵۱/۵۰ امتياز مقام اول را بستان آورد و مجيد نائبي با ۴۵/۹۵ امتياز، حسين محمد قفلي با ۴۵/۳۰ امتياز، ناصر حيدري تايبتي با ۳۸/۸۰ امتياز، محمود جديري با

میتوان به این آسانی کشت؟

ایشان نیمه‌اند بلافاصله از همانجا با سترل آقای سروتی تماس گرفتیم و متوجه شدیم که نامبرده بخاطر تصادف نگران کننده‌ای که برای یکی از اقوام نزدیکانش پیش آمده، به مشهد عزیمت کرده است. بلافاصله تلفنی با آقای فکری تماس گرفتیم او هم اول باور نکرد که تیم عقاب را خط زده‌اند. برایش قسم خوردیم. مری تیم - که این روزها سخت دنبال فراهم کردن اساسی نو جهت بی‌ریزی تیم برای دوره آینده بود و برنامه قاطع و درگرون کننده‌ای جهت استحکام هر چه بیشتر تیم عقاب طرح کرده بود - در جواب گفت: «مگر میشود باین آسانی چند نفر دور یک میز بنشینند و همه عشق و علاقه و احساس ما را به بازی بگیرند؟ بعد بمن گفت: «برو پیش آقای دیده‌بان حتماً می‌شود». باتاقی ذبیر فدراسیون مراجعه کردم. گفت زمین حاضر است من آمده‌ام. ولی متأسفانه مدیر باشگاه که فرار بود اینجا باشد، بعلت وضع ناگهانی در تهران نیست. ایشان بمن گفتند: «وقتی مدیر باشگاه خودش نیست شما که نمیتوانید بعنوان سرپرست تیم این مسئله را حل کنید!». بر ایشان شرح دادم که این باشگاه و تیم را عشق و علاقه عده زیادی میگرداند. شما نباید فقط با متکی بودن به مقررات اینهمه احساس را ندیده بگیرید. این تیمی نیست که مریش بگوید: «خوب چه فراوان تیم‌های دیگر و حتی با حقوق بیشتر». نه، این تیمی نیست که دنبال حقوق مانده و با اصولاً مادیات باشد. شما در آبادان نبودید که وقتی داور برد مسلم تیم ما را باخت تبدیل کرد، در آن شرایط که کشتی تن از یاران اصلی بعلت پرواز نکردن هواپیما نتوانستند خود را بموقع برسانند پس از اختامه بازی قریب به یکساعت و نیم تمام بازیکنان در رخت کن گریستند و این گریه‌ها - که نشانه‌ای از احساس پاك آنها به تیم باشگاه خود بود - در طول راه در ماشین و در هتل نیز ادامه

داشت و اکثر مسئولان فوتبال آبادان شاهد آن بودند آنها برای این میگریستند که نکند با این باخت تیم سقوط کند. حالا شما با چند ساعت گفتگو همین تیم را امر به سقوط داده‌اید. در صورتیکه شرایطی خواسته شده را نیز تهیه کرده‌ایم و اگر هم تأخیر داشته‌ایم باز مستحق این نیستیم که بجرم آن نابودمان کنید.»

«حال که مدیر باشگاه در تهران نیست لااقل یکروز بما فرصت بدهید برای این یکروز هر تضمینی که بخواهید میدهم. ذبیر فدراسیون - که آدم با احساس و فهمیده‌ای است - قدری فکر کرد و گفت خوب برو با رسولی صحبت کن و یارش اینجا بینم چکار میتوان کرد». آقای رسولی را باتاق ایشان آوردیم بعد از مدتی صحبت بدیم هر یک سرا بدیگری پاس میدهند. رسولی میگفت که من نامه را رد کرده‌ام اگر دیده‌بان بگوید با یک اطلاعیه میتوانیم آنرا فعلاً نگه داریم و آقای دیده‌بان میگفت دست خودش است. درست مانند دو فوتبالیست با تجربه‌یی که پاس کاری را در حد اعلامی دانستند و من چون بیگانه محکوم به ادعای منظر بودم تا شاید یکبار دیگر فرصت دلاغ بمن داده شود تا سند بیگانهی خود را آوازه کنم. مدتی سیهوت ماندم و وقتی خود را تنها باقیم فقط تنی چند از سربازان را دور و بر خود دیدم آنها همه از رقبای ما بودند اما همگی متأثر و غمگین و بی‌اعتماد از اینکه آیا فردا چنین سرنوشتی در انتظار خود آنها هم هست؟

نمیدانم کی از آنها جدا شدم و پله‌های دفتر مشترک را چگونه طی کردم. حسین عاشورا بود. شب قتل سرور شهیدان حسین بن علی بود. با خود گفتم و آقما چه تصادفی. شب قربانی شدن عقاب تیمی که حدود ۱۲ سال همواره از تیم‌های بزرگ کشور بوده و فوتبالیست‌های بزرگی چون عرب، مرحوم ساعدی، اسماعیلی، امینی‌خواه، کرم، نیرلو، افتخاری، وفاخواه، مالکی،

باخانلو، قلیچ‌خانی، سرادی، ساطری، دانائی فرد، قاضی، جهانگیری و غیره... که همگی آنها در تیم ملی عضویت داشته و باعث افتخارات بیشماری جهت سربلندی کشور گردیده‌اند، مصافف شده‌است.

مطبوعات نیز تیم عقاب را بنام تیم ستاره‌ها شناختند. اکثر این بازیکنها هم اکنون عضواين تیم هستند و با این باشگاه مدت یک یا دو سال دیگر قرارداد دارند. فدراسیون چگونه میتواند به مشکلات قراردادها سریدگی کند آیا این رانیز باسانی ندیده گرفته و با راضی میشود که این ستاره‌ها - که لیاقت خود را در بودن در جام به ثبات رسانده‌اند - در دسته دوم توپ بزنند آیا واقعاً این ظلم نیست؟ از مسئولان فدراسیون میپرسم: آیا در آن زمان که تیم‌هایی چون شاهین، دارائی، تهران جوان و شعاع بسته شدند نتوانستند طی این هفت یا هشت سال جای خالی آنها را پر کنند که اکنون عقاب فقط بجرم ذبیر ارائه کردن سدن زمین از جام رانده‌شود؟ مگر می‌توان زمین برای احداث یک ورزشگاه کار آسانی است که فقط در یک مدت کوتاه فراهم شود؟

تازه آنها تیمی هم که زمین دارند مگر نه اینست که سازمان تربیت بدنی با آنها واگذار کرده؟ آیا زمینهای پرسپولیس، پاس و یا تاج از این قاعده مستثنی است؟ آیا آنها از این طریق صاحب زمین نشده‌اند؟ چرا به عقاب نداده‌اند؟ و اگر نداده‌اند چرا باین سرعت از زمین می‌خواهند؟ کدام باشگاه با سرمایه شخصی ورزشگاه درست کرده‌است؟

من طی ۱۱ سال خدمت در این باشگاه به گواه تمام ورزشکاران بخاطر عشق و علاقه خود با اکثر تیم‌های آن همکاری داشته‌ام. نیم دوپرخه سواری عقاب مدت ۷ سال قهرمان باشگاه‌های تهران بود و تیم کشتی آن چند سال مداوم قهرمان بکه تا ز

ایران بود و قهرمانانی چون علی اکبر حیدری ابوطالب طالبی، محمد حاج کاظمی، عباس عباسی، محمد تهامی و منوچهر مشهدی آقا از همین باشگاه برخاسته و در تیم ملی نیز افتخارات فراوانی نصیب کشور کرده‌اند. در بسکتبال والیبال سالها در زده قهرمانی بوده‌اند و خیلی افتخارات دیگر که حتماً سازمان تربیت بدنی و دست اندرکاران ورزش بهتر میداند. درازاه اینهمه فعالیت ثمربخش چه چیز سازمان تربیت بدنی باین باشگاه کمک کرده که حالا در مدت کوتاهی فدراسیون فوتبال از آن ورزشگاه آماره میتواهد؟

سوال میکنم، منصفانه جواب بدهید: اگر به باشگاه‌های پرسپولیس، تاج، پاس، راه‌آهن و امثال آن زمین و بودجه نمدادند آنها قادر بودند در مدت کوتاهی ورزشگاه بسازند؟ آیا آنها را هم اگر ورزشگاه نداشتند از جام تخت جمشید خارج میکردید؟ تازه کدام یک از مسابقات ما جز یکی دو تا در ورزشگاه‌های اختصاصی برگزار شده که اینهمه درد داشتن آن عجله داریم؟ این چه حکمتی است که به بهانه آن تیم عقاب نابودشود؟

وقتی عمیقتر باین مسائل میگردم گاهی مشکوک میشوم که خدای نکرده تمام عوامل را در جام دوم آماده کرده بودند که تیم عقاب سقوط کند ولی وقتی با همت مری و به جانفشانی بازیکنان، این میسر نشد، بهانه جدیدی ارائه کردند.

شخصاً باین نکته مؤتمن که مسئولان فدراسیون انسانهای پاک و دور از هرگونه دسته‌بندی هستند و باین دلیل است که هنوز هم ایدادرم در باره این مسئله مهم باین زودی و سادگی تصمیم نگیرند، در رأی خود تجدید نظر کنند و قلوب هزاران دوستدار این تیم را جریحه دار نسازند. با تقدیم احترام، سرپرست تیم فوتبال عقاب خسرو عزیزاده

۳۷/۴۰ امتیاز و سیامک شعربافی با ۳۷/۲۰ امتیاز دوم تا ششم شدند. سه شرکت کننده دیگر که عبارت بودند از: فریبرز مفید، حسن محمد قلی و اسماعیل خرسندی، در ردیف‌های بعدی قرار گرفتند.

مرحله دوم این مسابقات بین روزهای اول تا سوم اسفند ماه در تالار ژینماستیک امجدیه برگزار خواهد شد.

قرارات تیمهای ژینماستیک دختران و پسران ایران در هفته اول فروردین ماه ۱۳۵۴ به ریاستن شوروی بروند.

انتظاری و حسام به آلمان غربی رفتند

رضا انتظاری (برنزه دو مدال نقره دوهای ۴۰ و ۴۱ متر بازیهای آسیائی تهران) و سلمان حسام (برنده مدال برنز

پرتاب دیسک بازی‌های آسیائی) هفته گذشته به آلمان غربی رفتند تا در یک دوره کلاس آمادگی - که در شهر مانس زیر نظر پروفیسور ویشمن (استاد دو و میدانی آلمان) تشکیل میشود - شرکت کنند.

قبل از انتظاری و حسام، تیمور غیائی (قهرمان رکورد پرش ارتفاع آسیا) نیز به آلمان رفته است و در حال حاضر زیر نظر پروفیسور ویشمن به تمرینات خود ادامه میدهد. این استاد آلمانی همان کسی است که غیائی را برای بازی‌های المپیک مونیخ و بازی‌های آسیائی تهران تمرین داده بود.

تیمور غیائی از مانع ۲/۱۴ متر عبور کرد و او اول شد

تیمور غیائی - که اینک در آلمان غربی به تمرین مشغول است، در مسابقات قهرمانی استان‌های اطراف رود «راین» - که هفته پیش برگزار شد - با عبور از

مانع ۲/۱۴ متر به مقام اول رسید. غیائی دو هفته پیش در جریان مسابقات بین المللی مریلند آمریکا بعلت کشیدگی عضله شکم در سد مانع ۱/۹۸ متر متوقف شد و به مسابقه ادامه نداده بود.

تیم‌های بسکتبال کره جنوبی به تهران می‌آیند

فدراسیون بسکتبال ایران اعلام کرد که تیم‌های بسکتبال دختران و پسران باشگاه بانک ملی (ناسیونال بانک) کره جنوبی - روز ۲ اسفند ماه برای انجام چهار مسابقه دوستانه با تیم‌های دختران و پسران ایران - به تهران می‌آیند.

سراکش، صدر نشین چکسلواکی را شکست داد

رہا ط : در یک دیدار دوستانه فوتبال که بین تیمهای ملی مغرب (سراکش) و باشگاه اسلوان پراتسلاوا (صدر نشین مسابقات قهرمانی چکسلواکی) انجام شد تیم مغرب با نتیجه دو بر صفر اسلوان پراتسلاوا را شکست داد.

نیز چند مسابقه دوستانه انجام داده بود و در برابر تیم منتخب تهران با نتیجه یک بر صفر به پیروزی رسیده بود. تیم مراکش خود را برای شرکت در مسابقات مقدماتی المپیک مونترآل آماده میکند.

سراکش، صدر نشین چکسلواکی را شکست داد

رہا ط : در یک دیدار دوستانه فوتبال که بین تیمهای ملی مغرب (سراکش) و باشگاه اسلوان پراتسلاوا (صدر نشین مسابقات قهرمانی چکسلواکی) انجام شد تیم مغرب با نتیجه دو بر صفر اسلوان پراتسلاوا را شکست داد.

سراکش، صدر نشین چکسلواکی را شکست داد

رہا ط : در یک دیدار دوستانه فوتبال که بین تیمهای ملی مغرب (سراکش) و باشگاه اسلوان پراتسلاوا (صدر نشین مسابقات قهرمانی چکسلواکی) انجام شد تیم مغرب با نتیجه دو بر صفر اسلوان پراتسلاوا را شکست داد.

پیچ‌ها پایان یافت

در بازار نقل و انتقال‌ها همه به جان هم افتادند

وفاخواه منتظر اشاره جلال بود

داود میرطوسی بازی خواهد کرد؟

سرانجام تمام بروی‌ها ، پیچ‌ها ، شایعه‌ها و خط و نشان‌ها پایان گرفت و دفتر نقل و انتقال‌های جام تخت جمشید برای یکسال دیگر بسته شد. اما بسته شدن این دفتر بمعنی تمام شدن تمام مسایل در حاشیه این نقل و انتقال نیست و به یقین فدراسیون ، حداقل تا آغاز سیزم دوره جام تخت جمشید در این زمینه درگیری‌هایی خواهد داشت.

در پایان فصل نقل و انتقال‌ها بدون هیچ تردیدی مسئولان فدراسیون فوتبال ایران بی برده‌اند که شکل کار به این ترتیب منطقی نیست و باید هر چه زودتر در این مورد تجدید نظر اساسی شود. بازار آشفته‌ای که طی مدت یکماه پس از دوسیم دوره جام تخت جمشید به چشم دیدیم ، هشداری بود برای فدراسیون فوتبال و برگزارکنندگان جام تخت جمشید که روشی پسندیده برای این کار اتخاذ کنند.

در یک ماه گذشته کلیه سربازان باشگاه‌های تهران و نیسی بیشتر از بازیکنان نمی‌دانستند که به چه سرنوشی در پایان زمان نقل و انتقال‌ها دچار خواهند شد. زیرا با رفتن ناگهانی قسبت‌های بازیکنان بیشتر سربازان باقرار دست جمعی بازیکنان خود روبرو شدند. در نتیجه این سربازان نیز برای بازکردن جای خالی آنان به سراغ بازیکنان دیگر رفتند و به عبارت دیگر همه به جان هم افتادند.

سلسلاً ، در سائهای آینده که جام تخت جمشید شکل گسترده‌ای - دست کم از نظر کیفیت - پیدا خواهد کرد ، این شغل نقل و انتقال فوتبال ما را به سوی باندبازاری‌ها و در نتیجه هرج و مرج می‌کشد. فدراسیون فوتبال چنان در مقابل این « بدیده » جام تخت جمشید شگفتی زده شد که در یک روز مانده به پایان مهلت نقل و انتقال‌ها ناگهان اعلام کرد که هر بازیکنی حتی اگر یک روز از زمان قرار دادش با باشگاه قبلی باقی مانده باشد ، نمی‌تواند تقاضای استعفا کند. به این ترتیب دوش آب سردی روی بدن عرق کرده سربازان دلالان باز کرد.

این تصمیم ناگهانی فدراسیون با اینکه گروهی را دچار درد سر تازه‌ای کرد ، اما حداقل حسرت این بود که به یکباره راهروهای انباشته از بازیکن خالی شد و گروهی تکلیف کار خود را دانستند. این تصمیم درست عکس آن چیزی بود که قبلاً اعلام شده بود. در بخشنامه قبلی آمد: « باید که هر بازیکنی که تا سه ماه از مدت قرار دادش باقی مانده باشد ، با موافقت

باشگاهش و یا تشخیص کمیته قضایی قادر به انتخاب باشگاه جدید است. ولی چون تمام دست اندرکاران نقل انتقالها از این تصمیم جدید سود و زبانی تقریباً یکسال داشتند ، اعتراضی علنی دیده نشد. تنها چند بازیکن انگشت شمار که اصرار فراوان به تعویض باشگاه داشتند ، با نا کاسی روبرو شدند. از آن جمله می‌توان از بیژن ذوالفقارنسب ، قاسم طیبی و فرامرز صباخی نام برد.

در روز آخر چه گذشت

در یکماه گذشته حرف‌های زیادی در مورد نقل و انتقال‌ها شنیدیم و نوشته‌ها

بیشتر جنبه شایعه داشت تا واقعیت. ولی در روز آخر این شایعات بیشتر رنگ حقیقت گرفت و مسائلی که مطرح بود چه در زمینه مسائل مادی و چه در زمینه مسائل حرفه‌ای و حاشیه‌ای جنبه جدی داشت. کاشیه به این شکل سامان گرفت: که از میان بازیکنان بزرگ همانطور که در شماره گذشته مجله کیهان ورزشی پیش‌بینی کرده بودیم ، قلیچ‌خانی به دارائی رفت و به تمام سرو صداهای اطراف خود پایان داد. اما به وجود آنگن دارائی صاحب یک بازیکن صاحب نام شد که باز کوشا و صمیمی خود به نام مهدی لوسانی را از دست داد.

بشترین شگفتی نزد تیم پرسپولیس بود

جون با وجود آن که از چند ماه پیش گفته می‌شد که کلانی ، مهراب شاهرخی ، بوک و وطن خواه و هادی طاووسی از پرسپولیس خواهند رفت ، کمتر کسی بود که آنرا زیاد جدی تلقی کند. این شک زمانی بوجود می‌آمد که نام کلانی به چشم می‌خورد ، بطوریکه حتی ساعات‌های آخرو شاید بتوان گفت تا آخرین دقایق زمان نقل و انتقال‌ها حتی مهابون بهزادی هم این را باور نمی‌داشت. به همین دلیل او اسم کلانی را در فهرست اسامی بازیکنان پرسپولیس جای داده و به کمیته اجرایی جام تخت جمشید تسلیم کرده بود.

بهزادی قبل از دیدن استعفا نامه کلانی ، مرتب می‌گفت اگر او بخواهد پرسپولیس را ترک کند به خاطر اعتراضی که برایش قائلیم رضایت خواهیم داد اما هنگامیکه خبر رسیدن استعفا کلانی را به فدراسیون شنید سراسیمه شد. با این وجود او هنوز هم باور ندارد که کلانی به تیم شاهین رفته باشد.

اخراج عقاب

از جمله عللی که موجب بازی و نقل و انتقال‌ها و بروز مسائل و مشکلات جدید شد ، باید از اخراج تیم عقاب و تبدیل نامش به شاهین نام نمود. اخراج عقاب ، بازیکنان طراز اولی از

قلیچ‌خانی که به دارائی وارد شد، لوسانی بیرون رفت!

لوسانی بطور ناگهانی به مسئولان دارائی اطلاع داد که دیگر در این تیم بازی نخواهد کرد! این خبر مسئولان دارائی را متعجب ساخت و متعجب بودند که چرا او قیلاً آنها را در جریان تصمیم خود قرار نداده و به اصطلاح دست آنها را لای پوست کرده و گذاشته است. اما با بدان روی سکه را هم دید و تنها به قاضی نرفت. لوسانی می‌گوید: « من یکسال تمام برای این تیم زحمت کشیدم و حال که تیم به مقصود رسیده است ، مسئولان دارائی مرا فراموش کرده‌اند. در این یک ماهی که از پایان مسابقه‌های دسته اول می‌گذرد و دارائی به مقام قهرمانی رسیده ، مسئولان باشگاه سراغی از من نگرفتند در حالی که فکر می‌کردم این صلاحیت را داشته‌ام که دست کم بعنوان کاپیتان تیم از برنام و طرح‌های آینده باشگاه مطلع باشم و تا آخرین روز نماندیم تیمی که منم چون دیگر بازیکنان در آن زحمت کشیده‌ام ، جکار میخواهد بکند. من تا آنجا اوضاع تیم بی‌خبر بودم که حتی اخبار مربوط به نقل و انتقال‌های تیم دارائی را در روزنامه‌ها میخواندم. اگر شما بجای من بودید فکر نمی‌کردید زیادی هستید ؟ »

بهرحال قضاوت در مورد معنی بودن یا نبودن لوسانی را بعهده شما می‌گذاریم ولی کمتر قاضی منصفی پیدا میشود که رأی برحافیت او ندهد. چه خوبست قدر دوستان متمسکش و صمیمی خود را بدانیم. با آنکه ما تیم دارائی را دوست داریم و به سهم خود خیلی به آن کمک کرده‌ایم نمیتوانیم این را ندیده بگیریم که در مورد لوسانی درست عمل نکرده‌اند و می‌بایست جانب او را رعایت میکردند.

بود که به دارائی چنین بزرگی بخشید. دارائی روزهای سختی را پشت سر گذاشت و اکنون در صف بزرگان قرار گرفته است. اگر روزی جلال والهی سراسیمه از این سوی به آن سوی به دنبال یافتن بازیکنی میدویدند ، حالا با اشاره به بازیکنان بزرگ را به خدمت میگیرند و کم کم با حضور بازیکنان سرشناسی همچون قلیچ‌خانی و دیگران میروند تا روزگار برآوازی در در فوتبال ایران آغاز کنند و یادآور گذشته‌های پر فروش دارائی باشند.

اما برای پیودن راه سخت دسته اول باشگاه‌های تهران تا جام تخت جمشید کسان دیگری هم بودند که خون دل خوردند و دل سوزاندند و یکی از آن آدم‌ها مهدی لوسانی بود.

لوسانی تنها به خاطر دوستی با طالبی به دارائی آمد و تمام سزای بازی در جام تخت جمشید را به خاطر این دوستی فراموش کرد و یکسال تمام روی اسفالت پارکینگ امجدیه و ورزشگاه خالی امجدیه بسرای رساندن فوتبال دارائی به سر میزول مقصود دنبال توپ بود. زمانی که جلال در دنیا بیمار بود ، این مهدی بود که بچه‌ها را گرد می‌آورد و نمیگذاشت و فقه‌دی در کار تمرین تیم پدید آید. او در میدان هم رکن اصلی فوتبال دارائی بود و حضورش در خط دفاعی این تیم با عنوان کاپیتانی ، هم اعتباری برای تیم دارائی بود و هم باعث دلگرمی بازیکنان کم و بیش جوان این تیم.

بهمین دلیل باید سهمی بزرگ از موفقیت دارائی را بی‌شبهه به لوسانی داد. او از ورود تیمش به جام همانقدر خرسند بود که پایه‌گذاران فوتبال دارائی بودند ، اما در آخرین روز مهلت نقل و انتقال‌ها

حتماً بارها این ضرب‌المثل فارسی را شنیده‌اید. مفهوم این ضرب‌المثل در مورد آدمی مصداق پیدا می‌کند که با حرص و ولع بیک گرسنه ، لقمه‌ی را در دهان می‌گذارد اما بجای نان و فاقق خوشمزه ، یک استخوان دندان شکن زیر دهنش می‌رود. استخوان آنهم در لقمه‌ی که از دست دوستی گرفته شده است.

سال پیش تقریباً همین روزها بود که جلال طالبی با کمک چند جوان شیفته ورزش فعالیت مجدد باشگاه دارائی را جشن گرفت. جلال برای تشکیل تیمی که بتواند در دسته اول فوتبال تهران عرض اندام کند و از پس حریفان برای ورود به جام تخت جمشید برآید ، کوشش فراوانی کرد و در سایه این تلاش بود که سرانجام تیم دارائی به جام راه یافت. اما در این راه طالبی به هیچ وجه تنها نبود و حتماً خودش هم چنین ادعایی ندارد زیرا آن چند جوان شیفته از نظریه‌ی « همچون ستون محکمی پشت سر او بودند و تمام امکانات را هم در اختیارش گذاشتند و می‌گذارند. اما در خارج از چهار چوب مسائل مادی جلال در زمینه معنوی نیز بی‌باور و یار نبود.

یکی از آدم‌هایی که با پشتکار و صمیمیت فراوان - که گاهی بالاتر از حد وظیفه هم بود - برای این تیم دل‌مسوزاند مصطفی الهی بود. الهی از هیچ کاری برای نضج گرفتن دارائی سرباز نمی‌زد و نمی‌زد و با اینکه نه مربی است و نه بازیکن ، اما کمتر از آنها نمی‌کوشد.

بهرحال دارائی روی این کار گروهی شکل گرفت البته نه گروهی چندان بزرگ. بلکه صمیمیت و دوستی این گروه کوچک

کلانی: من دیگر

فوتبال نخواهم کرد

هما یون بهزادی هم

به شاهین میروم

آخر وقت دیروز حسین کلانی در یک تماس تلفنی با مجله کیهان ورزشی، ترک فوتبال را اعلام کرد.

کلانی در این تماس گفت: « من به عنوان یک عضو باشگاه شاهین فوتبال را کنار می‌گذارم و از باشگاه پرسپولیس استعفا کرده‌ام ولی خارج از زمین فوتبال هر گونه همکاری ممکن را با شاهین خواهم داشت. کلانی اضافه کرد که ترک فوتبال به بازی من در ارتش مربوط نمی‌شود و من همچنان عضو تیم فوتبال ارتش خواهم بود و با اینکه اجباری برای این بازی‌ها به من نشده است، ولی به خاطر وجود احساس میهنی در ارتش بازی خواهم کرد.

کلانی در مقابل این سؤال که در صورت تصمیم به بازی نکردن چه اجباری به استعفا از پرسپولیس بود؟ اشاره به «مسائل» کرد و گفت من همیشه خود را عضو شاهین و مدیون به این باشگاه میدانم و برای همین نیز هیچوقت قرارداد و تمهیدی با هیچ باشگاهی نداشته‌ام. کلانی در پایان گفت:

« حتی همایون بهزادی هم به احتمال زیاد از فصل آینده به شاهین خواهد رفت. کلانی فوتبال را به طور رسمی از باشگاه دهمم آغاز کرد. بعد به عضویت شاهین درآمد. باشگاه‌های بعدی کلانی پرسپولیس، پیکان و پرسپولیس بود و حالا شاهین میشود. اوج کلانی (به قول خودش) سابقه‌های جام آسیایی بانکوک بود. ۱۹۷۲ بود.

عزیز اصلی هم بازگشت!

دنیای فوتبال دنیای آشفته‌بی است و بورس فوتبال تهران هفته گذشته شاهد کمدی‌های بدون موزیکه فراوانی بود.

در راهروهای انباشته از فوتبالیست‌ها در ارسون که جای سوزن‌انداختن نبود از ازدحام جمعیت نفس‌ها به سختی کشیده میشد و این ازدحام چهارشنبه شب گذشته به اوج رسید.

در هر گوشه راهروها گروه‌های سه یا چهار نفری مشغول بچ و بچ بودند و امضاءها بود که پای قراردادها گذاشته میشد و مربیان با دست‌چک‌ها از این سوزی به‌آن سوی بدنبال «مال بدرده پنخور» بودند!

در این آشفته‌بازار ناگهان سروکله بازیکنان قدیمی که نه یکسال، نه دو سال و نه سه سال بلکه چند سال از زمستان بازی‌شانگانی آنها میگذرد، پیدا شد. زیرا در ۵ روز گذشته آندره بازار نقل و انتقال‌ها گرم و قیمت‌ها بالا بود که بازیکنان هم به هوس بازی افتادند. و جالب اینکه در روز آخر عزیز اصلی دروازه‌بان تیم ملی ایران در دوران درخشان سابقه‌های مقدماتی اسپیکر ژان (۱۹۶۴) نیز به صف داوطلبان عضویت در یکی از باشگاه‌های جام درآمد!

اصلی پول نمی‌خواست بلکه معتقد بود با بدن آماده‌اش آمده است که روی جوان‌ترها را کم کند!

البته اصلی چون دیر جنبیده بود نتوانست به سراد خود برسد. شاید راست میگوید و هنوز دود از کنده بر میخیزد. اما بهرحال ما هم بدانیم نمی‌آید که با عضویت عزیز اصلی در یکی از تیم‌های جام تخت. جمشید خاطرات جوانی را زنده کنیم. هدف عزیز اصلی کاری عضویت در تیم داراوی بود.

در تیم‌ها با مسافرت شهرام هما یونفر و شاهرخ کیانی به خارج (برای ادامه تحصیل) حسن ربانی، علی سجادی و ناصر نورانی از تیم پیام ناسزد عضویت در آن هستند.

نام پاس فقط به دلیل صحت‌هائی که اطراف اولی‌الفانرسب، ناصر سلیمی و قاسم طیبی وجود داشت به میان کشیده شد.

در این میانه پاس فقط به ناصر سلیمی رضایت نامه داد و جمشید رشیدی از ذوب آهن و کمال خلیلیان از گمرک اهواز به عضویت پاس درآمدند. اضافه کنیم که بر اساس شایعه‌ها، به احتمال قریب به یقین مستولان تیم شاهین برای صحبت در مورد محسن میری امروز با مستولان باشگاه پاس تماس خواهند داشت و احتمال می‌رود این بازیکن را جزو شاهینی‌ها ببینیم.

به هر حال این داستان همچنان که بالاتر هم گفتیم سر دراز دارد و آنها فقط گوشه‌ای از بلبشوی بازار نقل و انتقال‌ها بود که افزایش تعداد تصمیم‌های جام تخت جمشید بی شک موجب بروز چنین مشکلاتی بوده است و این درسی است برای فدراسیون تا برای سال آینده تفری اساسی نماید و روشی منطقی اتخاذ کند.

دارائی به دنبال دروازه‌بان

باشگاه دارائی در آخرین روز نقل و انتقال‌ها، اساسی تیم فوتبال خود را اعلام کرد ولی بطوریکه تا آخرین ساعات مهلت نقل و انتقال‌ها شنبه می‌شد، هنوز در مورد چند بازیکن اعلام شده از طرف دارائی، اشکالاتی در بین است.

با تصمیمی که کمیته قضائی سبئی بر باقی ماندن فرامرز صباچی در بانک ملی گرفت، تیم دارائی با مشکل دروازه‌بان روبرو شده است و شنیدیم که چون مهدی عسگرخانی هنوز قراردادش را با ابوسلم امضا نکرده است، دارائی به دنبال این دروازه‌بان رفته است که هنوز از نتیجه کار خبری در دست نیست.

به مرحال بازیکنان این تیم بر اساس آنچه جلال طالبی (مربی) اعلام کرد به این صورت بود:

اسماعیل معمم - اکبر مالکی (در حال مذاکره) - قلیج خانی - شهریار شفعی، سعود معینی، حجت‌الله خورشید پناه - عبدالعلی کلاتری (از عقاب) احد دهبانی (از برق)، قلی جهانی (از اسفر) محسن یوسفی (از راه آهن)، فرهاد آذری محسن حسینی، منوچهر دوام، رمضان بانسری، شاهرخ اصلانی، عبدالعزیز عترتی (از دژبان)، مهرداد پاسا (از نفت تهران)، جعفر آذرمگین (از دژبان)، محسن نووی، مسلم خانی (از جوانان راه آهن)، حسین لداکار (از راه آهن).

با این حال هنوز در مورد پاسا، عترتی، فداکار، مسلم خانی، معمم، یوسفی و دیانی هنوز مسائلی در بین است که عضویت آنها را در دارائی قطعی نمی‌کند. در مورد تیم دارائی صحبت‌های دیگری در بین است و فهرست استعفا نامه‌هایی که به فدراسیون فوتبال داده شده است، نشان می‌دهد که علی بشیری و محمود شافعی (از راه آهن) هم خیال رفتن به دارائی دارند. فریدون لقمان هم از دارائی به صنعت نفت آبادان رفته است.

جام دوهو قبل را وارد این بازار کرد آنها بدون احتیاج به رضایت نامه و مشکلات دیگر و دنبال نام شهباز به شاهین هم بازیکنان دیگری را که به این نام اخیر علاقه دارند، متوجه خود ساخت. اشراج عقاب باعث انبساط خاطر مربیانی شد که در بدر به دنبال بازیکنان بزرگ می‌کشند. اما ورود بازیکنان عقاب به بازار نقل و انتقال‌ها بر خلاف تصور گروهی موجب پائین آمدن نرخ بازار شد. زیرا تصمیم جدید فدراسیون سبئی بر ماندن بازیکنان در باشگاه‌های قبلی خود سبب شد که قیمت‌ها همچنان بالا بماند.

از عوامل دیگری که می‌توان بعنوان مثبت کننده نرخ نام برد، کیفیت جدید کار شاهین و اقبال است. زیرا این دو باشگاه با سرمایه‌های مادی کزاف کورس رقابت بسته اند تا راهی به جام تخت جمشید بیابند و مسلماً هدف اصلی این است که بازیکنان قابل اعتمادی را گرد هم آورند.

در این راه شاهین همانطور که اشاره شد با گرد آوری چند بازیکن پرسپولیس تا حدودی به مقصود نزدیک شد. اما در این میان اقبال نیز بیکار نبود. زیرا فرامرز ظلی (مربی این تیم) به پیشنهاد دوستی‌های گذشته، توانست بازیکنانی را که حتی یکی دو سال بود از فوتبال کنار بودند، وارد گود کند که در این جمع نام قدیمی‌های عقاب هم به چشم می‌خورد. در این راه ابتدا حمید لوسانی پیشقدم شد. ورود لوسانی به اقبال، قوت‌تلفی برای بازیکنانی چون فریبرز اسماعیلی و حمید امینی‌خواه بود که بار دیگر به میدان کشیده شدند.

در این میان هنوز غلام وفاخواه بین شاهین و اقبال مردد است. در حالیکه اگر دارائی کوچکترین اشاره‌ای به اومی کرد، وفاخواه را سال آینده در میانه میدان این تیم می‌دیدیم.

به هر حال غلام در یکی دو روز آینده بین فرامرز ظلی و ولی کلانی (مربی شاهین) یکی را انتخاب خواهد کرد. ولی به قرار صحبت‌های مربی شاهین بر اساس مذاکراتی که این دو نفر روز پنجشنبه در جریان مسابقه ارتش‌های ایران و ایتالیا داشتند، گویا غلام وفاخواه شاهین را انتخاب خواهد کرد.

خارج از گودها

در این بلبشوی نقل و انتقال‌ها، چند تیم خارج از گود بودند و تلاش‌ها و شیرین کاری‌های سایرین را تماشا می‌کردند. در رأس اینها تاج قرار داشت که فقط دو بار با ورود بی سرو صدای حسن ابراهیمی از بانک ملی و حسن نظری از صنعت نفت به تاج، نام این تیم به میان آمد.

تیم‌ها هم از این نظر همچون تاج بی سرو صدا بود در تفریبات این تیم تنها ورود غلام کیانی‌نور از عقاب مطرح بود. اضافه کنیم که حضور داود میر طوسی در فدراسیون هم باعث شد که یک بار دیگر نام‌ها به میان آید و از قرار شایعات می‌توانیم با ابوسلم قرار داد امضا کرده است ولی همین شایعات صحبت از عضویت او در تیم شاهین می‌کند. ولی در هر حال از نظر باشگاه‌ها، میر طوسی فوتبال را کنار گذاشته است و دیگر جزو این تیم نیست!

دستگاه نوظهور

برای اتومبیل شما

وسیله اوئیورسال جدید - اسکار - برای نصب و جدا کردن فوری و اتوماتیک انواع بخش وضبط صوت استریو، رادیو، از اتومبیل بطریق کشویی.

ساده‌ترین راه‌جلوگیری از سرقت این وسایل

و انصراف سارق از دزدیدن اتومبیل شما است.

فروش: سبوح رادیو ولینق - پیچ شیرمان - تلفن ۳۰۸۴۶۴

وسایل مراکز نصب رادیو و بخش صوت اتومبیل



نمایندگی: شرکت روان ساختمان آفتاب شرق تلفن ۳۱۲۰۲۵

شکست ناپذیرهای هما به جام دوم حمله کردند

از سهشنبه گذشته مرحله نهایی مسابقات بسکتبال قهرمانی باشگاههای مردان تهران با شرکت چهارده تیم از باشگاههای: تاج، هما، پرسپولیس، دخانیات، پاس، صنعت نفت، ورزش، تهران جوان، شهربانی، راه آهن، شاه عزیز، آزارات، سازمان آب و امریکائیهای مقیم تهران آغاز شد.

این مسابقات در یک گروه و بطریق دوره‌ی انجام میشود و در پایان، تیمی که امتیاز بیشتری پس انداز کرده باشد جام قهرمانی باشگاههای تهران را تصاحب خواهد نمود و بعنوان نماینده بسکتبال تهران در مسابقات جام اتحادیه‌ی باشگاههای ایران شرکت خواهد کرد.

تهران از این مسابقات تیم امریکائیهایی مقیم تهران - که گفته می‌شود از لحاظ بازی بسکتبال در سطح خوبی قرار دارد - بدون امتیاز شرکت دارد. هم چنین است شرایط تیمهای آزارات، شاه عزیز و سازمان آب که از گروه تیمهای پشت خط مانند برای حضور در مسابقات مرحله نهایی باشگاههای تهران برگزیده شده‌اند.

این سه تیم بعد از پیشنهاد کیهان ورزشی مبنی بر ترتیب دادن یک دور مسابقه تشویقی برای تیمهایی که به خاطر تأخیر در اعلام استعفانامه بازیکنان مربوطه از شرکت در مسابقات باشگاهها معروض شده‌اند همراه با سایر تیمهای پشت خط مانده و هم چنین تیمهای حذف شده از مرحله مقدماتی مسابقات باشگاههای تهران، با موافقت فدراسیون بسکتبال در یک دور مسابقه شرکت کردند و سرانجام تیم سازمان آب از دسته اول، تیم آزارات از دسته دوم و تیم شاه عزیز از دسته سوم برای حضور در بازیهای مرحله نهایی انتخاب شدند.

تیمهایی که در مسابقات اسنال شرکت دارند عموماً صاحب استخوان بندی سال گذشته هستند و شاید همین سبب است که از هم اکنون میتوان چهار تیمهای برتر باشگاههای تهران را با در نظر گرفتن قدرت و خصوصیات گذشته آنان شناخت و معرفی کرد.

هما، قهرمان سال گذشته باشگاههای تهران - که لقب تیم شکست ناپذیر به آن داده شده بود - در حال حاضر نیز در ردیف بهترین تیمهای باشگاهی تهران قرار دارد. این تیم با سود بردن از همان چهاره قدیمی - که جمگی به خوبی و کارسازای شهرت دارند - این تصور را بوجود آورده است که اسنال هم شکست ناپذیر بانی خواهند ماند. گویانکه فشرده‌گی این مسابقات تا حدود زیادی مانع هرگونه پیش بینی می‌شود.

امیر ایلپایری بلند قامت ترین بسکتبالیست ایران، مظفر بنی هاشمی مغز متفکر تیم ملی ایران، محسن خلغالی بهترین تیرانداز و ریزه کارترین بازیکن ایران یکی از دوازده بازیکن

منتخب تیم آسیا، جعفر قره‌خانی براسحکام ترین عنصر تیم ملی ایران و بالاخره ایرج لارودی با آن شوتهای دقیق و مهارتی که در بازگویی و مبارزات تن به تن دارد، از جمله بازیکنانی هستند که به تیم هما اعتبار و ارزشی چنین درخور اهمیت داده‌اند.

بعد از تیم هما، نوبت به تیمهای دیگری چون پاس، پرسپولیس، دخانیات صنعت نفت، تاج و هم چنین تیمهای سازمان آب و آزارات میرسد که در شرایطی تقریباً مشابه قرار دارند.

در این میان پاس با برخورداری از مهره‌های باارزشی همچون نادر کاشانی، رضا مشعون و عباس حیدری و پرسپولیس با سود بردن از دوچهره سرشناس بنام‌های رسول جوادی و امیر سبکین، دخانیات با استفاده از بازیکنان نواخته‌ی نظیر ناصر بیگلری، مصطفی علی‌آبادی و هم چنین بسکتبالیست‌های برجسته‌ی مانند رضا اسمعیلی، جلال شهیرزادی، اکبر لطفی و کاظم عظیمی برای کسب مقام بالاتر رده بندی با یکدیگر رقابت فشرده و حساسی خواهند داشت و چنین نظر میرسد که برگزدارکننده بازیهای جانب و بره‌جانی در برابر یکدیگر باشند. گویانکه صنعت نفت، آزارات، تاج و سازمان آب نیز حرفهای زیادی برای گفتن دارند.

داغ ترین مسابقه هفته هفته پیش در چارچوب این مسابقات سیزده بازی انجام شد که از این میان دیدار دخانیات با آزارات از حیجان و رقابت بیشتری برخوردار بود.

بازی دخانیات با آزارات علاوه بر آنکه در شرایطی حساس و بسیار نزدیک برگزار شد، از خشونت و درگیریهای فراوانی نیز برخوردار بود، آنچه خشونت - هایی که غالباً آزارات آنها آغازگر آن بودند. در این بازی تیم دخانیات با وجود پیروزی با نتیجه ۷۶ بر ۷۰ هرگز نتوانست قدرت واقعی خود را به نمایش بگذارد که البته این ناشی از آسیب دیدگی چند تن از یاران این تیم منجمله جلال شهیرزادی بود که در بازی حضور نداشت.

با انجام بازیهای هفته گذشته کم و بیش قدرت تیمها و میزان آمادگی بازیکنان نسبت به سابق روشن شد و مسلم گردید که تیمها عموماً فاقد آمادگی و خصوصیات خوب گذشته می‌باشند.

دلیل این رکود با بهتر بگوئیم سرنزولی پاره‌ی از بازیکنان سرشناس - که در واقع استخوان بندی تیمهای برجسته و طراز اول باشگاههای تهران را تشکیل میدهند - از کمبود تمرین ناشی می‌شود و حکایت از این واقعیت می‌کند که صرف نظر از چند تیم شناخته شده - که امکانات نسبتاً مناسبی برای تمرین دارند - اکثریت تیمها و باشگاههای تهران فاقد حداقل امکانات برای تمرین

هستند. این مشکل نه تنها گریبانگیر باشگاهها - های فقیر و کم درآمد تهران و همچنین تیمهای دانشگاهی و آموزشی می‌باشد، بلکه بارها متوجه فدراسیون بسکتبال و در نتیجه تیمهای ملی و جوانان ایران نیز بوده است. برای نمونه همین تیم ملی جوانان ایران را - که اخیراً در مسابقات جوانان آسیا شرکت نمود - مثال می‌زنیم که به علت دراختیار نداشتن محل تمرین، با عدم آمادگی و بخلی بین اعزام آنها بر این فدراسیون بسکتبال ایران نیز خود همیشه از این مساله رنج برده و از اینراه خسارت‌های فراوانی متحمل شده است.

فدراسیون بسکتبال ایران در حال حاضر شرایطی دارد که برای انجام هرگونه مسابقه اعم از قهرمانی ایران، یا مسابقات تشویقی جوانان هیچگونه استقلالی از خود ندارد زیرا که دیده شده برای انجام یک دوره مسابقه تشویقی کم اهمیت مجبور شده است به هزارویک نوع حیل - متوسل شود تا بلکه بتواند اجازه استفاده از یکی از تالارهای سروپسیده را از مقامات بالاتر بگیرد.

تا آنجا که ما بخاطر داریم، فدراسیون بسکتبال ایران در طول سالهای گذشته همیشه نقش یک خانه به دوش را به عهده داشته است. چه آن زمان که فعالیت بسکتبال تنها در انجام یک دوره مسابقه باشگاهی خلاصه میشد و چه در دورانی که بیش از صد تیم جوان در مسابقات تشویقی شرکت می‌کردند، نیاز به داشتن امکانات بیشتر محسوس بود.

شرایط و اوضاع و احوال فعلی نشان میدهد که دیگر نمیتوان فقط به داشتن تالار

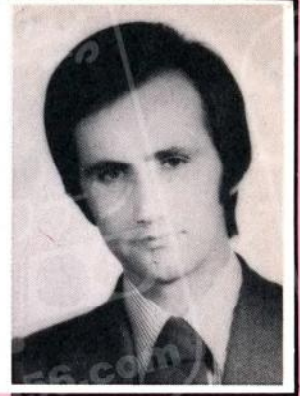
مقهر شماره ۲ و ورزشگاه فرح قانع بود. زیرا این تالار نمیتواند به تنهایی جوابگوی احتیاجات تمرین تیمهای دختران باشد تا چه رسد به رفع نیازهای تمرینی تیمهای پسران و مسابقات گوناگونی که در آن انجام می‌شود. بویژه آنکه میدانیم این روزها تعداد علاقه‌مندان به رشته بسکتبال چنان فراوان شده است که به جرأت میتوان گفت اگر امکاناتی در اختیار فدراسیون بسکتبال قرار گیرد تا بتواند لائق و مناسب ترین و تشویق جوانان را از راه ترتیب دادن مسابقات گوناگون فراهم سازد، هزاران جوان مشتاق و علاقه‌مند در یک مسابقه تشویقی شرکت خواهند کرد، همین جوانانی که اینک چوب‌خانه به دوشی فدراسیون بسکتبال و بی تفاوتی نسبت به کمبود امکانات این فدراسیون را می‌خورند و با همه استعداد و علاقه‌ای که دارند، قربانی سهل انگاری و کم توجهی مقامات مسؤول می‌شوند.

نتایجی که از دیدارهای هفته گذشته بدست آمد بشرح زیر است: هما با شاه عزیز ۸۲ بر ۴۴، سود هما، دخانیات با آزارات ۷۶ بر ۷۰، سود دخانیات، تاج با راه آهن ۸۵ بر ۴۰، سود تاج، پاس با شهربانی ۱۰۱ بر ۵۵، به نفع پاس، صنعت نفت با تهران جوان ۸۷ بر ۴۱، به سود صنعت نفت، سازمان آب با شاه عزیز ۷۸ بر ۴۹، به سود سازمان آب، هما با آزارات ۶۶ بر ۴۴، به نفع هما، دخانیات با راه آهن ۱۱۰ بر ۶۲، به نفع دخانیات، پرسپولیس با شهربانی ۸۴ بر ۴۱، به نفع پرسپولیس، ورزش با تاج ۶۸ بر ۴۰، به سود تاج، پاس با تهران جوان ۶۱ بر ۴۶، به سود پاس، صنعت نفت با امریکائیهای مقیم تهران ۵۵ بر ۵۷، به نفع صنعت نفت.



و سرعت عمل در جای گیری و باز گیری جنگلی نشانه‌هایی از آمادگی این بازیکن برنمر در فصل جاری می‌باشد. در عکس او را هنگام عبور از کنار بازیکنی از تیم شاه عزیز مشاهده می‌کنید.

جعفر قره‌خانی بازیکن تیم هما اسال نیز با همان خصوصیات خوب و استثنایی گذشته در مسابقات حضور یافته است. برشهای بلند، چالاک و مهارت در تصاحب و مهار توپ‌های روی حلقه



گفتگویی با رئیس هیئت فوتبال تهران زنگ خطر برای تیمهای همانم تهران

مسابقات فوتبال:
دسته دوم ایران
به مرحله اجرا در میآید

مسابقات دسته اول
از زیر سلطه جام خارج میشود

از سال آینده
مسابقات محلات تهران
آغاز میگردد

کارهای تازه هیئت

از سال آینده هیئت فوتبال تهران مسابقات فوتبال قهرمانی استان مرکز را برگزار خواهد کرد و تیم قهرمان برای حضور در مسابقات فوتبال سراسری ایران با تیم های شهرستانی مبارزه خواهد کرد. این مسابقه همزمان با مسابقات قهرمانی دسته اول تهران در استان مرکزی انجام خواهد شد.

مختصی افزود: « کار بزرگ ما برگزاری مسابقات محلات تهران است. این مسابقه از سال آینده شروع خواهد شد. ما اکنون با مسوولان شهرداری و اوقاف در تماس هستیم تا امکانات لازم را در زمینه تدارک محل مسابقه بدست آوریم و تاکنون دو قطعه زمین در اختیار ما گذاشته اند که هیئت فوتبال تهران اقدام به تسطیح زمین ها و نصب چوب دروازه در آنها کرده است.

در کنار این اقدامها پنج تن هم مأمور شده اند که در گوشه و کنار تهران با کسانی که دست انداز کار تیم های محلی هستند، مذاکره کنند و آنها را آماده برای این کار مهم و اساسی سازند.

مسابقات محلات تهران در چهار منطقه برگزار خواهد شد و از هر منطقه چهار تیم به دوره نهائی راه خواهند یافت و تیم منتخب مسابقات خود را در اینجانبه و پیش از شروع مسابقه تیم های جام تخت جمشید انجام میدهند. بدین ترتیب ما امیدواریم که با این برنامه ها سال آینده جنب و جوش تازه ای را در راه سازندگی اساسی و بنیادی فوتبال تهران شاهد باشیم. »

وابستگی سودی نصیب تیم میشود و نماینده تکلیف ما با آنها چیست؟ در حالیکه فوتبال تهران همچون جام تخت جمشید احتیاج به تیم های سازمان یافته با بنیه مالی قوی دارد. بدینجهت بطور یقین اینگونه تیم ها - که کارشان بر اساس ضوابط محکم تیمی استوار نیست و سازمانی هم ندارند - به بخش های خصوصی واگذار خواهند شد.

در گذشته نیز چنین کردیم. چنانکه سال گذشته بجای تیم ایرانا تیم بانک سپه بمسابقه راه داده شد. بدین ترتیب از سال آینده تیم هایی در مسابقات دسته اول تهران شرکت داده خواهند شد که دارای سازمان و تشکیلات حساب شده ای باشند. هیئت فوتبال تهران مشغول بررسی این مسأله است و لذا تیم های وابسته و تیم های بدون سازمان منظم باید هرچه زودتر در وضع خود تجدید نظر کنند. »

کم کم سادی فدراسیون

معمدی در پاسخ به این سؤال که هیئت فوتبال تهران چه فکری برای خرج زیاد و درآمد کم تیم های دسته اول تهران کرده است. گفت: « فدراسیون فوتبال دو سال پیش بعلت درآمد بسیار اندک تیم های تهرانی، مقداری از درآمد تیم های تخت جمشید را کم کرد و در مجموع ۲۷۰ هزار تومان بین تیم های دسته اول تقسیم کرد. اما اسمال فدراسیون فوتبال بدون اینکه از درآمد تیم های جام مبلغی به حساب تیم های تهرانی کسر کند، حدود ۳۰۰ هزار تومان اختصاص به این امر داده که با احتساب ۴۰۰ هزار تومان عایدی بلیت فروشی مسابقه ها ۷۰۰ هزار تومان نصیب تیم های دسته اول تهران خواهد شد. مسلماً این مبلغ برای چهارده تیم رقم بالائی نیست. اما مسأله اینست که مسابقه های تیم در ورود به جام تخت جمشید را دارند باید متکی بر قدرت مالی قابل ملاحظه سرمایه گذاران خود باشند و در این شرایط مسابقه های دسته اول بهیچوجه ایستگاهی برای کسب درآمد و ورود به جام تخت جمشید نیست.

سال آینده نیز چون پارسال با کمک بانک ایران و ژاپن مسابقه های محلی تهران با شرکت چهارده تیم دسته اول و ۱ تیم دسته دوم برگزار میشود و درآمد این مسابقه نیز میتواند تاحدودی به این تیم ها کمک کند.

دسته اول را وسط هفته برگزار می کردیم تماشاگر بیشتری به ورزشگاه میآید تا مثلا ورزشیه.

بهین دلیل ما از سال آینده مسابقه های فوتبال قهرمانی تهران را کاملاً جدا از مسابقه های «جام» برگزار خواهیم کرد و این زمان از هم اکنون تعیین شده است و مسابقه ها به احتمال زیاد در تیرماه آغاز خواهد شد. این زمان شروع استراحت سه ماهه تیم های جام تخت جمشید است که خودشان را برای مسابقه های برگشت آماده می کنند بنابراین چون مسابقه فوتبال دیگری در جریان نخواهد بود، لذا مسابقه های فوتبال قهرمانی تهران تماشاگر بیشتری نسبت به گذشته جلب خواهد کرد.

اما این بک برنامه کوتاه مدت است و برای اینکه فوتبال تهران هویت اصلی خود را بدست بیاورد باید طرح برگزاری مسابقه های فوتبال دسته دوم ایران بمرحله اجرا درآید. چه آنوقت هیئت تیم تهرانی با هشت تیم شهرستانی وارد رقابت گرم تری وارد یافتن به جام تخت جمشید خواهند شد. »

تجدید نظر درباره تیم های تهرانی

بیژن معمندی رئیس هیئت فوتبال تهران افزود: « ما همچنان قصد داریم مسابقه های فوتبال دسته اول تهران را با حضور ۱۰ تیم ادامه دهیم. در حال حاضر یازده تیم در دسته اول حاضر هستند چون دارای آزارات از دسته اول به جام رفته اند و حمید نیز به دسته دوم سقوط کرده است. اما شهباز با وجود اینکه به حکم جدول محکوم به سقوط بود، با در نظر گرفتن امکانات و تأسیسات این تیم و بررسی همه جانبه هیئت فوتبال تهران، تصمیم گرفته شد که شهباز سال آینده نیز به حیات خود در دسته اول تهران ادامه دهد. از سوی دیگر تیم های اول و دوم دسته دوم به این گروه خواهند پیوست و این شرکت احتمالی تیم عقاب در دسته اول جمع تیم ها به ۱۴ خواهد رسید. اما هیئت فوتبال تهران در صدد است در زمینه کیفیت و سازمان تیم های دسته اول تحقیق تازه ای را شروع کند.

گروهی از تیم های دسته اول تهران وابسته به تیم های جام هستند اما کوچکترین کمکی از جانب تیم های جام به آنها نمیشود. این تعداد تیم ها شکل اساسی ما هستند چون مستقلند که اگر دچار ضعف مالی و تشکیلاتی هستند، بشود به آنها کمک کرد و نهاز این

دو سال پیش زمانی که هنوز مسابقه های فوتبال سراسری ایران (جام تخت جمشید) متولد نشده بود، مسابقه های فوتبال قهرمانی تهران رونق خاص داشت و در حقیقت بیشترین رویداد های فوتبال ایران در آنجام این مسابقه ها خلاصه میشد. اما اکنون مسابقه های جام تخت جمشید سبب سردی مسابقه های فوتبال قهرمانی تهران شده است.

در حالیکه پیش از این مردم بسرای دین مسابقه تیم هائی مانند تهران جوان، آزارات، دارائی، شهربانی، افسر ووو... به امیدیه هجوم میآوردند. اما حالا با وجود آنکه تمام این تیم ها در دسته اول حضور دارند، بیشتر اوقات تماشاگران مسابقه های آنها آنقدر اندک است که بشمارش نمی آرزود و بهین دلیل است که همه چشم ها متوجه جام تخت جمشید است. تماشاگر، مسابقه های تخت جمشید را می پسندد، بازنگر رغبتی برای بازی در تیم های غیر جام نشان نمیدهد و مری از کاری که در دسته اول انجام میدهد راضی نیست و معتقد است کارش آب در هاون کوبیدن است.

با این ترتیب مسابقه های قهرمانی دسته اول تهران هویت خودش را زیر سایه جام از دست داده است و هیچگونه گرمی در رقابت تیم ها به چشم نمینوردد. در حالیکه میدانیم همه دست انداز کاران چه بازیکن، چه مربی و چه هیئت فوتبال تهران در تلاش هستند تا رونق گذشته را به فوتبال دسته اول تهران بازگردانند.

بهین دلیل برای کندو کاو در جهت اطلاع از برنامه های هیئت فوتبال تهران که مسئولیت حمایت از سطح فوتبال و اعتلای آن را دارد، با بیژن معمندی رئیس هیئت فوتبال تهران به گفتگو نشستیم.

او درباره علت عدم استقبال از مسابقه های قهرمانی تهران توسط تماشاگران گفت: « قدر مسلم اینست که مسابقه های فوتبال قهرمانی ایران اثر مستقیم روی تماشاگر فوتبال تهران گذاشته است بدینجهت ما با آگاهی کامل به این مسأله، در صددیم که شخصیتی کاملاً مستقل به فوتبال دسته اول تهران بدیم تا از زیر سلطه جام خارج شود. این کاملاً منطقی است تماشاگری که روز جمعه مسابقه پرسپولیس - ناج یا هما - پاس را دیده است، روز بعد برای تماشای مسابقه دو تیم دسته اول باسکا های تهران رغبتی نشان ندهد. ما سال گذشته این تجربه را کاملاً لمس کردیم که روزهایی که مسابقه های

پلاستر

کافدروری آسان پلاستر
کنپوش برزی پلاستر
موکت - ش پلاستر

تولیدی
مپان بوی پلاستر
کافدروری آسان پلاستر

تلفن ۶۶۱۱۶۵ - ۶۶۸۸۳۳

شبی که خورشید به ورزشگاه تابید عشق دو قهرمان پیوند خورد

کریم و جلال: دوست، رقیب، قهرمان، رکوردشکن، و باجناب

جلال کشمیری را که می‌شناسید . کریم زندی هم که معرف حضورتان هست . هر دو قهرمان و از چهره‌های آشنا و دوست داشتنی ورزش ما هستند . کریم ، سالها قهرمان پرتاب دیسک ، وزنه ، نیزه و چکش کشور هم او بود که راه قهرمانی «جلال» را هموار کرد و در نهایت صفا و جوانمردی آنچه او تجربه اندوخته بود در طبق اخلاص به شاگردش اوزانی بخشید ، بی آنکه از امکان پیشی گرفتن «جلال» با استعداد و زورمند را بر خود ، نادیده بگیرد و قضا را که چنین شد و شاگرد در بدست کوتاهی ، به رکوردهای استاد حمله کرد ولی اولین کسی که بر کونه‌های عرق کرده «جلال» بوسه تریک زد و پیروزش را ستود ، «کریم» بود .

جلال همیشه میگوید که پیروزیهایش را سرهون زندی است . بعدا جلال راهی آسروک شد و کریم گرفتار اهل و عیال ولی این دو ، در دو سوی دنیا هرگز دست از ورزش نکشیدند .

کریم ، زنی ورزشکار گرفت او را از والیبالی به ورزشهای میدانی کشاند . در بازگشت از یکی از سفرهای ورزشی ایران به ترکیه - که جلال هم تیم را همراهی میکرد - جلال خان در دام عشق خواهرزن کریم گرفتار شد و این بار باز «کریم» بود که به یاری دوست ورزشکارش شفاف و طولی نکشید که باران دیرین میدانها ،

با پیوند خانوادگی بهم گره خوردند و خیلی زود بساط عقد و عروسی روبراه شد و کریم و جلال شدند « باجناب » یکدیگر ... جلال ، که گرفتار کار و درشش بود ، فردای عروسی فلنگ را بست و دست نوعروس ورزشکارش را گرفت و به سوی زننگه دنیا پرواز کرد . در فرودگاه دوستان ورزشکار و اقوام عروس ازدادگله داشتند که چرا با این عجله از جمعشان می‌رود ، بدون سورعروسی وبدون پاکشانی‌ها و دیگر مراسم سنتی بعد از عروسی ...

جلال - که آدم بسیار شوخی است - رو به زندی کرد و گفت : « همدانش تقصیر اینه وبعد باخنده گفت : « زندی جان رکوردهایم را از تو دارم ، خیلی ممنون . مدالهایم را هم از تو دارم باز خیلی متشکر . زمن را هم از تو دارم از این بابت هم خیلی ممنون ولی لطفاً اجازه بده بچه‌هایم را از خودم داشته باشم !! »

شبی را که خورشید از آسمانهای دور به ورزشگاه فرح آمده بود یادتان هست ؟ شانزده - هفده سال پیش ، شب آخر مسابقات جهانی کشتی ، طلوع پیش از موعده خورشید را در آسمان تهران شاهد بودید ؟ آن شب را که قهرمانان نامدار روس و ترک ، زیر پنجه‌های پهلوانان ما از اورنگ قهرمانی بزرگ کشیده شدند ؟

آن شب ، در آن زبانی وشکوفانی طلوع پیش رس خورشید ، و در آن هنگامه ورزشگاه منتهب و خروشان ، نگاه یک دختر

قهرمان و یک قهرمان پسر به راه مشترکی دوخته می‌شد .

پسر ، صاحب رکورد دیسک و وزنه بود و دختر ، در نیمه راه قهرمانی در تیمهای والیبالی رضا شاه کبیر و تیم تهران توپ میزد . پسر ، مأمور حفظ انتظامات اطراف تشک بود و دختر ، یکی از سه دختر کانی بود که در لباس محلی سیتی مدالها را جلوی سکوی قهرمانی می‌آوردند و چنین شد که عشق دو ورزشکار بهم پیوند زده شد و مدتها بعد بود که روزنامه‌ها خبر از عروسی یک دختر و پسر ورزشکار دادند : کریم زندی و مهرانگیز شفیق ...

در ۴۱ سالگی هم...

کریم ۴۱ سال دارد ، ولی مهرانگیز را چه عرض کنیم کریم بچه دروازه شمیران است و از وقتی در دبستان رژیته درس میخواند قهرمان دوهای ۵۰ متر و ۸۰ متر خردسالان بود . بعد به مدرسه علمیه رفت و در والیبالی ، بسکتبال و مشت زنی اقبالش را بکار گرفت و سرانجام به تشویق و اصرار مرحوم مرتضی بنائی به دو میدانی روی آورد و در آنجا ماندگار شد تا حالا که ۴۱ سال دارد و از تیره روزی مادر ورزشها ، دوباره دامن هست به کمر بست تا شاید در رقابت با همتهای آسیائی خود امتیازی برای تیم ایران کسب کند .

کریم زندی از سال ۲۰۰۳ تا حالا در متن ورزشهای میدانی است . سالها رکورد - دار پرتاب دیسک ایران بود . در سال

۱۳۳۶ ، جلال که تازه از فوتبال راهش را به دو میدانی کج کرده بود ، رکورد زندی را ۷ سانتیمتر ترقی داد (۴۳/۶۰ متر) ولی این رکورد داری چندان نپایید و ۴ ساعت بعد ، زندی دوباره رکوردگیری کرد و این بار دیسک را به فاصله ۴۵/۲۰ انداخت . (بهترین رکورد ایران در دیسک - که متعلق به جلال کشمیری است - ۴۱/۴ متر است که دو سال پیش در مسابقات دانشگاهی نوادا (آمریکا) به دست آمد .)

در پرتاب وزنه نیز زندی در سال ۳۰ با رکورد ۳۰/۳۷ متر اول شد . در وزنه نیز سالها بعد ، اول ستاری و بعد نوح‌زاد ، رکورد دار ایران بودند و حالا هم این رکورد به جلال کشمیری تعلق دارد که در همان مسابقات نوادا بدست آورد (۸/۵۷ متر) .

قهرمانی که آدم کشت

۱۰ سال پیش ، در مسابقات قهرمانی ایران ، زندی در پرتاب دیسک اول شد و در پرتاب نیزه دوم . آن سال یک جوان گیلک بنام قتیبه قهرمان پرتاب نیزه شده بود . جانب این بود که جوان رشتی دیرتر از موعده مقرر سر مسابقه آمد و زندی با آنکه میدانست حریف زورش به او می‌چرید ، با شرکت او در مسابقه موافقت کرد و بالاخره خود با ۴ متر به مدال نقره قانع شد .

از قتیبه بپشنوید که بعدا - اینطور که شنیدم - در جریان یک مشاجره با یک کاتبکار رشتی او را با سر نیزه کشت و بعد از اینکه تسلیم پنجه‌های عدالت شد بهمان سنگینی کبفر دید . (راستش من از کم و کیف این ماجرا چیزی نمی‌دانم و اگر ورزشدوستان و قهرمانان و خوانندگان عزیز گیلانی از چگونگی امر باخبر هستند لطفاً با حفظ امانت و بینظرفی جریان را برای نویسنده بفرستند تا در فرصت مناسب از آن استفاده شود .)

از زندی می‌پرسم چطور شد

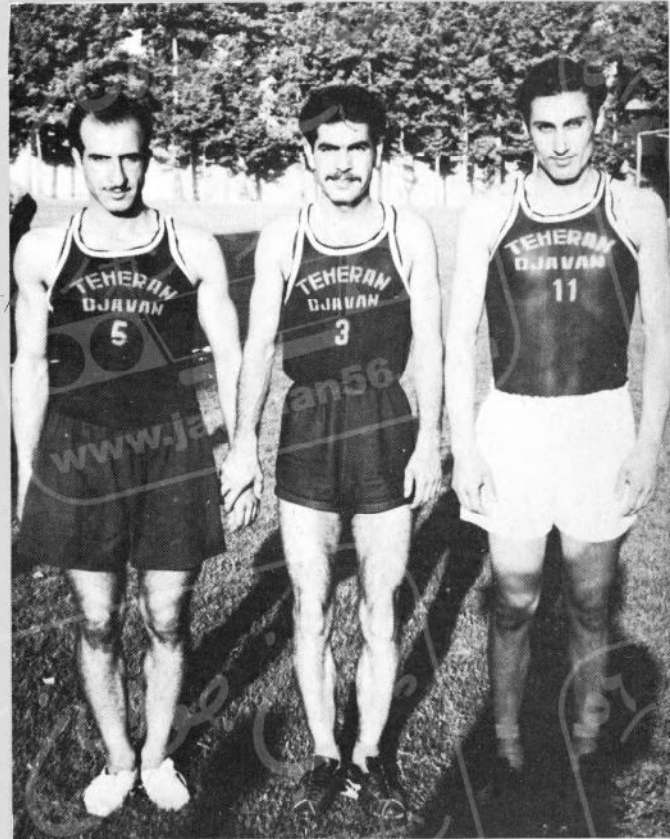
بفکر پرتاب چکش افتادی ؟

می‌گوید : « ده سال پیش ، در زمان ریاست فدراسیون آقای احمد ایزدپناه با قهرمانان دو میدانی ترکیه مسابقاتی داشتیم و چون در چکش شرکت نکرده بودیم ، هشت امتیاز به ترکها دادیم از آن پس فکر پرتاب چکش در ایران قوت گرفت و من بدون مربی و با استفاده از عکسهای مجلات ، برای اولین بار چکش را ۳۱/۵۵ متر پرتاب کردم و بهترین پرتاب من ۴۱/۴ متر بود ولی حسین برقی چهار سال پیش ، در شوروی با پرتاب ۴۳/۷ متر رکورد دار ایران شد .

زندی ، آقای خانواده‌ای سالم ،

آذر ۱۳۳۷ - امجدیه کریم زندی برای نخستین بار « چکش » پرتاب می‌کند زندی در ۴ سالگی نیز در پرتاب چکش در سرز قهرمانی بود . این از قدرتمندی فوق‌العاده اوست با تیره‌روزی مادر ورزشها که هنوز هم به دامن فرزندان قهرمان و کهنسال خود چنگ می‌زند ؟





۳ سال پیش در امجدیه سه یار قهرمان باشگاه تهران جوان از راست: قهرمان باشگاه تهران جوان از راست: کریم زندی، حسن اشتری (عضو سابق تیم ملی بسکتبال) و لیاقتی فوتبالیست قدیمی تیم دارانی.

مهرداد، پسر هشتساله زندی به تقلید پدر، دیسک می اندازد تا نشانی از پدر بدست دهد.



سعادتمند و ورزشکار است. همسرش - مهرانگیز شفیق - بعد از اینکه با قهرمان پرتاب های ایران عروسی کرد، به تشویق و راهنمایی او از والیبال و بسکتبال به دو و میدانی روی آورد و طولی نکشید که در مسابقات انتخابی تهران اول شد.

مهرانگیز، که تحت تعلیمات همسرش به تمرینات سختی ادامه می داد تا سرز قهرمانی پیش رفت و زندی برای آماده کردن بیشتر او، از دیسک هائیکه توپش با سرب پر شده بود استفاده می کرد ولی همسر قهرمان، پیش از آنکه مدال قهرمانی پرتاب دیسک را به سنه بیاویزد، دردی سخت در کمرگاهش احساس کرد و به دستور طبیب از ورزشهای سخت منع شد.

نمره ازدواج این زوج ورزشکار، یک دختر و دو پسر است که همگی با ورزش رشد کرده اند. مریم ۱۲ ساله در سالگی قهرمان مسابقه شای ۵ متر قورباغه خردسالان شد که از الاحضرت ولائتمهد جوایزی دریافت کرد.

مهرداد (۱۰ ساله) که در هشت سالگی در دو، ۵ متر خردسالان اول شد و بهران دو سال و نیمه هم توی آب دست و پایی زند.

ترجمه فریدون شیبانی

مصاحبه‌ی

دوستانه با

یوهان کروئیف

این دو تصویر از یوهان کروئیف است. سمت چپ یوهان در لباس تیم ملی هلند با مهارت از درگیری با حریف گریخته است. او میگوید: «فوتبال آنطور که بعضی مردم معتقدند کثیف نیست» به خطوط پیراهن کروئیف نگاه کنید که بجای سه خط فقط دو خط دارد و بخاطر همین بک خط کمتر، بول سرشاری گرفته است.

کروئیف به چهار زبان آشنائی کامل دارد

ماه گذشته یوهان کروئیف ستاره تانباک تاریخ فوتبال، برای سومین بار «بازیکن سال فوتبال اروپا» شد و با افتخاری بس بی همتا دست یافت زیرا فوتبال اروپا هرگز چنین توفیقی را برای بزرگانیش بیاد ندارد. حتی دی استفانو، پوشکاش، استانلی مانتوس و بابی چارلتون که نامی جاودانه در فوتبال دارند، فقط بک با دوبار «بازیکن سال فوتبال اروپا» شده‌اند.

در زیر ترجمه‌ی میخوانید که با زبان مصاحبه‌ی مجله «شوت» چاپ انگلستان با یوهان کروئیف است و نحوه‌ی سؤال و جواب بیشتر بر این محور میچرخد که کروئیف چرا به تیم بارسلون اسپانیا پیوسته است؟

میدانید که کروئیف بازیکن تیم آژاکس و یکی از ارکان اصلی شهرت این تیم هلندی بود و شاید برای شما که یکی از علاقه‌مندان کروئیف باشید مصاحبه‌ی زیر جالب باشد.

* یوهان، پیش از یکسال است که تو بازیکن تیم بارسلون شده‌ی. وقتی آژاکس بزرگ را ترک کردی فوتبال دوستان انگلیسی بسیار تعجب کردند. میتوانی دقیقاً علت این نقل و انتقال را بگویی؟

— از هنگامیکه بازیکن حرفه‌ی شدم، دلم میخواست چندسالی در کشوری جز هلند بازی کنم. اسپانیا مانند انگلستان در فوتبال صاحب تاریخ پرشکوهی است. بیاد دارم که چند بار شاهد پیروزی‌های رئال مادرید در جام قهرمانی فوتبال اروپا بوده‌ام. بنابراین وقتی بحث به‌سراغ من آمد تا به بارسلون بروم، آن را از دست ندم.

* احساس نمیکنی که به آژاکس بی‌وفای بوده‌ی؟

— هنگامیکه در آژاکس بازی میکردم با اشتکالاتی روبرو بودم.

* سلاجیه اشتکالاتی؟

— آه وقتی شما برای دوازده یا سیزده سال با مدعی‌ی آدم مشخص آنطور نزدیک کار کنید، بعضی اصطکاک‌ها و برخورد‌ها بوجود می‌آید. این چیز است اجتناب‌ناپذیر. در آژاکس ما تقریباً هر روز یکدیگر را میدیدیم و روابط ما تیره‌شده بود.

* با این توضیح خیلی جالب است که توهوز با بسیاری از همبازیهای سابقت برای تیم ملی هلند بازی سی کنی!

— نه واقعاً اینطور نیست. وضع حالا بهتر شده است از آنچه که منظور تو است. دپدراهای ما در زمینه دیگری انجام میگیرند. ما بالغ شده‌ایم و حالا با یکدیگر بخوبی کنار می‌آیم.

* آیا رینوس میشل — که چند سالی در آژاکس رئیس تو بود و اکنون در بارسلون است — هیچ نفوذ و تأثیری در انتقال تو به آژاکس نداشت؟

— نه اصلاً. با این وجود خوشحالم که بار دیگر با او کار میکنم. هنگامیکه برای اولین بار به اسپانیا آمدم این برایم کمک بزرگی بود که در اطرافم کسی را نداشته باشم که هلندی حرف بزند.

* به چند زبان میتوانی صحبت کنی؟

— چهار زبان، هلندی که زبان خودم است و آلمانی، اسپانیائی و انگلیسی، فرانسه هم میتوانم بفهمم ولی نمیتوانم خوب حرف بزنم.

* ما به انگلیسی کار داریم.

یوهان، تو با پیوستن به بارسلون پول زیادی بهم زدی و به آدم پول دوستی شهرت شدی. آیا اینطور است؟

— در واقع فقط روزنامه‌نگاران هستند که درباره‌ی پول من صحبت می‌کنند. بنظر می‌رسد بعضی از آنان راجع به این موضوع از خود من هم بهتر میدانند! من یکی و دو نفر دارم که به این گونه سائل پرسند اما خودم ترجیح میدهم فکر و کارم را به فوتبال شتر کنم.

* کور کورستر که پدر زن تو است، وکالت مسایل مالی تو را بعهده دارد؟

— بله، او «دوست خوبم» دنیس — رواش «عهد دار کار تجارتی ام در بریتانیا هستند. البته خودم هم راجع به پول و تجارت چیزهایی میدانم ولی آنها را به دیگران واگذار کرده و وقتی را به فوتبال داده‌ام.

* آیا حالا که بازیکن بارسلون هستی فشار فوتبال را در این تیم بیشتر احساس نمیکنی؟

— نه اصلاً. بعضی مسابقات بهتر از مسابقات دیگر هستند ولی نمیتوانم بگویم

که احساس فشار بیشتری میکنم. من تیفته بازی در بارسلون هستم. حتی در یک دوره مسابقات طولانی بمانند اسپانیا در ورزشگاه ما هفتاد هزار نفر مشتاق فوتبال تماشاگران ما هستند. در آژاکس اگر سیست هزارتن می‌آیند بختمان بلند بود:

* مطمئناً همین امر فشار بیشتری بتو

می‌آورد، اینطور نیست؟

— اگر اینطور باشد متوجه نشده‌ام. از فوتبال در بارسلون لذت میبرم و بسیار

می‌آورد، اینطور نیست؟

— اگر اینطور باشد متوجه نشده‌ام. از فوتبال در بارسلون لذت میبرم و بسیار

می‌آورد، اینطور نیست؟

— اگر اینطور باشد متوجه نشده‌ام. از فوتبال در بارسلون لذت میبرم و بسیار

می‌آورد، اینطور نیست؟

— اگر اینطور باشد متوجه نشده‌ام. از فوتبال در بارسلون لذت میبرم و بسیار

می‌آورد، اینطور نیست؟

— اگر اینطور باشد متوجه نشده‌ام. از فوتبال در بارسلون لذت میبرم و بسیار

می‌آورد، اینطور نیست؟

— اگر اینطور باشد متوجه نشده‌ام. از فوتبال در بارسلون لذت میبرم و بسیار

می‌آورد، اینطور نیست؟

— اگر اینطور باشد متوجه نشده‌ام. از فوتبال در بارسلون لذت میبرم و بسیار

می‌آورد، اینطور نیست؟

— اگر اینطور باشد متوجه نشده‌ام. از فوتبال در بارسلون لذت میبرم و بسیار

می‌آورد، اینطور نیست؟

— اگر اینطور باشد متوجه نشده‌ام. از فوتبال در بارسلون لذت میبرم و بسیار

می‌آورد، اینطور نیست؟

— اگر اینطور باشد متوجه نشده‌ام. از فوتبال در بارسلون لذت میبرم و بسیار



تیرگی روابط یوهان باآ ژاکسی ها اورا به بارسلون برد

یوهان نیکسنس (چپ) هم بازی کروئیف در بارسلون و تیم ملی هلند نبردی سخت با ژان ماسنیک بازیکن تیم ملی اروگوئه دارد. کروئیف میگوید که نیکسنس همیشه با توپ بازی می کند نه با بازیکن. در این تصویر مسلم بنظر میرسید که پیروزی با نیکسنس باشد. اینجا هم به پیراهن نیکسنس نگاه کنید که بعکس پیراهن کروئیف و مانند پیراهن دیگر بازیکنان هلند سه خط دارد.

در تیم ملی هلند فقط پیراهن کروئیف دو خط دارد



کروئیف در مصاف با یک بازیکن رئال مادرید. کروئیف میگوید: سن عاشق بازی در بارسلون هستم»



رینوس میشل، مردی که کروئیف بزرگ و اعجاب انگیز را به بارسلون آورد.

برفن فوتبال است و اکثر بازیکنان در اسپانیا «سهارت» را در هنگام درگیری با حریفان، به «روشهای کثیف خشونت» ترجیح میدهند. البته مواقعی هم پیش آمده که من مجبور شده ام برای گریز از پای برتاب شده بسویم، اما منبع بزم، اما چنین مواردی نادر و تک توتوک بوده است.

* اما همبازی جدید تو یوهان — نیکسنس بخاطر تعصب و خشن بودن مورد انتقاد قرار گرفته است. — انتقاد بیموردی بوده است، نیکسنس همیشه با توپ بازی می کند نه با ساق بازیکن حریف.

* از سابقه بی که ما از بارسلون در برابر فاینورد هلند در قهرمانی باشگاهها جندی پیش دیدیم، نیکسنس و همبازی ملی پوشش فان هانه کم — که در فاینورد بازی میکرد — بقول معروف بسوی هم لگد برتاب می کردند.

— نه، آنان خارج از زمین فوتبال دوستان خوبی هستند، آنان ممکن است در تیم ملی هلند همبازی باشند، اما هر یک از ما اگر در سطح باشگاهی برابر یکدیگر قرار بگیریم حریف یکدیگریم.

* بنابراین در مجموع خوشحالی

لطفاً ورق بزنید

راحت هستیم. با خانواده ام در آپارتمانی اقامت داریم که از ورزشگاه چندان دور نیست و برای اسب سواری هم در کوهستان جای مناسبی داریم. در همین مجله شما چندی قبل عکس این مکان ییلاقی چاپ شده.

* بنابراین از وضع خودت راضی هستی. آیا اکنون از هنگامیکه در آژاکس بودی بازیکن بهتری شده ای؟

— بله، زیرا سن و تجربه ام بیشتر شده است. تجربه چیز است که یک بازیکن فقط به مرور زمان میتواند بدست آورد و من از بازی در اسپانیا سودهای بسیار برده ام. * در سن ۲۷ سالگی فکری بکی در اوج قدرت خود باشی؟

— امیدوارم اینطور نباشد. میخواهم در چند سال آینده از این هم بهتر شوم. اگر نشد زیاد هم ناراحت نمیشوم. زیرا از راهی کسسه طی دوران فوتبالم پیورده ام بسیار خوشحالم.

* آیا خودت را آدم گسل زنی می بینی؟ آیا هیچ مدافعی برای اینکه اسمی برای خودش بهیچ بزند، در برابر متوسل به روشهای مستحکم به خشونت شده است؟

— من گل زن هستم ولی فوتبال در اسپانیا کثیف نیست. در هلند با در سطح بین المللی نیز چنین نیست. اما در اسپانیا بیشتر تآکید



امیال سرکش جوانی

بر اساس قانون غرایز ، دگرگونی های جسمی و روانی جوانان در دوران نوبلوی در تمامی جهان یکسان یا یک نواخت جریان می یابد و زودرسی یا دیررسی دوران نوبلوی که تحت شرایط اقلیمی رخ میدهد، در این قانون بی تاثیر است زیرا مسئله بر سر آن نیست که کی آغاز میشود و کی پایان می یابد ؟ بلکه مسئله اینست که چگونه جریان میگیرد و این جریانی است که بهرحال در هر جا یکنواخت می باشد .

این درست است که جسم و روان آدمی در تمام دوران زندگی در تغییر و تحول است و هیچ لحظه ای نیست که جسم و روح آدمی ، درست از هر لحاظ مانند لحظه پیش یا بعد آن باشد و در این سیر تدریجی دگرگونی ، زمان دوران نوبلوی ، سرفصل مشخصی است که با تمام لحظات دیگر تفاوت نمیکند و آنرا میتوان بزرگترین دوران تحول جسم و روان آدمی در طول حیات دانست .

توجه به این دوران مخصوص و منحصر و شناخت دقیق آن و آگاهی به رودرونی با آن ، چنان مسئله ای حیاتی است که میتواند اساس تمامی زندگی بعدی را دگرگون کند .

شاید بسیاری با مطالعه این نوشته پندارند که مقصودم رودرونی با مسائل خاص جنسی در دوران نوبلوی است . چه بزرگترین نمایش خارجی آغاز دوران نوبلوی بروز غلامت و آثار جنسیت در هر دو جنس است و ماده است . با وجود آنکه نقطه نظری خاص در این رهگذر وجود دارد ، مقصودم از کشودن این بحث نخست یادآوری دگرگونی عمومی و حالت تاثیر پذیری جسم و روان بوده و آنگاه بدون آنکه فارغ از عوالم جنسیت بوده باشیم ، به این نکته توجه دقیق میکنم که تمام اندازه ها و برآوردها و شناختهایی که از هر چه ای در پیش از دوران نوبلوی بدست رسیده ، باید بهنگام آغاز و جریان دوران نوبلوی با شک و تردید تلقی شود و دانسته گردد که عوامل مؤثر گذشته در این جوان-متحول دیگر همان تأثیرات گذشته را نمی کند ؟

واکنش ها همه تغییر کرده است ، انگیزه ها همه دگرگونه شده و پندارها همه زبرور شده است . طفلی که دیروز هر دستوری را با دیده اطاعت مینگریست ، امروز ناگهان در برابر هر دستوری و حتی نصیحتی واکنش مخالف نشان میدهد و طفلی که تا دیروز بهمجهیز با نظر اعتقاد مینگریست و می پنداشت که عوامل واقعا همین نوع باستی باشند ، امروز میگوید چرا این ها چنین اند و این «چرا» دیگر آن حالت استغفاهی و جستجوگرانه کودکی را در طلب آگاهی ندارد بلکه نوعی ناآوری همراه با انکار ، اعتراض و پرخاش است که در تمامی وجود جوان خیمه زده

است . دیگر پاسخهای معمولی او را رضی نمیکند و حتی پاسخ درست هم برای او در صورتی قابل قبول است که بالحنی مناسب و ملایم ادا شود .

با اشاراتی کوتاه و شاید غیر کافی به این بحث میرسیم که این چنین عصری در معرض تعلیم و تربیت قرار میگیرد و در میدان فوتبال رو در روی مسائل سیاستد .

حال میخواهیم بدانیم چه روحیاتی از لحاظ رهبری در این سوی کیتی بر این چنین عصری ناشناخته با کم شناخته شده حکومت میکند ؟

شک نیست که هم در جهان شرق و اروپا و هم در جهان غربی ها توجه خاص از لحاظ اصول به مسائل جوانان بویژه در دوران بلوغ میشود . ولی تفاوتی که در این رهگذر مطرح است این می باشد که در نزد شرقی ها همه چیز دچار نوعی یکنواختی می باشد و در نزد غربی ها هر مورد برای خود یک مسئله قابل بررسی شناخته میشود .

سوئد پیش رفته ترین کشور غربی ، از این لحاظ در مجموع به نوعی یکنواختی مخصوص رسیده و معتقد شده که رهائی و آزادی و اجازة فوران آزاد نیروهای مختلفی که برانگیزنده جوان است بهترین روش رو در رویی با این نوع مسایل است . سودها و زیانهای متصور و ارقام و اعداد و آماری که در این زمینه بدست رسیده خارج از این بحث است زیرا ما بدنیال نتیجه آن نمیگردیم بلکه میخواهیم هر دو شیوه را عریان سازیم و روال کار را برای نتیجه گیری ذهنی نشان دهیم . نمونه ای از این طرز تفکر را در سطح بالاترستی در یوگسلاوی سراغ داریم . چه درگیردار جام جهانی اخیر بخاطر اشکالی که در اردوی آلمان غربی روی داد و طی آن بازیکنان رو در روی رهبران ایستادند ، مسئله امور جنسی و ورزش چند روزی مطرح گشت .

یکی دو روز پیش از آن ، این مسئله را بازیکنی از آمریکای جنوبی با عمل خشونت آمیز خود مطرح ساخته بود . خبرنگاران در جستجوی سطحی مسئله با تنی چند از رهبران تیمها سخن گفتند . اینان نمیخواستند مسئله امور جنسی و ورزش را مطرح ساخته از رهگذر تجربیات دیگران بدیدگاهی علمی برسند . بلکه فقط میخواهند خبرهایی کسب و مخایره نمایند ولی پاسخ تنی چند از رهبران ناپیشگر طرز تصویر همگانی نسبت به این مسئله در کشورهای متفاوت بود . هلندیها گفتند که بازیکنان ما بخاطر ارضای بهنگام ، با چنین مسئله ای و روبرو نمی باشند . برشش از سوئدیها تحصیل حاصل بود . اما آگاهی بر پاسخ یوگسلاوها و لهستانیها جانب توجه گشت .

میلیانچ گفته بود : « بازیکنان ، بدرجه ای از شعور اجتماعی رسیده اند که در این مسئله محتاج مهار یا رهبری نمیباشند » و گورسکی از لهستان گفته بود : « بازیکنان باید بتوانند در این دو راه کسوتاه اساک کنند و برنامه های کارازدونی اسکان و تسهیلات لازم را برای تأمین این اساک فراهم میسازد .

این دو دیدگاه کاملاً متفاوت است . میلیانچ که بیان کننده طرز تصور و روش یوگسلاوها بود از این مهم پرده برداشت که درستی نوبلوی ، نوعی مهار بعنوان رهبری حالات روحی وجود دارد و چون دوران بلوغ سپری شده ، این یک مسئله غادی و در حد و اندازه رسیدگی خود فرد میشود . اما گورسکی بیان کننده طرز تصور و روش لهستانیها میگوید که مهار احساس و تغییر سیر آن ممکن و مسلم است . یعنی برابر روش شورویها میتوان با برنامه های فشرده ، نیروی جسمی را از مسیر امور جنسی دور کرده در مسیر امور ورزشی هدایت کرد و موجب اختلافی نگشت . ولی آیا انسان فقط جسم دارد ؟

نوبت و جوانان

در تمامی کشورهای اروپای شرقی هر باشگاهی که در یکی از دسته های کشوری منطقه ای ، استانی و شهری قرار میگیرد ، مجبور است یک تیم جوان نیز داشته و در مسابقات مشابه بزرگسالان شرکت دهد . ارقام ستی از مرز ، به ، مسالکی ممکن بوده و تشکیلات امید فقط بصورت تیمهای منتخب دیده میشود .

جوانی که آزمایش شد و استعداد و ارزش فنی خود را آشکار کرد ، وارد تیم جوان منطقه خویش میشود . نقل و انتقال جوانان بستگی به نتایج آزمایش و ارزش فنی دارد نه نوع سلیقه و میل بازیکن . جوان از کار اصلی اش باز نمی ماند . تحصیل میکند یا کاری انجام میدهد . وسایل تحصیل و کار او در محیط جدید نیز فراهم است . بای بندیهای نظیر علائق خانوادگی ، دلبستگی به محیط و به باشگاه در این رهگذر مطرح نیست . در محیط فوتبال احساسات فردی و میل شخصی حتی در انتخاب نقش مطرح نمی باشد . بلکه این مربی جا مسؤول است که رأی میدهد .

در سطح آموزش ، مسئله وقت و کار و درجه ترقی و حرکت قدم مقدم مطرح است و مکانی برای بی مهارتی و بی خیالی خاص دوران جوانی باقی نمی ماند .

کلاس بهمه راه می آید است و فوتبال علمی و نظری با عملی هم آهنگ است . چون جوانین . تا ، سالگر رسید ، بهنیم بزرگ میرود . حال این تیم ممکن است تیمی در دسته یکم سراسری یا تیمی در دسته های منطقه ای باشد و در صورتیکه ارزشهای فنی

بازیکن مورد قبول و برابر الگو نباشد ، از فوتبال رسمی (یعنی بازی در تیمهای سازمانی در دسته های مشخص شده) باز می ماند و به فوتبال تفریحی در کارخانه ها اداره و غیره می پردازد .

از لحاظ فن آموزش کار بر پایه معمول و متعارف است . یعنی جوان باید مهارت کردن اصولی را فراگیرد . دیدن ، نفس کشیدن ، راه رفتن ، توپ بردن ، توپ زدن و غیره را — که حرکات ساده فردی هستند — دقیق و با تمرین بیاموزد و سپس روانه کارهای گروهی و آنگاه تیمی شود . یعنی بعد از کلاس اول به کلاس دوم برود و بعد از فراگرفتن جمع سیراغ تفریق رود . و بدین شکل است که فنون یا مهارت های فنی بی مهارت نایاب است و بازیکنان غیر قابل مهار با حرکاتی حساب نشده و غیر قابل پیش بینی کمیابند که پدله ، یک کروئف ، یک پوشکاش ، یک چارنوتون و یک دی — استنانو در آن سامان دیده نمیشود . ولی همیشه یک مجموعه هم آهنگ و قابل شناسایی وجود دارد . یعنی مجال درست و کاسلی برای تجلی ویژگیهای روحی بصورت بی مهار وجود ندارد .

روزی در یکی از پارکهای پاریس که در « بوادویولون » واقع بود ، شاهد بازی بچه ها بودم . سردی با توری پر از توپ و چهار دیرک وارد زمین شد و دیرکها را بعنوان دروازه نصب نمود و حدودی برای زمین تعیین شده بود آنگاه توپها را در اختیار بچه ها نهاد و بچه ها با میل و رغبت بسوی توپها دویدند و به بازی با آنها پرداختند . او فقط گفته بود برای آنکه بازیکن گرم شود و از لحاظ فکری آماده بازی شود ، خوب است توپ را نخست با سر بزند آنگاه با روی زانوها و سپس پاها و چون عرق کرد شوت و در بیل کند . اگر کسی بخواهد بازیکن فوتبال شود باید بدنی آماده داشته باشد و آمادگی بدن در اثر نرمش پدیدار میشود پس هر طفلی که بخواهد بازیکن شود باید بامدادان با شامگاهان نرمش کند .

چون بچه ها خیس عرق شدند ، آنگاه مربی پیراهن ها را تقسیم کرد و گفت تیمی خواهد برد که بیشتر فعالیت کند و افرادی بیشتر یکدیگر کمک کنند . آنگاه سوت را بدست گرفت و در کناری ایستاد و خطاها را سوت زد . بدون آنکه دلیلش را بگوید ولی اگر کسی دلیل میخواست یادداشت میکرد و در پایان تیمه گفت : « من میخواهم دلیل سوتهای خود را بدرخواست باهاری از بازیکنان بگویم . هر کس مایل است بعد از لباس پوشیدن می تواند به ایستاد و گوش دهد »

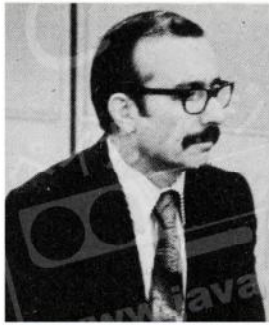
در پایان کار به مربی نزدیک شدم و از او سؤال نمودم : « پس چگونه شما فوتبال را به بچه ها یاد میدید ؟ گفت به بچه های

تیم بر گزیده آسیا قهرمان آفریقار مغلوب کرد



تیم ملی فوتبال ایران، قهرمان بازیهای آسیایی تهران ملی دیداری حالب و هیجان انگیز موفق شد تیم جمهوری عربی مصر قهرمان آفریقا را با نتیجه هشت بر پنج مغلوب سازد. بازیکنان تیم ملی ایران از چپ به راست عبارتند از: نورالدین طالبی، سرپرست تیم، حسین نوکلی، مرمی و گلرین تیم، فیروز محمدی، دارنوش سوحدی، بهرام نوکلی، حیدر شجاعی، رضا کامرانی و حسین نسیم. در ففتمین دقیقه عبدالرحیم محمدنور، احمد باقویی، مرتضی سررشت و احمد نجاتی

دگرگونی در مقررات کشتی و تغییر و تحولی که اخیراً در نحوه قضاوت این ورزش بهمن دلیل کیهان ورزشی در این راه پیشگام شد و بمنظور تجزیه و تحلیل دقیق دو شماره پیش نظریات و عقاید چند تن از کارشناسان و دست‌اندرکاران کشتی ایران را پیرامون مقررات جدید خواندند. اینک پای صحبت رحمت غفوریان می‌نشینم و ضمن آن به دنیای گفته‌های آقای بهمنش نیز گوش می‌دهیم.



رحمت‌الله غفوریان :

کشتی به مبارزه گلا دیاتورها تبدیل شده است

● اگر در مقررات جدید کشتی، کشته می‌شوی!
● ما در کشتی آزاد ضرر نمی‌کنیم، اما باید بفکر کشتی فرنگی باشیم

رحمت غفوریان از جبهه‌های آشنای کشتی ایران است. هر کس که با کشتی سرو کار دارد بانام غفوریان و خصوصیات اخلاقی او کم و بیش آشنایی دارد. غفوریان عاشق کشتی است و زندگی خود را وقف این ورزش کرده است. او یک مربی متعصب و یک داور ورزیده و بصیر است که در هر مجلسی با محلی حضور داشته باشد سخن را به کشتی می‌کشد. غفوریان در بحث و گفت‌وگو یک تاز میدان است و هر اندازه در مورد کشتی حرف بزند خسته نمی‌شود. در کار سرب‌گری خیلی جدی و سختگیر است. حال بسراغ غفوریان می‌رویم تا با او در مورد مقررات جدید و اثر آن روی کشتی ایران به گفت‌وگو بنشینیم.

هماهنگی در کشتی فرنگی

نفوذ بلوک شرق بخصوص شوروی در فدراسیون کشتی، این رشته ورزش را از مسیر خود خارج ساخته است. هر چند در برخی موارد تغییراتی که در مقررات کشتی داده شده بطور کلی نفع این ورزش می‌باشد. اما رویه فرنگی فدراسیون بین‌المللی کشتی بخاطر جبران غفلت کشتگان دارد شتابزده‌گی نشان می‌دهد و همین امر گاهی در تدوین مقررات مشکلاتی بوجود می‌آورد. غفوریان سخنان خود را چنین آغاز کرد و افزود که رویه فرنگی مقررات جدید بضرر کشتی آزاد ایران نیست، اما در کشتی فرنگی ما به ایجاد هماهنگی بیشتری با مقررات جدید نیاز داریم. زیرا با اجرای مقررات جدید، آمار کشتی‌گیران فرنگی کار ما بسیار دشوار میشود. چون با اینکه هنوز مقررات جدید اجرا نشده است، کشتی‌گیران ما در رشته فرنگی در معرض خطر سه‌خطی شدن قرار دارند و ای پروزی که آهنگ کشتی‌ها سریع تر شود و داوران بخاطر ایفاء خود دست به قضا می‌زنند! در آن شرایط کشتی‌گیران فرنگی کار ما خیلی ضرر خواهند کرد. مگر آنکه در این رشته یک دگرگونی عمیق و اساسی صورت گیرد و کشتی‌گیران فرنگی کار ما تنها به مسئله هجوم یا حمله روی حرف فکر کنند.

مبارزه گلا دیاتورها

غفوریان اضافه کرد: «مقررات جدید

بر ضعف شوروی با برتری سایر سالک در اوزان بالا باشد. زیرا از سال ۱۹۶۹ (مسابقات جهانی مار دل پلانا) تا کنون شورویها عملاً ثابت کرده‌اند که از وزن ۸۲ کیلو به بالا حاکم مطلق هستند و همین امتیاز، برای قهرمانی با برتری آنان از نظر تیمی کافی است، چون بمدال طلا در مسابقات یک تیم اثر فوق‌العاده‌ای دارد. در حالیکه ایران و ژاپن - که دو ابر قدرت قاره آسیا هستند - تنها به اوزان پائین دل خوش کرده‌اند. و همواره در مسابقات جهانی با المپیک با هم مبارزه دارند که این مبارزه خود بسود شورویها است. یعنی مقام‌های قهرمانی وزن‌های پائین بین ایران و ژاپن قسمت می‌شود و ضمن آنکه گاهی کشورهای دیگر از جمله آمریکا با اروپا و دیگر سالک آسیایی نرگ می‌زنند و این خود موجب می‌شود تا راه برای قهرمانی شوروی هموار باشد.

در حالیکه شورویها در اوزان بالا با خیال راحت به پیروزی می‌رسند. و در مجموع نیز با برتری کامل مقام قهرمانی را بدست می‌آورند. بعد از شوروی‌ها، کشورهای اروپایی و گاهی آمریکا به مقام‌های دوم یا سوم اوزان بالا چشم دوخته‌اند که این به مسئله نسل برمی‌خورد. یعنی همان چیزی که کشورهای آسیایی بصورت یک مشکل پیش روی دارند. بخصوص پس از افزایش تعداد اوزان آن‌ها. و در آن، آسیایی‌ها ضرر زیادی را تحمل کردند.

تک ستاره

البته ما نسبت به ژاپنی‌ها و اصولاً نژاد زرد آسیا از نظر مقاومت برتری داریم و در سال‌های اخیر نگاه تک ستاره‌هایی چون اسکندر فیلابی و رضا سوختمنرایی را با یکشمنی جهان عرضه کرده‌ایم ولی اینان در اثر نداشتن حرف تمربنی کم‌دوام بوده‌اند و یا با مشکل مواجه شده‌اند. چون اولاً وقتی فیلابی یا سوختمنرایی بدون رقیب و انجام مسابقاتی برای عضویت در تیم ملی انتخاب می‌شوند، کمتر از سایر کشتی‌گیرها زحمت آماده‌ساختن بخود راه می‌دهند و بخاطر همین بی‌خیالی تمربنی جدی نمی‌کنند و به کیفیت مطلوب نیز دست

مسابقه کشتی را بصورت مبارزه گلا دیاتورها در آورده است و کشتی‌گیران باید به این مسئله خوب توجه کنند که اگر رقیب را از میدان بیرون نکنند، خود از صحنه خارج خواهند شد. یعنی اگر در صحنه پسرکار حرف را نکنند، خود کشته می‌شوند. من به‌شاکردانم گفته‌ام که باید از این پس در حین مبارزه خشن و قسبی القلب باشند و رحم و شفقت بدل راه ندهند. تنها می‌توانند بسوی حرفی بپوش برند و اورا از پای در آورند. اگر غیر از این باشد مغلوب داوران خواهند شد. چون محافظه کاری و احتیاط در مقررات جدید جایز نیست و کشتی‌گیری که امتیاز فراوانی برای پیروزی خود اندوخته است نباید یک لحظه آرام باشد، بلکه تا آخرین لحظه باید روحیه تهاجمی خود را حفظ کند.

علل تغییر و تحول

غفوریان در مورد این تغییرات گفت: «مانظوریکه ذکر شد کشورهای اروپایی شرقی در فدراسیون جهانی سخت نفوذ کرده‌اند و نظریات خود را به مقامات مسئول این فدراسیون تحمیل می‌کنند. وقتی که اوزان هشگانه کشتی به دوه‌وزن افزایش یافت ما اولین ضربه را از جانب بلوک شرق خوردیم. این تغییر و تحول بضرر کشتی ایران و ژاپن بود. در حالیکه شوروی کلی از این دگرگونی سود برد. بطوریکه می‌بینیم از آن سال به بعد شوروی‌ها از وزن ۸۲ تا ۱۰۰ کیلو بی‌الا یعنی در ۴ وزن حاکم مطلق هستند هر چند که در بازیهای المپیک ۱۹۷۲ مونیخ یک آمریکایی بنام پیترسون در وزن ۹۰ کیلو بحریم شورویها تجاوز کرد یا سال قبل آن یعنی در مسابقات جهانی ۱۹۷۱ صوفیه، روسی پتروف از بلاروسیان مقام اول وزن ۹۰ کیلو را از چنگ شورویها بیرون آورد. ولی باید گفت که در آن سال «گنادی استراخف» قهرمان شوروی بعلت آسیب دیدگی زانو نتوانست به مسابقات ادامه دهد و در سیاه راه از مبارزه دست کشید.

در مسابقات جهانی سال ۱۹۷۴ نیز یک کشتی‌گیر اهل رومانی بنام لادیسلاو و مقام قهرمانی سنگین وزن را پس از ۲۲ سال از چنگ شوروی‌ها برد آورد. اما این سه مورد نمی‌تواند دلیل

نمی‌باشد. در حین تمربنی هم حرفی تمربنی ندارند و این خود به آمادگی آنان لطمه می‌زند.

اثر مقررات جدید

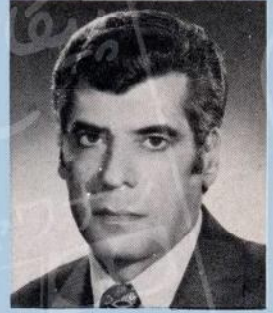
غفوریان ادامه میدهد: « در مورد اثر مقررات جدید روی کشتی ایران هم باید بگویم که مقررات جدید روی کشتی آزاد ایران اثر منفی ندارد. چون با توجه به برنامه‌های فدراسیون کشتی ایران ما خود را برای انطباق با مقررات جدید آماده می‌کنیم و خوشبختانه در کشتی آزاد ایران زمینه برای تطبیق با مقررات جدید کاملاً مهیا است. زیرا در گذشته اکثر کشتی‌گیران ما حمله‌کننده بودند و روحیه تهاجمی داشتند و این چیزی است که مقررات جدید در وهله نخست طالب آن است.

کشتی‌گیران قدیمی نظیر امامعلی حبیبی، محمدعلی صنعتکاران، نبی سروری، منصور مهدیزاده، عبدالله سوجد، محمد فرهنگ دوست، ابراهیم سیف‌پور، شمس - الدین سیدمیاسی، محمد رضا نوایی و... همه کشتی‌گیر تهاجمی بودند.

برای نمونه باید به دیدار صنعتکاران با دو حرف ناموش گورامبا کارا دزه و اسماعیل دوغان اشاره کنم که هر دو قهرمان جهان بودند. این دو در بازیهای المپیک ۱۹۶۴ توکیو با صنعتکاران مساوی شدند. در حالیکه اگر در آن زمان مقررات جدید اجرا می‌شد، باید این هر دو حرف صنعتکاران سه‌خطی شده بودند. چون برای مساوی کردن آمده بودند و طبیعی است که اگر کشتی‌گیری بدنیال نتیجه مساوی باشد، محتاط و محافظه کار خواهد بود و مقررات جدید محافظه کاران را محکوم می‌کند و مارک سه‌خطی برایشان می‌زند.»

فنون امتیاز آور

از نکات بالا چنین نتیجه می‌گیریم که در بین کشتی‌گیران ایران روحیه تهاجمی وجود دارد و می‌توان از آن بخوبی برای مقابله با مقررات جدید استفاده کرد. حال که چنین زمینه‌ای موجود



«لنگش کن» درد کشتی ما را درمان نمی کند

درد کشتی ما ، آماده نبودن و سرعت نداشتن برای ۹ دقیقه مبارزه است

را رها نمیکنند که قدرت روی پا ایستادن نداشته باشند. وقتی به تمرین میردازند با نشاط آغاز میکنند و با نشاط هم بکار خود پایان میدهند.

در تمرینهای ما (گردگری) خیلی زیاد است، تصفیه حساب صورت میگردد، کشتی گیر در مدت سال مرتب مربی خود را تغییر میدهد و سردرگم میشود. به حرف مربی اعتماد ندارد و خودش را بسازد.

کشتی گیران تیم ملی ایران باید با هم تمرین کنند، فضای تمرین بازر، تعداد محدودتر و مربیان صادقانه تر در کنار هم کار کنند. مربی تیم ملی باید یک نفر تعیین شود و او خودکله را برگزیند تا کار پیش برود. یک نفر تصمیم بگیرد، دستور دهد و برنامه بریزد و پیاده کند.

کشتی گیران ما از لحاظ فن در دنیا نظیر ندارند و ویژه کاریهای آنان فراوان است. ولی از لحاظ تمرین کردن و آماده شدن نقص دارند. مقررات جدید، وحشت از خطاهای بی دردی، سرعت دیگر کشتی گیران اروپای شرقی آفت بزرگی است. خوب بود که ما مقررات جدید را زودتر پیاده میکردیم، باید پایان سال نیشیم، کار خود را با وضع جدید تطبیق دهیم و بیهوده بگیریم.

در کشور ما رسم است هر که انتقاد کند او را دشمن می پندارند و هر که به ستایش برود از چهره اش درد ریخ دوستان است!

اما من واقعاً هیچ غرضی ندارم و علاقه مندم که پیش از مسابقات قهرمانی جهان در «نیک شوروی» در فاصله یکسال به بازیهای المپیک مونتreal، مانند کشتی فرنگی در لهستان سرکوب و متکوب نشوم. کشتی ایران آن زمینه و استعداد را دارد که به خوبی جلوه کند. با واقع بینی و دور از خودخواهی خودبینی باید کار کرد. بکوقت ما پول نداشتیم که سه کشتی گیر به سابقه های بین المللی «آلماتا» شوروی فرستیم. حالا فدراسیون کشتی بحمدالله قدرت آرا دارد که در همه مسابقات های بین المللی از فنرگی و آزاد شرکت کند و تیم فرستد و چه بهتر که چنین است، فدراسیون فعلی هم که پس از المپیک ۱۹۷۲ مونیخ روی کار آمده است فرصت کافی هم داشته است و خوشبختانه مطبوعات نیز همگی هم آهنگ و یازند. پس چه بهتر که همه با هم برای زنده نگاه داشتن کشتی کار کنیم و این امر مهم را یک وظیفه میهنی بدانیم. فکر میکنم فعلاً تا همین اندازه کافی باشد.

مشکرم که کیهان ورزشی این فرصت را به من داد. گفتم زیاد است و فرصت بسیار اندک...

و مقامی داشته باشند، در پاسخ می شنیدیم: آقا، اگر کشتی گیران را مثل قهرمانان دویاروریم، یک لائی میشوند!

اگر میگفتم، کشتی گیران از طناب بالا بروند و با وزنه برداری سبک کنند و با دسبل بدن خود را قوی نگاهدارند، میگفتند:

عضلات بدن کشتی گیر «سفت» میشود، کشتی گیران احتیاجی باینها ندارند و باید برای هر برنده که دیگر قهرمانان مارفته اند!

اگر کارشناسان امر تغذیه، تجویز میکردند که قدری برنج، سیب زمینی و سبزیجات در برنامه غذایی کشتی گیران در اردو گنجانیده شود، صدای اعتراض بالا میرفت که: خبر، بهتر از هر برنامه بی فایده کباب و بیفتک است. اگر کشتی گیر با غذای خود برنج و سیب زمینی بخورد در موقع مسابقه، دم میکند و میرد!

بهر حال یک موضوع را از یاد نبریم که غیرممکن است همه کشتی گیران تیم ملی را با یک شیوه و یک روش بار آورند. چون اصولاً بدنهای یکسان نیست، شکرده ها متفاوت است و ما نمیتوانیم برخلاف طبیعت کاری صورت دهیم.

در تاریخ کشتی ایران، حسن سعدیان، بهادری، شفاری، عباس زندی، سعادت، احمد طاهری و شعبانی لنگ کار بودند. ما حالا در فزون سرها نقص نداریم که دنبال لنگ کاری برویم، البته عیبی ندارد که به کشتی گیران لنگ بیاموزیم ولی این تنها چاره درد نیست. نقص ما اینست که از آغاز تا پایان کشتی یکسان نیستیم.

درد کشتی گیران ما آماده نبودن است، سرعت نداشتن است و دقیقه طاف مبارزه نداشتن. این درد را نمیتوان فقط با «لنگ کاری» چاره کرد.

آهنگ کشتی منصور بزرگ با آرامش آغاز میشود. با حوصله و کزو نگاه داشتن روی حرف کار میکنند. ما هرگز نمیتوانیم او را در قالب حسن سعدیان و امامعلی حبیبی بکنجاییم! در موسیقی هم چنین است و بیانیست طراز اول جهان، یک آهنگ را بروی یک پیاپیونکسان نمیتوان زد، نرزش، ذوق و خصوصیات آنان تفاوت دارد.

این غیرممکن است که کشتی گیران ما با نورشهای متداول و چور کردنها و زیرو روشن شدنها بتوانند آهنگ خود را عوض کنند و بسرعت خود بیافزایند.

کشتی گیران ژاپنی قسمت اعظم زمان تمرین را بروی تشک به مرور فرس میردازند، وزنه برداری میکنند و بدن خود را زنده نگاه میدارند. خسته سالن تمرین

کم اهمیت برگزار میکنند تا نحوه ای اجرای قوانین و مقررات جدید بی بیرند. البته من واقف نیستم که فدراسیون بین المللی تصمیمات خود را پیش از کنگره استانبول در سال ۱۹۷۴، فدراسیون کشتی ایران هم فرستاده است یا خیر؟ اگر فرستاده باشد، ایجاب میگردد است که ما با اجرای آن مخالفت میکردیم. اگر فرستاده است که چاره ای نیست! چون بیاد دارم که در مسابقات های جهانی در تولید و آمریکا (دوره اول) همین آقای بلور رئیس فدراسیون بود و در جلسه ای برای آنکه حقانیت کشتی آسیا را بر کرسی بنشانند در مقام اعتراض به «روژه کولن» فتید برآمد و بدو آن رسید که کشتی شناسان ایران خوب بیاد دارند!

بهر صورت سومیو باید قوانین جدید را اجرا کنیم، چون بتصویب رسیده است: فدراسیون کشتی ایران نیابتی مانند فدراسیون بین المللی رفتار کند و با ترجمه قوانین و تکثیر آن، از مربیان بخواهد که تیمها و کشتی گیران خود را آماده سازند، بدین ترتیب درست نمیشود، چون اجرا کننده دستور باید مؤمن به اصالت آن باشد، نه اینکه دستوری دنبال کاری برود.

حق این بود که فدراسیون کشتی ایران کنگره ای تشکیل دهد، بدون توجه باینکه چه کسی حرف و پیشنهاد دارد و موافق فدراسیون یا مخالف است، نحوه تمرین و مسابقه را بر پایه مقررات جدید در میان نهد. مربیان کهنسال، مربیان جوان دست اندر کاران و کارشناسان راهی را با توافق برگزینند که نجات دهنده کشتی ایران باشد.

من تمرین ژاپنی ها، آمریکاییها روسها و بلغارها و ترکها را دیده ام. تمرین کشتی گیران ما با آنها اصلاً شباهتی ندارد. آهن در خیابان شاهپور بهمانگونه تمرین میکردند که امروز در تالار کشتی اسجده قهرمانان طراز اول، تمرین میکنند!

در زمانیکه در فدراسیون کشتی بوم، در حدود چهار سال از ۱۹۶۷، دهلای تا ۱۹۷۱ صوفیه — که تیم ملی ایران در بلغارستان به مقام دوم جهانی رسید — هرگز کمیته فنی کشتی ایران نمیتوانست یک نظر واحد درباره تمرین و آمادگی قهرمانان ایران داشته باشد، این راه را حساب شده با مربیان باشگاهها، استاها و شهرستانها در میان نهد و همه در کلیات بر یک اصل دنیا پسند تمرین کنند، آماده شوند و مسابقه دهند.

اگر میگفتم، قهرمانان در پیست بدوند، دو میدانی کار کنند تا بدن زنده

هفته پیش در نظرخواهی که شده بود پس از مقدمه ای کوتاه و اشاراتی که رفت یادآور شدیم که در طول ۲۷ سال از المپیک لندن تا مونیخ در بین کشتی گیران ما کمتر اتفاق افتاد که دو کشتی گیر به یک شیوه با حرفان و روبرو شوند. گفتیم که در مسابقه اخیر مشت زنی محمد علی با جورج فورس که منجر به از پای در آمدن فورس و از دست دادن عنوان قهرمانی جهان شد — محمدعلی طرح و نقشه ای داشت و آرا پیاده کرد. حالا در همین مشت زنی — که حرفه ای بود — اگر قرار بود داور به محمدعلی اخطار بدهد در آن لحظاتی که محمدعلی شکم خود را بدست حریف سپرده بود و فقط صورت را پوشانیده بود میبایستی اخطار میگرفت و بی کارش میرفت و دیدیم که چنین نشد!

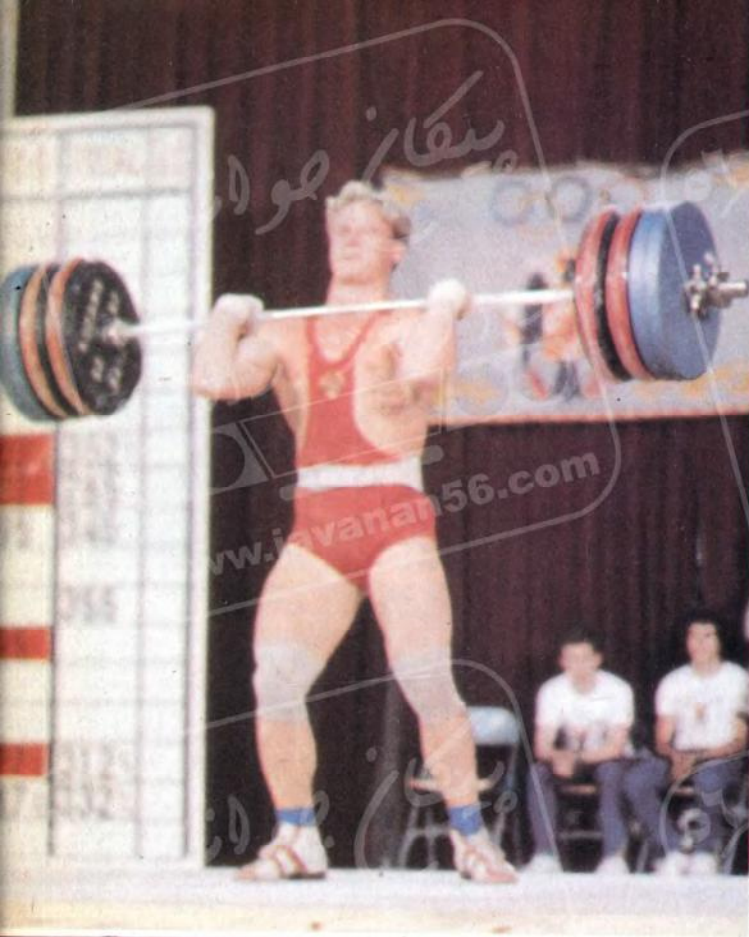
حالا فدراسیون بین المللی با دادن اختیارات بداوران، تقسیم تشک کشتی و شتایی که میخواهد بدین ترتیب بوجود آورد، کشتی را از حالت اصل خود بیرون میآورد و «کشتی» نه کشتی است و نه مشت زنی! اگر کاراته وجود و سرعت دارد کیفیت آن ایجاب میکند که چنین شود. بعلمت از این بردن تشکی در داوری و شتاب بخشیدن به کشتی هیچ روشن نیست که آینده آن چگونه خواهد شد! کشتی امروز آن شور و شوق دمسال پیش را ندارد، قیاس کنیم: مسابقات های سال ۱۹۵۹ که در تهران برگزار شد با مسابقات های سال ۱۹۷۰، تهران فرق زیادی داشت، در جام های بین المللی دیگر هم وضع به همین منوال است.

در منچستر مردم نمیدانستند که کشتی آزاد، چگونه کیفیت دارد! ... در «ماردل پلاتا» آرژانتین سالنها خالی از تماشاگر بود، بهین دلیل کشورهای مانند سوئد، نروژ، فنلاند، فرانسه، ایتالیا و آلمان علاقه ای به برگزاری مسابقات های قهرمانی جهان ندارند. بعقیده من این فدراسیون بین المللی است که نتوانسته است خود را با ذوق و شوق مردم هماهنگ کند و شرایط تطبیقی بوجود آورد و آنچه هم امروز انجام میدهد، نمیتواند جبران خوش خیالیهای گذشته را بنماید.

حالا ما باید چکار کنیم؟ ...

آقای بلور میگوید: «مومیو مقررات را اجرا نمیانیم» این واضح است که باید اجرا کنیم، چون، که نمیتوانیم حضاری بدور خود بکشیم و فقط ذوق خود را پیاده کنیم.

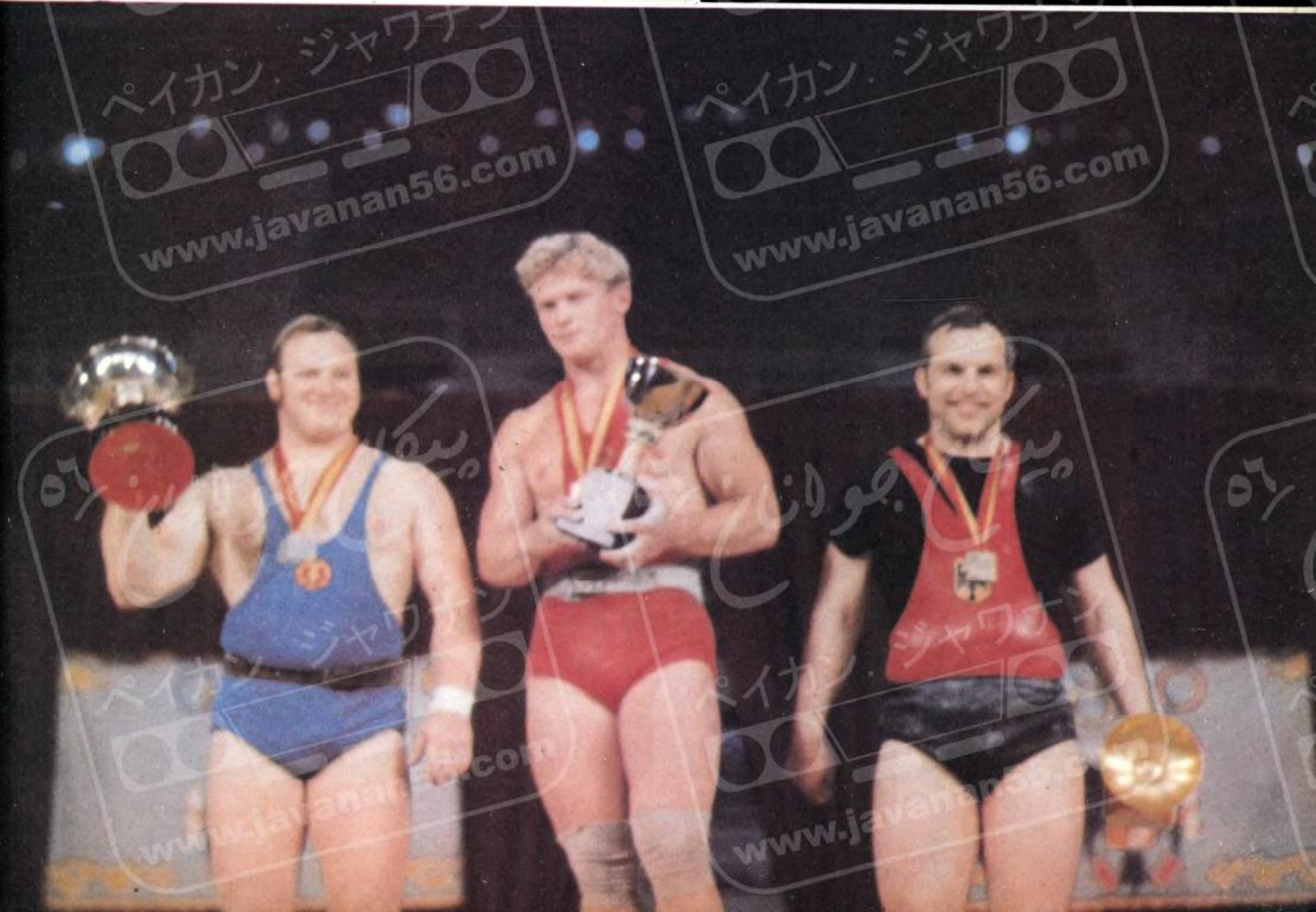
فدراسیون بین المللی هر تغییری را که بخواهد پدید آورد بوقع با فدراسیونهای ملی و کشورهای صاحب کشتی در میان می نهد. حتی بعنوان آزمایش مسابقات هائی



پاپ به افسانه‌ها پیوست؟

پاول پرووتسین آماده تکمیل کردن حرکت دوضرب خود زیر وزنه ۲۲۳/۵۰۰ کیلوگرم برای شکستن رکورد جهان میباشد.

برندگان سکوی قهرمانی دسته سنگین وزن در مسابقات قهرمانی اروپا ۱۹۷۳، مادرید - اسپانیا.
از چپ بر راست: «لوش» از آلمان شرقی (نایب قهرمان)، پرووتسین «از شوروی» (قهرمان اروپا) و «وئسفال» از آلمان غربی سوم.



توصیه پرووشین به جوانان: ازر کوردهای غول آسا وحشت نکند!

اگر رنگرت « هر کول » باشد پرووشین یک آبولون است.

پ. پ. شوروی با قد ۱.۸۶ متری با بدنی زیبا و متناسب، چهارشانه با خطوط منظم صورت و موهای طلایی مجعدش، مجموعه انسان زیبا و متناسی را تشکیل میدهد که تنها در مجسمه‌های یونان باستان میتوان نظیرش را دید و به عبارت بهتر چنانکه دیگرتر را هر کول و زنه برداری بنامیم، بدون شک پرووشین یک « آبولون » است. هفته گذشته علاقه‌مندان و زنه برداری زندگی‌نامه و عکسهای جالب از قدرت‌مندی او را ملاحظه کردند و در این شماره دنباله داستان او را از زبان خودش میخوانید ضمن اینکه او توصیه‌هایی به جوانان میکند که خواندن آن برای هر مربی و نوجوان علاقه‌مند به و زنه برداری آموزنده است.

پرووشین نامی را که تازه دریافت کرده باز میکند، نشانی بازگشت آن به کافان ارمنستان شورویست. رشید می‌نویسد: « از توفیق بزرگ تودر « هاونان » محل برگذاری مسابقات و زنه برداری قهرمانی جهان ۱۹۷۳ - بسیار خوشحالم. من ۱۵ ساله هستم و ۵ ماه است که تمرین می‌کنم و به مقام سوم نوجوانان رسیده‌ام. اگر ممکن است برایم شرح بده، چگونه و زنه برداری را شروع کردی؟ »

پاول با کمال خوشحالی پاسخ مینویسد که من رشید درست در حدی است که میتوان بدون هیچگونه ناراحتی بازی با آن را شروع کند و بطور کلی به نوجوانان توصیه میکند به تمرینات عمومی بدن توجه بیشتری نشان دهند، و با و زنه‌های سنگین خود را خسته نکنند و اضافه میکند خودش کمی سمن تر از رشید عبدالله‌اوف بود که

وزنه برداری را بطور جدی شروع کرد. در آنوقت او ۶ ساله بود، با خانواده‌اش در ولگاگرد زندگی میکرد و برادر بزرگترش « نیکولا » باعث شد که مثل خود او بظرف ورزش کوشانه شود.

پاول میگوید: « قبل از آن نسبت به ورزش یک نظر کلی داشتم. وقتی در منطقه « ژامینسکی » زندگی میکردیم من و ورزشهای دو، و پرش ارتفاع، و تپاب و زنه و تیراندازی را انجام میدادم. منظر من هر زنه بردار باید بنیان و اساس جسمانیش سالم باشد تا بتواند بر بنیانی آن کارش را توسعه دهد و هر جوانی که بخواهد قدرت جسمانی پیدا کند باید به این مطلب دقت لازم داشته باشد و بعد اضافه میکند که خود او با وزنه‌های سبک و در دسته نیم سنگین کارش را شروع کرده و نخستین مسابقه او از مسابقات قهرمانی ایالتی بود که برنده شد و در مقام اول قهرمانی قرار گرفت. پساوول میگوید: از این پیروزی احساس رضایت میکردم و کسی بعد که به ارتش رفته، مرا برای خدمت به لنینگراد فرستادند. در آنجا برای اولین بار با مربی فعلی خود فنودور

پرووشین یک « آبولون » است

پاول پرووشین یک وزنه بردار عالی دیگر از استاد مردان آهنین شورویست که طی دو سال گذشته در اوج شهرت بود اما در نتیجه یک بی احتیاطی و هیجان احساسی اسباب بصورت یک وزنه بردار غیر فعال درآمد! در صورتیکه در مدت کمتر از سه سال با نشان دادن قدرت تحسین انگیزش - بویژه در مسابقات اروپائی ۱۹۷۳ در اسپانیا همه را به تحسین واداشت - پاول در نخستین مسابقه قاره‌ای خود در مادرید پس از اینکه صحنه مسابقات را از نیروی انسانی که در برابر او مفاوستی نشان بدهند - کم دید. به جنگ رکوردهای جهانی رفت و سر بلند صحنه مسابقات را ترک کرد، بطوریکه رکوردهای جهانی او برگ زرین تازه‌ای بر تاریخ و زنه برداری افزود زیرا او اولین و زنه برداری از رده سنگین وزنها بود که دروازه باشگاه ۴۰۰ کیلوپی‌ها را در مجموع دو حرکت شکست.

یادگدانووسکی (قهرمان المپیک ملبورن در دسته میان‌وزن - که عنوان استاد ورزش بین المللی را هم داشت) ملاقات کردم.

پیشرفت خیره کننده

در آذرماه آن سال پاول به مجموع ۴۰۰ کیلو در مجموع سه حرکت دست یافت و در اسفندماه به ۴۴۵ کیلو رسید. پیشرفتش خیلی چشم‌گیر بود و این کاری است که راهنمایی یک فرد محرب می‌تواند انجام دهد. در ۱۹۶۷ مسوولان قهرمانی جوانان نیروی او را مورد آزمایش قرار دادند که نتیجه‌اش خیلی خوب نبود چون او در مرحله هشتم قرار گرفت. پاول میگوید: « ولی خودم را به یاس نسپریم - آدم نباید مایوس شود باید فعالیت کند و تعلیم ببیند... »

در سالهای ۱۹۶۸ و ۱۹۶۹ نتایج کارم بهتر شد ولی پیروزی بخصوصی نصیب نشد. بعد در ۱۹۷۰ وقایع مهم اتفاق افتاد. فنودور فنودور و پاول با گدانووسکی و من در مسابقات جام اتحاد جماهیر شوروی در شهر دنیرو پترووسکی در مقام سوم قرار گرفتیم. در ۱۹۷۱ در بازیهای اسپار تاکیاد بعد از بوری کووین (قهرمان جهان) دوم شدم. در ۱۹۷۲ در مسابقات انتخابی المپیک به پان تالنتس قهرمان المپیک و جهان باختم. در این هر دو سال من تنها به قهرمانان جهان باختم و در تیم ملی شوروی عنوان ذخیره آنها را داشتم تا سرانجام حرکت پرس از وزنه برداری حذف شد و من تا آن زمان ۹ بار رکوردهای جهانی را در حرکت یکضرب و دو ضرب شکسته بودم و آخرین آنها اسفندماه ۱۹۷۲ طی مسابقات جام دوستی شوروی در تاشکند اتفاق افتاد که به رکورد ۱۷۵ کیلو در حرکت یکضرب دست یافتم و فدراسیون بین المللی وزنه برداری با بررسی نتایج یکضرب و دو ضرب من که مجموع ۳۹۲/۵۰۰ کیلوگرم را تشکیل میداد و در مسابقات قهرمانی شوروی تا سالیان ۱۹۷۲ بدست آورد بدست آورده بودم، مرا رکورد دار جهان شناخت. از آن پس دو تیم مسابقات وزنه برداری پیروز بودم و دفعات رکورد شکنی‌های خود را به هر دو رساندم و در مادرید مدال طلای قهرمانی اروپا و جهان

وزنه برداری، باسانی قهرمان خواهد شد.

پرووشین میگوید: « رك صحبت می‌کنم. بان تالنتس نباید بطور ناگهانی سکو قهرمانی را ترك کند و از طبیعت او بعید است که بدون یک نبرد دیگر از میدان بیرون رود. تازه کووین قهرمان جهان در ۱۹۷۱ - با کوووسکی رکورد دار مجموع سه حرکت سابق جهان و اوتزار رکورد دار یکضرب اسبق جهان هم میخوانند قهرمان بشوند. اغلب از من میپرسند که با گدانووسکی و من چه برنامه‌ی برای رکوردهای آینده وزنه برداری در نظر گرفته‌ایم. من نظر من نهتر است « کار » را انجام داد نه اینکه در باره‌اش « حرف » زد. ولی یقیناً نقشه‌ای برای آینده داریم. لازم است پس از افتتاح باشگاه ۴۰۰ کیلوپی‌ها در سنگین وزن، آنرا گسترش دهیم. من با دقت تمام روی مرحله دوم حرکت دو ضرب - که تا حدودی در آن ضعیف هستم - کار میکنم تا بلکه مقام جهانی خود را در این دسته - که استوژین هبوطم آنرا از چنگم خارج ساخته - بازستانم. جهانند وزنه از روی سینه بالا هنوز به مرحله‌ای که مطابق میلم باشد نرسیده است. در مورد هر دو حرکت (یکضرب و دو ضرب) هر کسی از جمله خودم در جستجوی روش‌های جدیدی است. »

پاول در مورد برادرش که الفبای وزنه برداری را باو یاد داده میگوید: « نیکولا » سه سال از من بزرگتر است و در ایالت لنینگراد در موسسه‌ی که کارهای زمین شناسی انجام میدهد کار میکند. در شهر « شانتونی » او یک باشگاه برای نوجوانان وزنه برداری دایر کرده و جوانان را تعلیم میدهد ولی در بی بلند پروازی نیست. »

از پاول سؤال میشود: « اگر شما در حرکت پرس خیلی خوب بودید آیا از حذف حرکت پرس عصبانی نمی‌شدید؟ »

او جواب میدهد:

« نه ابدأ. در درجه اول وزنه برداران هوازه بخاطر پرس از ناحیه پشت آسیبهای فراوان می‌دیدند زیرا هر کس سعی میکرد هرچه بیشتر در پرس رکورد بدست بیاورد. و در درجه دوم از جهت خود حرکت، یکی یک حرکت را خوب میدانست و دیگری آنرا بد. در نتیجه اختلاف نظر در قضاوت این حرکت بسیار بود. بی‌تردید بدون این حرکت، اوضاع بهتر است و راحت تر و کارهای اعلا نانه همیشه مقدم هستند. »

« بعضی از جوانان از رکوردهای عظیمی که امروزه توسط ورزشکاران بدست می‌آید به وحشت و هراس افتاده‌اند، در صورتی که ترس می‌فایده است. من به تمام کسانی که در تماس با من این ترسها را عنوان می‌کنند می‌گویم که نباید از رکوردهای حال حاضر وحشتی داشته باشند چون این رکوردها توسط افرادی بدست آمده که از سبک‌ترین فعالیت‌ها شروع به کار کرده‌اند. بنابراین آنچه مورد نظر است تمرین است و آنهم تمرینی اعلا نانه و صادقانه. »

را در ۱۹۷۳ از آن خود ساختم و رکورد مجموع دو حرکت را به ۴۰۰ کیلو ترفی دادم.

آنچه در بالا گفته تمام مقامهایی است که تا بحال نصیب شده اما هنوز باید برای قهرمانی کامل تلاش کنم.

وزنه سنگین، وزنه بردار خوب نمیسازد

از پاول پرووشین اغلب سؤال میشود که چطور شد که به سرعت در طول دو سال رکوردهای خود را به ۱۷۷/۵۰۰ کیلو یکضرب (رکورد جهان) ۲۲۳/۵۰۰ کیلو دو ضرب (رکورد سابق جهان) و ۴۰۰ کیلوگرم در مجموع دو حرکت رکورد جهان رساند.

پاسخ او این سؤال خیلی ساده است: « من تناسب و اعتدال را در تمریناتم رعایت کردم. مربی بخصوصی نداشتم و در غیاب مربی، من به وزنه‌های سنگین یورش می‌بردم در آن موقع فکر میکردم که تنها راه رسیدن به نتایج خوب برداشتن وزنه‌های سنگین است، ولی علا غلاف آن مشاهده شد. پس از آن جلو خودم را گرفتم و حالا میگویم که مهم‌ترین عامل پیشرفت، تمرین مرتب و داشتن رژیم دقیق است. »

وزنه برداران ما در شوروی اضافه میکند: « مربیان برجسته امروزی به ما توصیه میکنند که در این دوران جدید، وزنه بردار باید « نیرو » همراه با « سرعت عمل » داشته باشد. سبک بودن من اتفاقی نیست (وزن پرووشین در حدود ۶۰ کیلوگرم است) زیرا ما تمرینات پرس انجام میدیم، و الیبال بازی میکنیم در جهت‌های مختلف پرس انجام میدیم و در هر جلسه تمرین چند بار ۳ تا ۵ سترا با سرعت میدویم. اخیراً هنگامیکه به ورزش دو میدانی در دانشگاه - که من در سال دوم آن تحصیل می‌کنم - مشغول بودم نیزه را به مسافت ۴۷ متر پرتاب کردم. رکورد من در صدرم ۱۲/۴ ثانیه است. »

از پاول نظر او را راجع به گفته پان تالنتس قهرمان المپیک مونیخ می‌پرسند که به خیرنگار ورزشی روزنامه جوانان گفته بود که پرووشین حرکت پرس را هرگز جالب انجام نداده است و حالا با حذف حرکت پرس از ورزش قهرمانی

حیف از زورخانه که تعطیل شود



صدای طبلی که به خاموشی میگراید!
نگذاریم خاموش شود.

تقدسی همبایه مسجد که ورزش و بردانگی و درستی ایمان را یکجا در خود داشت. فاطمی لبه شکوه می‌گشاید و میگوید: «در عرض سی سال، دوازده زورخانه شهید تعطیل شده و ما هم تنها به لحاظ عشقی که داریم دنبال این کار را گرفته‌ایم که تازه چهارسال هم به ما سهمیه داده نشده و امسال بابت سالهای گذشته و سال جاری چهارهزار تومان برایمان اختصاص دادند که همین چهارماه پیش مخارج زیادی را به خاطر تعمیرات متحمل شده‌ایم.

ورزشکاران وارد میشوند. یکی یکی، دوندگان، ورزشی باشگاه برزینشان را معرفی می‌کند. پیرسردی را نشان میدهد که پنجساله است، در زورخانه ورزش میکند و بوقول او هر وقت احساس کسالت و ناراحتی جسمی کند فوراً می‌رود سراغ میل و تخته زورخانه تا به اصطلاح عرقش را در بیاورد و حالش بهبود یابد که این فکری بیراه نیست زیرا وقتی بدنی به ورزش عادت کرد، ترک کردنش عوارضی را پدیدار می‌سازد که علاج دردهمان ورزش است. گرمای بخاری بیشتر شده و سرمای هوای باشگاه قابل تحمل تر، و ورزشکاران لنگ‌ها را از خدمتگزار زورخانه می‌گیرند و بدور کمر می‌پیچند و داخل گودی می‌شوند. احترام پیشکسوت را هنوز با برجای می‌بینیم. مدیر باشگاه از گذشته‌ها یاد میکند که زورخانه رونق داشت، می‌گوید: «آن زمانها ورزشهای امروزی خریداری نداشت و تازه هر کس در هر رشته‌ای که ورزش میکرد، از ورزش باستانی هم غافل نبود. اما این روزها پیشکسوتها و صاحبان سابقه از گود کناره گرفته‌اند و جوان‌ها هم می‌روند دنبالش ورزش‌های روز.»

مردش بر جایگاه خود مستقر میشود، ضرب را زیر بغل می‌گیرد و دستی بر پوستش می‌کشد تا گرمای آتش منقل - را به آن برساند و با رقص انگشتانش آهنگ نرمی را دم می‌گیرد که با صدای آن باستانی کاران «دو» نرمی را در حصار گود آغاز می‌کنند، که این برای گرم شدن بدن است یعنی همانی که متخصصان ورزشهای امروزی می‌کنند. پیرسردی که نفرچو است از لب وزدی می‌خواند و ورزشکاران هم به مناسبت کلماتی که او داد می‌کند صلوات می‌فرستند و فضای زورخانه اندک اندک گرمیش را بدست می‌آورد و بعد نوبت نرمش است و بازو، پا، شکم، کمر و گردن تا بدنهای ورزشی آمادگی اجرای حرکات سخت را پیدا کنند. به صحبت فاطمی گوش می‌کنیم که می‌گوید: «در حال حاضر هشتاد عضو داریم که در دونوبت صبح و عصر زورخانه سه‌ساعته می‌آیند. در حالیکه در گذشته هر زورخانه حداقل دویست ورزشکار دائمی داشت. مخارج باشگاه روز بروز زیادتر و گران‌تر میشود، یک جفت میل خوب که سابقاً ده بیست تومان بود حالا هفتاد تا صد و پنجاه تومان شده است و...»

و بعد می‌گوید می‌خورد که اگر عشق به این کار وجود نداشته باشد، ادامه‌اش مشکل است و می‌آید به یاد تهران و تهرانیها می‌افتد و می‌گوید: «در حالیکه باشگاههای تهران ماهی یک هزار و پانصد تومان سهمیه دارند، ما چگونه با سالی

با آهنگ دلنشین وزمی بر سر زورخانه میدان دقیقی شهید، جمعی در گود، شنا می‌روند و هر حرکتشان با باد از پیشوایان مذهبی و تجلیل از نام آنها همراه است و در همان حال مرشد اشعار حماسی و سرود جوانمردی بگوششان می‌خواند.



داشت تا پهلوانان بهنگام ورود سیری با حترام خم کنند و مبادا گردن‌کشان از روی نادانی این حرمت را نادیده بگیرند.

داخل که می‌شویم بوی غربت به شام می‌رسد و بیگانگی احساس میکنیم، زیرا ظاهر زورخانه هم فرق کرده است. یکی دونفر را می‌بینیم که دارند لخت می‌شویند تا ورزش را شروع کنند و کف زورخانه را می‌بینیم که با مگالوم پوشانده و اطرافش را سوزن‌نیک کرده‌اند.

گودی که کف آن خاکی بود و زیرش بونه، تا خاک محکم نشود - جایش را تخته گرفته و یا فرآورده‌های دیگر صنعتی نو که تناسب و تعادلی با قدمت زورخانه ندارند، انگار که دست رستم دستان تفنگ‌داده باشند.

مدیر باشگاه با چهره‌ی پریشگرانه به استقبال می‌آید. گویی می‌پرسد: «شماره با زورخانه چکار و چطور شده که دل از ورزش‌های روزگانه و سراغ از یادرفته‌ها آمده‌اید؟»

هرچند سؤالش بر زبان نمی‌آید، اما پیشدستی کرده و نظرم را می‌گوئیم و حاصل به‌نشستی می‌انجامد در کنار همان گود زورخانه که زمانی صفایی داشت و

بدن‌کی کشید، اینک فقط در افسانه‌ها زندگی می‌کند و در کتاب‌هایی که دوزخ دسترس مردم است و بهایشان بعد کافی گران و تعدادشان اندک و حاصل، اینکسکه بجه‌های امروزی دیگر نه پهلوان «یزدی بزرگ» را می‌شناسند و نه پهلوان «اکبر خراسانی» را، نه گود زورخانه و نه مرشد را که هر یک به‌تنهایی مظهری از زورخانه هستند و نه «پوریای ولی» را که ناسش در زورخانه مقدس و مورد زبان کبابه‌گیران زورخانه است...

و کودک امروزی دیگر کلامی از عبارات نمی‌شنود و پهلوانانی را که نقش آفرین سردی و بردانگی و تربیت شه‌مکتب زورخانه جایگاه تجلی‌بلت و مذهب بودند، نمی‌شناسد.

سراغی از زورخانه‌های شه‌سهد بگیریم، ما یوس می‌شویم وقتی می‌شویم در شهر ما تنها دو زورخانه دایر است. به سراغ یکی از آنها در کمرکش میدان دقیقی می‌رویم... احتیاجی به سرخم کردن نیست، چون از در بزرگی قدم به درون می‌گذاریم که خود این نمودی است از تغییر چهره زورخانه که دردی کوتاه

در هیاهوی شکستن زورگودها و غوغای انجودهای ورزش در رشته‌های وابسته به کرسی‌های بین‌المللی - که صدا لته ما هم در این معرکه حاضر و در قیل و قال اغلب رشته‌ها سهم هستیم - جای صدافسوس است که صدای طبل زورخانه بخاموشی برود و نوای مرشد به سکوت گرانیده‌است.

طبل و صدائی که قرن‌ها با ما دساز بوده و در نقش تاریخ گذشته ما جانی بس گرمی دارد و نمائی است از سنت ما که مایه مباهات می‌باشد، و دارد خاموش میشود. دیگر از زورخانه و پهلوان زورخانه - بی‌که روزگاری سنت ورزش ما را بدوش می‌کشید، فقط سایه‌ی مبهم‌مانده که آن هم دارد محو میشود. دیگر نقش برجسته گذشته در آن یافت نمی‌شود و پیمان سنگ نشیندی می‌ماند که گذشت زمان و یاد و باران بر آن اثر گذاشته و نقشش را که نقش بر سنگ زده است با وجود همه ابهت و صلابتش شسته و از بین می‌برد.

پهلوان زورخانه که خود مصنف تاریخ گذشته ما بود و عنایون فراوانی را

بکهار و پانصد تومان احتیاجات خود را برآورده سازیم ؟
 حرکات نرمش پایان گرفته ، ورزشکاران بسراغ میل ها میروند و مرشد آهنگ ضرب را تغییر میدهد ، رقص با سیلها شروع میشود و بیج و تاب عضلات ، انگار که پهلوانان در عرصه نبرد حریفان را به خاک می کشند ، محو صحنه می شویم و یکباره به یاد ابومسلم می افتیم که ناشن با نام خراسان قرین است و با خون مردم این خطه عین .
 مرشد صلوات ختم می کند و با نام خدا شروع می کند . که از آغاز او بود و خواهد بود و به اشاره مرشد پهلوان ها صلوات بلند می فرستند بر جد سادات ... و نوای مرشد اوج می گیرد .
 درخانه دل ما را جز یار نمی گنجد
 چون خلوت باری را اغیار نمی گنجد
 در کار دو عالم ما چون دل به یکی دادیم
 کز دست یکی ما را در کار نمی گنجد
 صدای ضرب بلندتر میشود ، به اوج میرسد ، توی قضا می بچد و می خورد به نورگیر شیشه بی سقف و بر میگردد توی گود و کنار گود ، که ما نشسته ایم و چند تماشاگر دیگر .
 مدیر باشگاه میگوید : « سابقاً تماشاگرها به نوبت وارد زورخانه می شدند . چون عدشان زیاد بود و جا تنگ ، اما این روزها حداکثر ۳ تا ۴ تن و آنهم چند دقیقه ها می آیند و میروند . اما بگویم که خارجی ها علاقه بیشتری دارند و وقتی به تماشای این ورزش می نشینند نمی توانند لب از تحسین بپندند .
 حرکات میل ها همراه با صدای طبل و نوای مرشد تندتر میشود ، تعداد ورزشکارها هم بیشتر شده و دستخوش خلسه می میشوند و به فلسفه ایجاد زورخانه متوجه می شویم که نخبیاری بود در برابر اشغالگران بیگانه و بی اختیار از خود می پریشم بنیانگذارش که بود ؟
 نگاه جوابی نداریم . به اسباب های ورزش البته می کنیم ، میل ها شکل گرز دارند ، کباده عین تیور کمان است و تخته که « گورکا » نام دارد ، چون سیر است و حرکات با هراسیاب نیز همانند کمان می باشد استفاده سلاح های آن زمان است و بیخطر می آوری صفحات تاریخ را که بطور ناقص اشاره کرده است به جنگاورانی که در این مکتب تربیت شدند و درفش استقلال میپهن خود ، ایران عزیز را برافراشتند . و دلمان میخواید چهره آنان را ببینیم .
 محو در رویای خود هستیم که فاطمی از صاحبان رنگ امروز شهید صحبت میکند و نام غلامرضا بالان دوز ، حاجی غلامرضا گلکار و محمد رضا ارباب را می گوید و آنگاه اسمی درگشتگان را بر میسازد که هر یک پلی بوده اند و صاحب عنوانی . حاج سید محمود رضوی ، حاج حسام السلطنه ، حاج سید احمد فاطمی (محرر) ، آقا جعفر رضوی ، میرزا حسن خرازی و ... و میگوید :
 « هم اکنون یک ورزشکار ۸۰ ساله داریم که حاجی ولی نام دارد و بعضی روزهای جمعه به زورخانه می آید ...
 به نوای مرشد گوش می دهیم که در وصف علی (ع) سخن می گوید ، شاه مردان ، پدر یتیمان ، دلاور تمام دوران و صاحب ذوالفقار که پهلوانان ، خود را کمتر از خاک درگاهش میدانند .

مظهاری در دیده ظاهر دوست در عین یقین از تماشای جمالش رفت از کف عقل و دینم لوحش الله از جمال او که چون دیدم نیاسودی
 از غم اندوه بی پایان دل اندوهگینم
 رفتم از خویش و یکنتم با زبان بی زبانی
 کی حسیب دلفریبم ای نگار نازنینم
 ای تو جان ، جان جانانم ، ای ضیاء دیدگانم ، دلبر و دلدار و دلجو ، دل عین و دلستانم ، از کجائی ، کیستی ؟ ، نامت چه ، نسبت به که داری ؟
 و از گود پاسخ را با صلوات میگویند .
 و باز مرشد است که :
 گفتم من سر هروی ، هست هستی آفرینم
 در نهانم کل مخفی ، در عیانم کل هستی .
 و باز صلوات است که برای همه انبیاء

شاه و میهن میفرستد و دنباله حرف که :
 « نام نیکویم علی ، سرچشمه اهل جیبلم »
 و غریب صلوات باز اوج می گیرد و ترش ادامه دارد و تخته شنا را توی گود بگذرانند و باز هم صدای مرشد بالا می آید :
 ای برجان شراب عشقت ، خوش می کشد زبان ، و باسخ ورزشکاران که اللهم
 از جای بلند می شویم بطرف در زورخانه راه می افتیم چون بادمان می آید که کار واجب دیگری داریم . حس میکنیم روحیه مان عوض شده و حالی داریم و شوری .
 راستی حیف از زورخانه که تعطیل شود .
 مشهد — منوچهر تقافی

برای تدارک بازیهای المپیک ۱۹۷۶

تیم ملی فوتبال به اروپا میرود اولین مسابقه ایران در ایرلند است

تدارک بازیهای المپیک ۱۹۷۶ ، بمجارستان رفته است .
 این درحقیقت اولین سفر تیم ملی فوتبال ایران به اروپای غربی است و از فوتبال ایران فقط در سال ۱۳۴۷ تیم یکسان برای چند دیدار دوستانه به انگلستان رفت و چهار سال پیش نیز تیم ارتش ایران در فرانسه با تیم ارتش این کشور مصاف داد که دو برد و مساوی شدند .
 فرنگه اوفارل مدیر تیم ملی فوتبال ایران در مورد مسابقه با ایرلند اظهار کرد که این یک آغاز آرزمانی در تدارک فوتبال ایران برای المپیک خواهد بود و قبل از دیدار با حریفان گروه خود ، چند مسابقه تدارکاتی دیگر نیز در نظر گرفته شده است .
 اوفارل افزود :

« تقریباً همه بازیکنان تیم ملی ایرلند در تیمهای دسته اول انگلستان بازی میکنند و بی تردید حریف برقرتی در برابر ایران قرار خواهند داد . ما قبل از بازگشت بموقع برای مسابقات بین المللی فوتبال جام ایران در مرداد ماه ، می توانیم ترتیب چند مسابقه دوستانه دیگر با کشورهای اروپائسی بدهیم . »
 اوفارل ایرلندی افزود که او با تماشا و بررسی بیشتر مسابقات جام سوم تخت جمشید — که از پانزده اسفند آغاز خواهد شد — بازیکنان تا حد ممکن آماده تر و بهتر را برای تیم ملی بخواهد گزید . او در این مورد گفت :

« ولی انتخاب و آغاز تمرین بعد از بازگشت تیم ملی جوانان از مسابقات قهرمانی فوتبال جوانان آسیا از کویت خواهد بود . من پایه انتخاب را بر بنیاد تشکیل دو تیم برای شرکت در جام ایران خواهیم گذاشت که این برنامه مطابق شرایط سال گذشته انجام خواهد شد .
 با تجربه ها و تیم اول ،
 امید ها و تیم دوم
 فرنگه اوفارل در مورد نحوه و شکل دو

تیم ملی فوتبال ایران برای آمادگی در مسابقات مقدماتی فوتبال بازیهای المپیک ۱۹۷۶ ، به دوپلین (ایرلند) دعوت شده است تا در اردیبهشت ماه با تیم ملی این کشور دیداری دوستانه انجام دهد .
 مسابقات مقدماتی فوتبال المپیک در گروه اول آسیا شهریور سال آینده در تهران انجام خواهد شد .
 اکنون ایران و ایرلند در مکاتبه هستند تا تاریخ دقیق این بازی دوستانه را در خاک ایرلند تعیین کنند و فرنگه اوفارل سرب ایرلندی تیم ملی فوتبال ایران ، همراه با رهبران فوتبال ایران در تلاش هستند تا بدنبال مسابقه با ایرلند در چند کشور اروپائی دیگر بویژه فرانسه دیدارهایی تدارکاتی برگزار کنند زیرا با بودن سطح فوتبال اروپا ، تیم ملی ایران در مسابقه با حریفان آسیائی گروه خود به آمادگی دست خواهد یافت . در گروه یک المپیک (در منطقه آسیا) ایران ، عراق ، لبنان ، کویت ، بحرین و عربستان سعودی شرکت دارند .

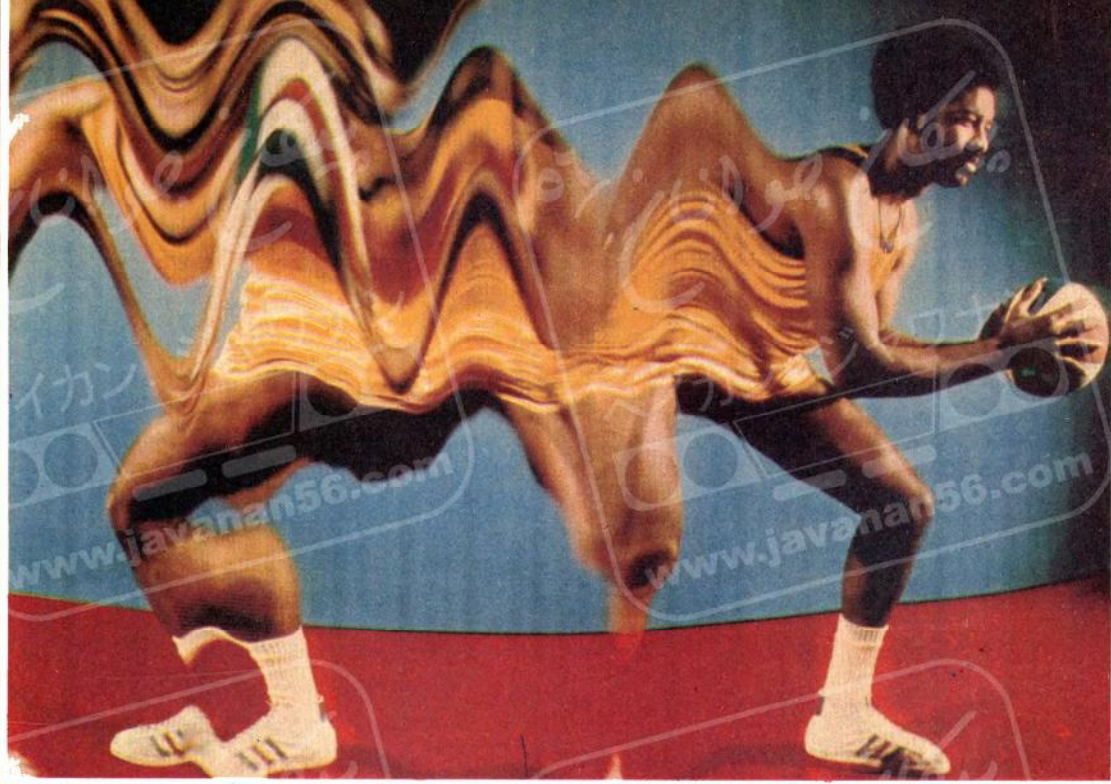
در صورتیکه سفر تیم ایران به ایرلند حتی شود ، دیدار دو تیم ملی ایران و ایرلند برای دومین بار صورت بگیرد . زیرا حدود چهار سال پیش تیم ملی ایران برای شرکت در جام جهانی کوچک — که در واقع جشن صدمین سال استقلال برزیل بود — به برزیل رفت و در گروه خود با تیم ایرلند اولین مسابقه را انجام داد . در این مسابقه ایران به مدت هفتاد دقیقه یک بک بر صفر بر حریف اروپائی برتری داشت اما سرانجام کل قلبی خانی با دوگلی که تیم ایرلند زد پاسخ داده شد و ایرلند دو بریکه به پیروزی رسید . در این مسابقه یک گل ایران خطا اعلام شد و در مقابل یکی از گلهای ایرلندیها مشکوک به آفساید بود که کبیر خیرکاری های خارجی به آن اشاره کردند .
 تیم ملی ایران تاکنون چند بار به شوری و ترکیه سفر کرده و یک بار نیز در

تیم ایران در جام ایران اظهار کرد : « ایران دو تیم الف و ب خواهد داشت که تیم الف را بهترین و باتجربه ترین بازیکنان تشکیل میدهند و جوانان برآمد — که پشتوانه تیم ملی خواهند بود — در تیم « ب » بازی خواهند کرد . »
 سال گذشته تیم ملی ایران در جام ایران با پیروزی بر تیم کلاس اسپورت چکسلواکی در مسابقه نهائی به مقام قهرمانی رسید .

مشکلات تمرین تیم ملی جوانان

اوفارل — که اکنون کار تمرین تیم ملی جوانان را برای جام و لیگ و جام جوانان آسیا زیر نظر دارد — اظهار کرد که شرایط نامساعد هوا در برنامه تمرین تیم تأثیر گذاشته است و افزود :
 « ما مجبوریم صبح ها را در تالار سرپوشیده تمرین کنیم و بعد از ظهرها که یخ ها آب شد ، در اردوی داوودیه به کار تمرین ادامه دهیم . این شرایط تمرینی آرزمانی نیست ولی سعی میکنیم از چیزی که درست داریم بنحوا حسن سود ببریم . »

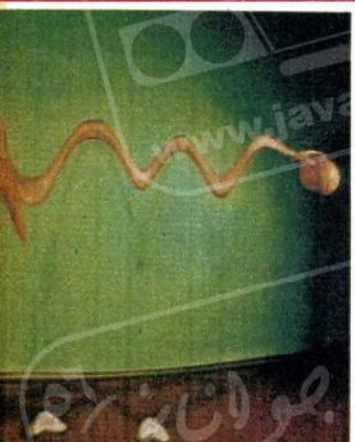
اوفارل ، از اینکه تیم ملی ایران در بعد از ظهر ۴ بهمن اولین مسابقه اش را با تیم جوانان زیر پرست سال ارسال انگلستان در شیراز انجام میدهد ، اظهار رضایت کرده است زیرا به نحوه بازی ارسال آشنائی دارد و بازی در مقابل بازیکنان این تیم را — که کما کثر آرد تیمهای دسته اول انگلستان بازی میکنند — آزمایش خوبی برای جوانان ایران میدانند . اوفارل میگوید که در این آزمایش موفقیت ایران را در مسابقات جام جوانان آسیا درخواهد یافت .
 تیم ملی جوانان بعد از سفرتی به آبادان برای مسابقه بی تدارکاتی با صنعت نفت ، به شیراز خواهد رفت تا چهار روز قبل از آغاز مسابقه با ارسال بجا شرایط آب و هوا و محیط عادت کند .



این عکس عجیب، مولود تک ذره کریم است که سیرمان روی قسمتی از عدسی دوربین، مانده بود. نتیجه آن شد که بیلی و اینتره این شکل موج آرتاب درآید.



در این عکس عجیب از کفش های مار کوویچ در آن واحد دوبار عکسبرداری شده. یکبار در زمان حال و یکبار هم در جایی که مار کوویچ لحظه قبل ایستاده بود.



دوربین دیوانه وعکاس دیوانه تر

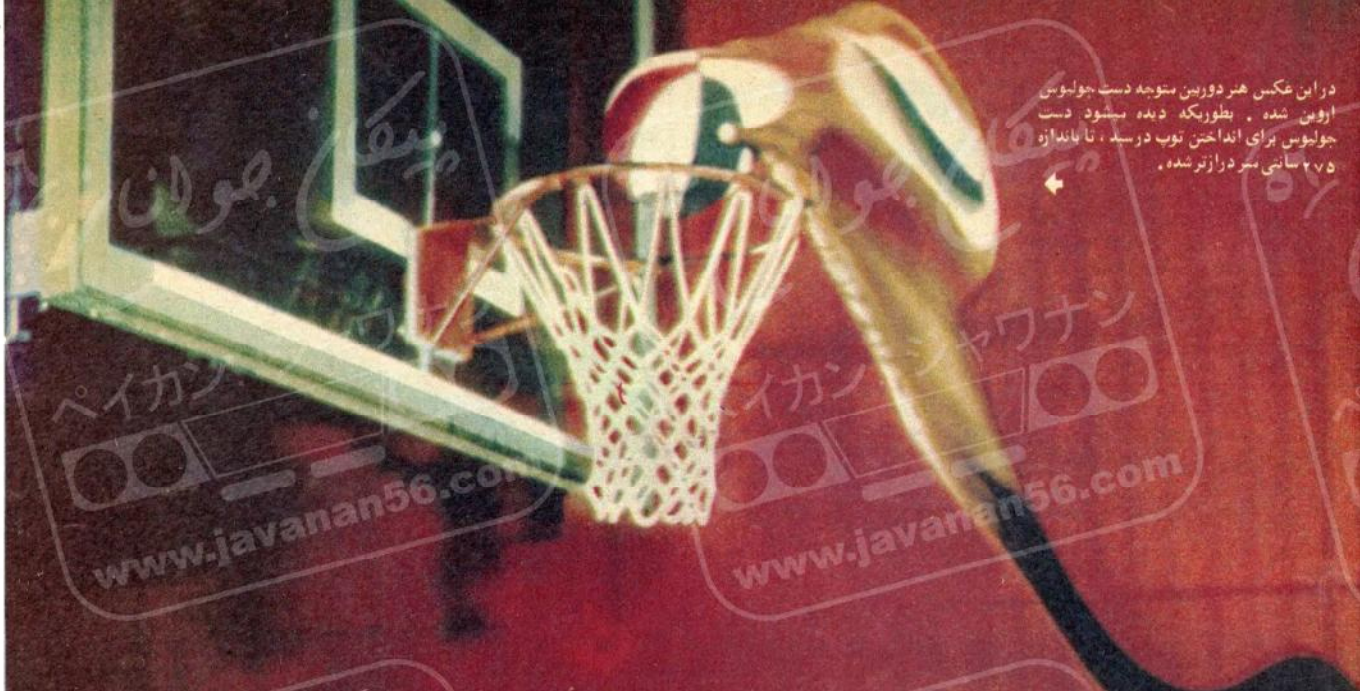
عکسهای او از یک مسابقه بسکتبال حالتی تخیلی دارد و گویی مسابقه در عالم ارواح صورت گرفته است.

سیرمان، یک خبرنگار عکاس ورزشی مکتب سوررئالیسم را در عکاسی پیاده کرده است.

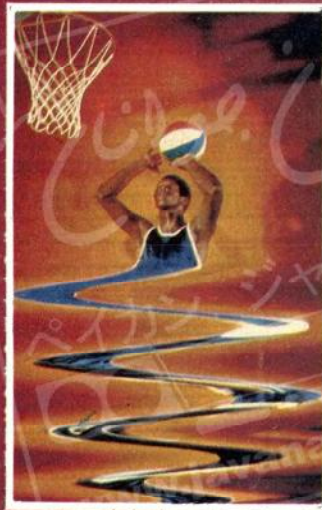
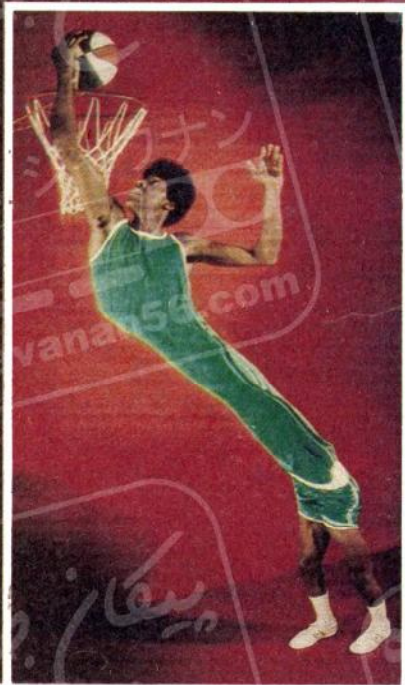
بگذاریم. عظمت مکتب ابداعی سیرمان به اندازه‌ای است که مجله آلمانی اشتون نوشته است: «نه تنها خود سیرمان، بلکه حتی دوربینش هم دیوانه است لیکن مسلم آنست که او به دوربینش کلک میزند، و هر بار قبل از آنکه تکه هر یک از ۷ عدد دوربینش را فشار دهد، تمام جوانب امر حتی جزئیات تانیه‌ها و یکسیلیونیم جنبش، هر حرکتی را در نظر می‌گیرد.»
جان سیرمان در درجه نخست یک خبرنگار عکاس ورزشی است، در مطبوعات ورزشی آمریکا و بین ورزشکاران از کفر ابلیس مشهورتر است، مثلاً عکس‌هایی که وی اخیراً از یک مسابقه بسکتبال گرفت، نه فقط

بیشترت در همه کارهای هنری، بستگی به ذوق، ابتکار و سلیقه دارد. در فن عکاسی نیز بکار بردن ذوق و ابتکار اهمیت فوق‌العاده دارد. عده‌ای از عکاسان، با آنکه در آغاز کار فاقد وسایل کامل و کافی بودند، در رشته خویش مکتب‌های جدیدی گشودند، و هنر عکاسی را تکامل بیشتری بخشیدند.
جانب آنکه این هنرنامه‌ای، نه معجزه‌است و نه به وسایل مخصوص احتیاج دارد. بلکه تنها راه دسترسی بدان بکار بردن کمی هوش و فکر، و یا به اصطلاح عکاسان حرفه‌ای (سربه سردوربین گذاشتن) است. ولی اگر قرار باشد، بین عکاسان هنرمند، و صاحب مکتب، سلطانی انتخاب نمایم. چشم بسته میتوانم روی (جان سیرمان) آمریکائی انگشت

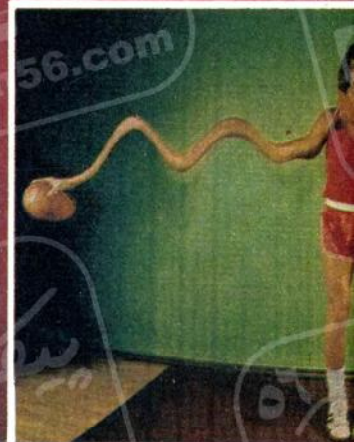
در این عکس هر دوربین متوجه دست جولوس
اروین شده. بطوریکه دیده میشود دست
جولوس برای انداختن توپ در سبد، تا اندازه
۲۷۵ سانتی متر درازتر شده.



توپ در سبد است. ولی فقط هر دوربین است که نشان میدهد
بدن (جولوس اروین) بسکتالیست چه ابعادی پیدا کرده تا
توپ در سبد جاگرفته است. بطوریکه ملاحظه میشود بدن
جولوس چنان کش آمده که سینه آن می‌رود از کمر جدا شود و تا
توپ در داخل سبد جاگیرد.



این عکس عجیب هنگامی برداشته شد که
(آرچیبالد) برای انداختن توپ در سبد قد کشیده
بود. حقه سبیرمان این بود که هنگام برداشتن این
عکس، بازجه نازکی را جلو نصف عکس دوربین
برداورد کرد.



تا سال ۱۸۲۲ عکاسان مجبور بودند هنگام
برداشتن عکس، فیلم را چندین ساعت زیر
آفتاب مقابل دهانه دوربین نگهدارند. در سال
۱۸۳۹ (داگر) موفق شد این مدت را به سه
دقیقه تقلیل دهد. فن عکاسی تا سال ۱۸۷۷
فقط وسیله‌ای تجربی و تحقیقی در دست دانشمندان
بود و از آن پس وارد دنیای تجارت و خیر شد.
بنابراین عکاسی امروزه ثمره سه قرن تلاش
دانشمندان در راه صنعت عکاسی است ولی روش
اهدای من نیز صنعت عکاسی را به اندازه سه قرن
دیگر جلو برده است.
اهدای سبیرمان از روی خودخواهی نیست.
زیرا وقتی مجسم کنیم، باروش جادویی اوچه
کارها که نیشود کرد، به او حق خواهیم
داد که چنین گنده‌گونی کند.

است که اگر اراده کند، میتواند حتی از کره زمین
بشکل چهارضلعی یا هشت‌ضلعی عکس بردارد!«
سبیرمان که لقب (صاحب مکتب
سورزنالیسم در عکاسی) پدک میکند نوشته
است: بطور کلی اختراع صنعت عکاسی را
نمی‌توان به یک نفر نسبت داد. زیرا دانش عکاسی
از قرن‌ها پیش مورد توجه علمای فیزیک،
شیمی و هیت قرار داشت و هر گروه از پژوهشگران
مقداری به پیشرفت آن کمک کردند. با این
حال باید اعتراف کرد نخستین بار «بکاری»
در حدود سال ۱۷۵۷ میلادی خاصیت تأثیر نور
را بر روی قشر حساس کلروزنتره کشف کرد و
بعد این کشف وسیله (شوسیه) تکمیل گردید.
زیرا در سال ۱۷۹۹ به راز تأثیر هیپوسولفیت-
دوسود بر روی اصلاح تیره پی برد. با همه این‌ها

فاصله دست او با سبد مینماید، و در طول همین
(لحظه کوتاه) هر بلانی که اراده کند،
سرقربانی‌اش نازل میکند.
در نتیجه هر وقت چنین عکسی ظاهر شود،
خواهیم دید که دست بسکتالیست، به چند
برابر اندازه طبیعی، چون طول موج در هوا
پیچ و تاب برداشته و آنگاه به سبد رسیده است.
حقه دیگری که سبیرمان میزند اینست
که به جای دلخواهی از صفحه عکس کرم چرب
می‌مالد، نتیجه آن میشود که آن قسمت از عکس
محو یا شناور از آب دریا بهد. عکس جالب
هنگامی تهیه میشود که این کرم مختصری
حرارت به‌بند که روی صفحه عکس پخش
شود باراه‌بند. اشترن نوشته است:
«تکنیک عکاسی سبیرمان بقدری پیشرفته

تاریخ عکاسی ورزشی را ورق زد، بلکه، انقلابی
شگرف و حیرت‌انگیز در صنعت عکاسی بوجود
آورد. بهترین ابزار کار سبیرمان برای گرفتن
عکس‌هایی که ملاحظه میفرمائید، دوربین
عکاسی پانوراماتی است که عکس‌اش هنگام
باز و بسته شدن دریاچه نور، مقابل فیلم در
سبیر دلخواهی حرکت می‌کند و در نتیجه تنها
به مدار باریک و مشخصی نور میدهد. علاوه
بر این، سبیرمان یا عکاس جادوگر، سرعت
عکس‌را چنان با حرکات (قربانی) اش تطابق
میدهد که عجیب‌ترین حالات را در عکس
به وجود می‌آورد. به عنوان مثال در عکس برداری
در مرخند بی ابتدا از خود بسکتالیستی که
مشغول انداختن توپ در سبد است عکس
میگیرد، و آنگاه نقطه عطف دوربین را متوجه

چرا از غرب نماینده‌ای در جام تخت جمشید نیست؟

فوتبال غرب در پيله خودمی تند

گروه بندی دسته دوم منطقه غرب با شرکت دادن تیمهای خوزستان و کهگیلویه درست نیست

هم اکنون سه تیم تازه فوتبال شیراز، مشهد و تبریز در تدارک جام سوم هستند. این یک پیروزی دیگر برای شهرستانیهاست اما هنوز مناطقی وجود دارد که با همه بهناموری، در پشت درهای بسته جام فوتبال تخت جمشید قرار دارند. این گناه هیچکس نیست اما ظاهراً نمی‌غیرمقول است که تیمهای این مناطق همچنان دور از جام باشند و فرصتی برای نفوذ آنها پیدا نباشد. یکی از این مناطق، پهنه وسیع غرب ایران است که شامل استانهای کرمانشاهان، کردستان، همدان، لرستان و ایلام میباشد. هیچ تیمی از این پنج استان در حال ورود به جام سوم نیست و انطور که تجزیه و تحلیل تیمهای دسته دوم منطقه نشان میدهد، بعد بنظر میرسد که در جام چهارم هم نمی‌تواند بعنوان نماینده فوتبال غرب، قرار گیرد.

این فال بد خواندن نیست. کمی توجه به تیمهای شرکت کننده در این منطقه، نظر ما را ثابت می‌کند. حقیقت اینست که، ضوابط و استدلال فدراسیون فوتبال ایران، در گروه بندی منطقه‌ای تیمهای دسته دوم، حق حیات را از منطقه غرب خراش کرده و این بچند دلیل واضح است: نخست اینکه در تعیین گروه تیمهای منطقه غرب، دو تیم فوتبال از خوزستان و کهگیلویه هم شرکت دارند که ایسن بهیچ وجه منطقی نیست. زیرا خوزستان با سابقه فوتبال محکم، و کهگیلویه در طوع و غروب فوتبال خود، در جدال رفت و برگشت با تیمهای فوتبال منطقه غرب، بر مراتب در شرایط برتری قرار دارند و وزنه‌های سنگینی هستند که نباید به پای تیمهای غرب بسته میشدند. دوم اینکه، بخت ورود یکی از نمایندگان فوتبال غرب، با چنین مشخصاتی با اندازه کمی سرسوزن خواهد بود و بنا بر این واضح است که این گروه بندی غلط تیمهای دسته دوم، منطقه بزرگ غرب را همچنان دچار پای پیچ میسازد و همچنان پشت درنگه می‌دارد...

ابتدا و در شروع کلام گفتیم که فلسفه نهائی ایجاد جام تخت جمشید، پوشش مناطق مختلف و در برگزیده همه تیمهای چهارگوشه ایران است. اگر قبول کنیم که غرب در زمینه فوتبال بدجرات معتبری نیست، حداقل این سؤال وجود دارد که تیمی تا کی و تا چه زمان باید فوتبال این منطقه جان بگیرد؟ یکسال، دو سال و یا ده سال؟ بدون شک یکبار فرصت برای هر منطقه‌ی لازم و ضروری است و تازه تماشاگران فوتبال در همه جا وجود دارند و غرب از این قاعده مستثنی نیست. جواب اینها را چه کسی میدهد؟ من میدانم که همه این سؤالات جوابهای روشنی دارند. یعنی فدراسیون فوتبال میتواند بگوید که ما راه فوتبال غرب را بسته ایم. شما از گروه تیمهای دسته دوم بالا بیایید و نمایندگان مناطق دیگر را شکست دهید،

قدستان در جام چهارم روی چشم. اما همینجاست که باید توضیح داد: پس چرا سد فوتبال خوزستان و کهگیلویه را در برابر غرب بوجود آورده‌اید؟ عبور تیمهای غرب از این گروه بسیار مشکل و غیرممکن است و باز خوزستان به کسب قهرمانی گروه نائل خواهد شد. این بدلیل تجربه برتر نماینده خوزستان و شرایط فصلی است. زیرا در کمتر از یک ماهی که بمسابقات جام تخت جمشید و نتیجتاً بمسابقات تیمهای دسته دوم باقیست، غرب در زیر سر پوشش برف سنگین و سرمای شدید است و تیمهایش بهیچ وجه آماده و تدارک دیده نیستند و حال آنکه خوزستان و کهگیلویه با هوای آفتابی مطبوع در نهایت آمادگی هستند. اینرا چگونه باید تفسیر کرد؟ آیا فدراسیون فوتبال با این نیت نبود که تشریفات را رعایت کند؟ در غیر اینصورت، راه حل ساده دیگری هم بود. فدراسیون با توجه به شناخت منطقه غرب و لزوم داشتن یک تیم از این منطقه در جام چهارم، میتوانست خوزستان و کهگیلویه را در یک گروه، و تیمهای غرب را در گروه دیگری آزمایش کند و آنگاه با توجه به تیم برتر غرب، سبک و سنگین کند که آیا این تیم میتواند یک نماینده مؤثر و مطمئن در دوره بعد باشد یا نه؟

من زیاد بدبین نیستم. اما از اوضاع و احوال فوتبال این منطقه و لزوم راهیابی یک تیم از آن به جام تخت جمشید در فصل بعد آگاهم و نیک میدانم که اگر فدراسیون فوتبال توجه دقیقی با این مسأله نشان ندهد، تا چه حد ریشه فوتبال در این منطقه خشک میشود و جوانان مستعد آن چقدر مأیوس و آسوده میشوند. وقتی این جوانان می‌بینند که خوزستان غنی سد راه آنهاست و اصفهان، شیراز، مشهد، تبریز و بندرپهلوی نماینده دارند، آنها دلگیر میشوند و نمیتوانند ده سال انتظار بکشند.

با احتمال قوی، یک سؤال دیگر باقی است و آنهم ممکنست از جانب فدراسیون و کمیته قضائی آن از من باشد و پرسیده شود: «کدام تیم با کدام اسکانات، در این منطقه وجود دارد که شما سنگ آنها را بسینه میزنید؟»

بنیاد زنگنه با سرمایه کلان

پاسخ روشن است: ایران نوین خرم آباد و بنیاد زنگنه کرمانشاه. با احتمال زیاد همدان و سندج در تقویت یک نماینده قوی از نظر امکانات، در مرحله بعد قرار دارند. تیم جوانان خرم آباد و استعداد جوانان آن امتحان خود را داده است ولی بنیاد زنگنه کرمانشاه هر چند سابقه درخشانی در فوتبال غرب ندارد اما صاحب چنان تشکیلاتی است که برای جام تخت جمشید آرمانی است. سرمایه ایسن باشگاه نزدیک بدو میلیون تومان و دارای یک باشگاه با خوابگاه مجهز، استخر شنا، زمین فوتبال و سهم از همه یک هیأت مدیره با نفوذ است که در پول خرج کردن،

مشکلی ندارد. صاحب این باشگاه مهندس زنگنه است که دو کارخانه قند و شکر باستوریزه کرمانشاه متعلق باوست و فرد خیریه است که عشق به سرمایه گذاری در این کار دارد. این یک بخش خصوصی است که میتواند همیشه بقاء و دوام داشته باشد و یک رئیس دارد که هر وقت عوض نمیشود.

همه این مسائل، البته از چشمان تیزبین فدراسیون فوتبال نادیده نیست. کمالاتیکه نماینده این فدراسیون چندبار کرمانشاه آمد و در بحث های کمیته قضائی فدراسیون نیز، اسم بنیاد زنگنه و شرایط خوب آن تجزیه و تحلیل شد. اما در نتیجه گیری نهائی، روی آن خط قرمز کشیدند چرا؟

بعضی شایعات است که سنیّه ابوسلمه مشهد برزورتر بود و یک استدلال روشن این بود که بنیاد زنگنه دارای تیمی قوی نیست و در سال ۸۰ عنوان قهرمانی باشگاههای منطقه غرب را دارا نبوده است. این مسأله درست است. این تیم بعلاوه جریانات تلخ، در فوتبال باشگاههای کرمانشاه بجائی نرسید. اما قبلاً گفته که این تیم صاحب چه اندازه های تقویت کننده است و یکشنبه میتوانست با پول نیرو بگیرد و دارای سرمایه انسانی به بشود.

من بهیچ عنوان مبلغ بنیاد زنگنه نیستم ولی وقتی از من نمونه میخواهند، مجبورم کارتم را رو کنم و بگویم با گروه بندی تیمهای دسته دوم، و عدم توجه به تیمهای منطقه غرب، چه تیمی سزاوار و چه تیمی میتواند عصای دست فدراسیون در این منطقه باشد. این دقیقاً ثابت شده که وقتی منطقه‌ای صاحب یک نماینده در جام تخت جمشید شد تا چه حد فوتبال شهر و منطقه خود را توسعه میدهد و معرفی میکند. اصفهان یک نمونه و بندرپهلوی نمونه دیگرند. آیا تا قبل از شروع مسابقات جام تخت جمشید، کسی خارج از دایره فوتبال تهران و خوزستان، به آنها فکر میکرد؟ اصفهان اسمال با دو نماینده اش از خوزستان بزرگ جلو زد و همه این چیزها در برترو واقعیتهای فوتبال مناطق است.

به این ترتیب و در پایان این بحث کشدار، نتیجه گیری من اینست که فدراسیون فوتبال گروه بندی خوزستان و منطقه غرب را تفکیک کند و با دادن امتیازاتی، تیمهای این منطقه را برای دوره چهارم جام تخت جمشید آماده نماید. که اینکه با ایجاد موانع و سدهای بیشمار، فوتبال این منطقه را در لاک خود فروبرد و یک پهنه وسیع ایران را، بدون نماینده سازد. بدون شک در جام چهارم، حتماً با یاد از غرب نماینده‌ای باشد زیرا در غیر اینصورت، نه از بنیاد زنگنه اسمی باقی میماند و نه اینکه معنی و مفهوم تعمیم و گسترش فوتبال در چهار گوشه ایران شکل می‌گیرد.

از: محمد نوری سانی

در هفته قبل فوتبالست های تراکتورسازی به کیهان آمدند و بیاتی مربی تراکتورسازی بساحی را پیش کشید و سخنانی در باره گذشته و حال و آینده فوتبال تبریز بیان داشت. پس از اینکه مذاکرات میزگرد کیهان انعکاس یافت چند تن از بزرگان فوتبال تبریز که نقش پیشگامی فوتبال این شهر را دارند اظهار تمایل کردند که بمنظور باشکوهی سخنان ایشان در میزگرد کیهان شرکت کنند، پیشنهاد ایشان را با خوشحالی فراوان پذیرفتم. آقایان بیوک صباغ (مربی سابق تراکتور سازی و مربی فعلی تیم جوانان آذربایجان شرقی)، اسماعیل هاشمی مربی باشگاه ماشین سازی - حسن نویری سرپرست تیم فوتبال راه آهن آذربایجان و محمد حسین اسماعیل زاده مربی جوانان ماشین سازی، در این میزگرد شرکت کردند.

ایشان در نشست یکساعته چنین اظهار داشتند: صباغ: آقای بیاتی از روزی که به تبریز آمدند اینجا و آنجا گاه و بیگاهی، مستقیم و غیر مستقیم گذشته طلانی فوتبال تبریز را به تمسخر گرفته اند و بطور کلی در بیشتر مساجدها و اظهار نظره های متعدد بجای

توصیه پیشکسوتان

فوتبال تبریز:

آقای بیاتی

تند نروید!

اینکه برای تقویت بنیه فوتبال تبریز بپنداشند از فوتبال گذشته و سؤالان وقت انتقاد میکنند. اعتراض ما سخنان ایشان فقط بر این نکته متکی است که میگویند: «من وقتی به تبریز وارد شدم یکمده را که در گوشه و کنار این شهر سر کوچکها فوتبال میزدند تحویل گرفتم. من نمایانم به این ادعای آقای بیاتی چرا آقای اردبیلی رئیس باشگاه تراکتورسازی - کسه در کنارشان نشسته بودند - جواب ندادند. اگر آقای بیاتی آن روزها از پیروزی فوتبال کارگران تبریز اطلاع نداشتند، آقای اردبیلی خوب میدانستند که تیم تبریز چند مسابقات کارگری کشور بر گشته بود. علاوه بر آن تا تازه از مسابقات بندرپهلوی و کرمان بازگشته بودیم. نمایانم چگونه جناب بیاتی مدعی هستند که یک عده فوتبالیست بی صاحب را از سر کوچکها برداشته اند؟ از این گذشته آقای بیاتی سفیرمانند که باشگاههای تبریز با ما همکاری نمیکنند و بار در اختیار ما نمیگذارند. ایشان خوب میدانند که قضیه از چه قرار است. اولادان یازینا ندادن

موضوعی است که بخود باشگاهها و بازیکنان مربوط است. فرض کنید عمدهای از این بازیکنان— که دانش آموز هستند— حاضر نیستند که درس خودشانرا ول کرده دوبه در اردو باشند. از طرف دیگر هیچ مربی نمیتواند بازیکن باشگاه خود را جبرا باشگاه دیگر بفرستد و با او را در اختیار تیم دیگر قرار دهد. یا اینکه کارگری که فرضاً در ماشین سازی کار میکند، محیط کار خود را بهتر از کارخانه دیگر تشخیص میدهد در این صورت چه کاری از دست مربی و یا رئیس باشگاه ساخته است؟ آقای بیاتی باید فراموش نکنند که یک بازیکن قبل از آنکه عضو باشگاهی باشد خود استقلال فکر و عمل دارد. از اینها که بگذریم تیم تراکتورسازی تا لحظه ای که تیم تبریز و یا صنعت تبریز تغییر نام ندهد هرگز نمیتواند خود را بنام نماینده تبریز معرفی کند و نمیتواند هیچ بازیکنی را مجبور نمود که در تیم تراکتورسازی وارد شود. همه این بچه ها نسبت باشگاههای خود علاقه مندند و حاضر نمیشوند بنام باشگاه دیگری توپ بزنند. باز تکرار میکنم بچه های تبریز تنها بخاطر تبریز فدا کاری میکنند نه بنام یک باشگاه مشخص. ایشان

شد، مسئولان ماشین سازی با وجود عدم همکاری گذشته آنها با توصیه کردند که از هر کمکی که از دستمان بیاید، در حق تراکتورسازی دریغ نکنیم. در ابتدای امر برای ما نامه نوشتند و چهارتن از بازیکنان ماشین سازی را بمنظور تقویت تیم تراکتور سازی از ما خواستند. ما در حضور رئیس تربیت بدنی استان با پیشنهاد آنها موافقت کردیم و بازیکن های مورد نظر را برای مذاکره با تیم تراکتورسازی معرفی کردیم اما بچه ها هر یک یک گرفتاریهای خانوادگی و یا شغلی داشتند و نتوانستند در تیم تراکتورسازی شرکت کنند. آقای بیاتی در اظهارات خودشان گذشته پرافتخار فوتبال تبریز را نادیده میگیرند و میگویند با یک پیروزی نمیتوان گل کاشت و در پاسخ این فرمایش ایشان باید بگویم افتخار فوتبال گذشته تبریز در یک بازی خلاصه نشده است. بازی تبریز با تیم رستوف شوروی الله بختگی و اتفاقی نبوده است. زیرا یکماه قبل از این واقعه، تیم تبریز در مسابقات قهرمانی ایران— که در مشهد انجام گرفت— در وقت اضافی با یک گل اشتباهی در برابر تهران با نتیجه دو بریک مقام دوم را کسب کرد. از این

ابتحال عوامل عقب ماندگی فوتبال تبریز تنها موارد مورد اشاره آقای بیاتی نیست. مثلا هیچیک از باشگاههای موجود تبریز میدان اختصاصی نداشتند از تربیت افراد جوان غافل نماندند. هر هفته دو روز برای یک باشگاه مورد نظر مثلا تاج میدان میدادند. آنها هم گروهی بازیکن معین و دست اول میداد میفرستادند. و روهفته سیاست سطح گذشته عامل مؤثر در عقب ماندگی فوتبال تبریز شمرده میشود. اما خوشبختانه در سالهای اخیر به برکت پیدایش واحدهای صنعتی در تبریز که از امکانات وسیع برخوردارند، فوتبال تبریز جان گرفته است.

تردیدی نیست که با استفاده از امکانات موجود، فوتبال تبریز تجدید حیات خواهد کرد که حداکثر تا چند سال دیگر آثار آن ظاهر میشود. همه اینها بجای خود اما این دلیل نمیشود که بگذشته درخشان فوتبال تبریز بی اعتنائی شود. آقای بیاتی نباید فراموش کنند که سالهای متمادی در کنار عزیز اصلی— که پرورش یافته تبریز است— بعنوان ذخیره کار کرده است. تبریز ارغوانها، جدیکارها، خدایرستها و دای اوغلی ها تربیت کرده است. من در

دیگر از امکانات وسیع برخوردار نبوده است. حتی زمین بازی هم نداریم. با اینحال جزو ۱۲ تیم تبریز بودیم که در برابر تیم تراکتورسازی— که از همه گونه امکانات برخوردار است— با نتیجه یک برد و یکسار رفتیم. فکر کنید اگر این همه سرمایه گذاری که در تیم تراکتورسازی میشود، در تیم راه آهن خرج گردد، با زده کار بهتر از این نمیشود؟ آیا بازیکنان جوان راه آهن— که مهره های مورد اعتماد فوتبال تبریز هستند— در یک تیم اصیل تبریزی شکل نمی گیرند؟ مربی تراکتورسازی هرماه هشت هزار تومان دستمزد تعلیم میگیرد اما تیم ما سالیانه ۸ هزار تومان اعتبار ویا بوجه ندارد!

صباح: من از آقای اردبیلی رئیس سابق حوزه مسئول باشگاه تراکتورسازی گله میکنم که در میزگرد کیهان به بازیکنان فرصت اظهار نظر و سخن گفتن نداده اند. یعنی در آن میزگرد آقای بیاتی تنها به قاضی رفتند. آیا بهتر نبود خود آقای اردبیلی در پاسخ گفته باشد ایشان در همان میزگرد حقیقت را بیان میکردند؟ همین تراکتور سازی با چهار سال سابقه درخشان— که تاکنون سه مربی عوض کرده است— در برابر تیم های پراسابقه مانند تاج و مهد



فقط اصالت تبریزی میتواند یک تیم محبوب آذربایجانی بسازد

هر اندازه به تیم تراکتورسازی تبریز رنگ تبریزی بدهند باز اصالت تبریزی ندارد همه میدانند تیم تراکتورسازی تیمی است باشگاهی مشکل از بازیکنان غیر تبریزی اگر آقای بیاتی نمیدانند دیگر مسئولان ورزش تراکتورسازی مطلعند سال گذشته وقتی ماشین سازی راهی جام تخت جمشید شد، تراکتورسازی از بابت یار آنها را کمک کرد پس چیزی که عوض دارد گله ندارد!

هاشمی مربی ماشین سازی: آقای بیاتی از عدم همکاری ماشین سازی با تیم تراکتورسازی در میزگرد کیهان مطالبی بیان داشته اند. برای اطلاع ایشان لازم است به این موضوع اشاره کنم که سال گذشته وقتی ماشین سازی بعلت ضیق وقت قادر نبود از شهرستانهای دیگر یار بکنک بگیرد، دست دوستی بسوی تراکتورسازی دراز کرد. اما آنها حاضر نشدند حتی یک نفر از بازیکنان خودشان را در اختیار مسا قرار دهند. وقتی این ماجرا گذشت و تراکتور سازی نامزد شرکت در جام تخت جمشید

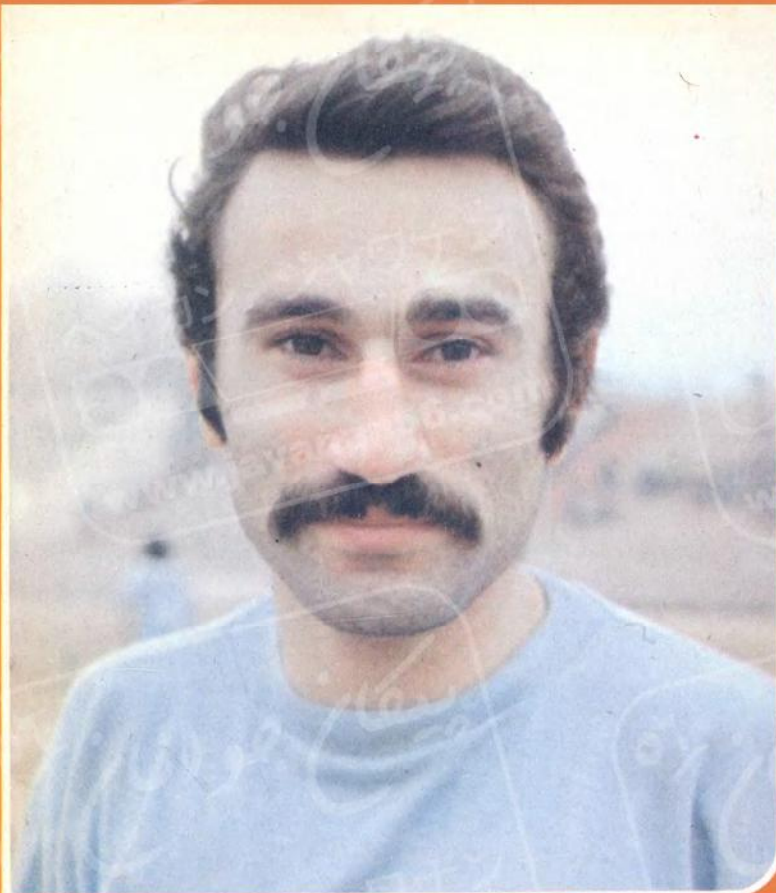
گذشته شما خودتان شاهد هستید که تیم تبریز در مسابقات رستخیز ملی کیهان (در سال ۳۴۳، در تبریز) در کشور مقام اول را کسب کرد. باز تیم تبریز در مسابقات کرمان مقام دوم را بدست آورد. این ها خلاصه ای از پرورده طلایی فوتبال تبریز است که آقای بیاتی خودشان خوب از آن مستحضرند. اما با این وصف میفرمایند من وقتی به تبریز آمدم عمده ای در کوچه ها فوتبال میزدند و آنها را بمن سپردند.

صباح: آقای بیاتی نیک میدانند که جز تیم تهران و خوزستان تیم مقتدری برای روبروشدن با تیم تبریز نبود. پرورده فوتبال تبریز روشن است. یک مرور کوتاه بگذشته آن نشان میدهد که از سال ۳۳۰ تا ۳۴۰ تبریز در هیچیک از مسابقات قهرمانی ایران از رده سوم پایین تر نرفته است. یعنی همیشه قهرمان بوده اما با این نظر آقای بیاتی موافقم که در خلال سالهای گذشته در فوتبال تبریز وقتهای حاصل شده. عمدهای از بازیکنان خوب تبریز کنار رفته اند و مسا نتوانسته ایم جای آنها را پر کنیم. با

حیرتم که ایشان چگونه اینها را لگدمال میکنند؟ در ما اینست که ایشان در تهران سکونت دارند و همیشه در بورس بوده اند و ما در تبریز زندگی میکنیم. فرض کنید همین تیم تراکتورسازی— که سال گذشته افتخار میبری آنرا برعهده داشتیم آنهم با چهار صد تومان حقوق— دوسال مداوم در تبریز مقام اول را کسب کرد و موقعیت بهتری نسبت به امسال داشت. با این وصف آقای بیاتی که هشت هزار تومان ماهانه پول میگیرند و همه میدانند که با چه کیفیتی در زمین متعلق بخودشان در برابر تیم راه آهن تبریز با نتیجه یک بر صفر موفق شد در صورتیکه اگر این بازی در میدان ورزشی باغ شمال انجام میگرفت، محال بود تراکتورسازی مقام اول را کسب کند. کاری نداریم که این گشاد بازیها از کجا سرچشمه میگیرد اما حرف ما به آقای بیاتی اینست که: « آقای بیاتی تند نروید ».

سرپرست تیم راه آهن: تیم راه آهن تبریز مثل قارچ از زمین سر کشیده و بزرگ شده است. تیم ما مانند بعضی از تیم های

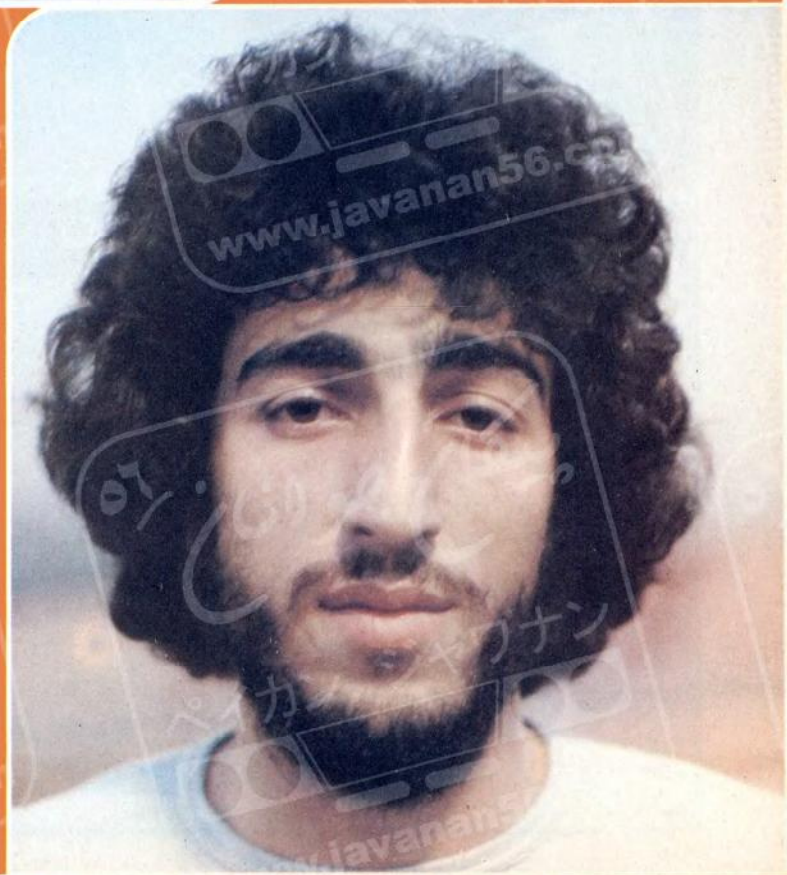
تبریز، دوسال بی دربی بنام دومی دست یافته و در دوسال آخر نیز اول شده است. میسرسم چنین تیمی چگونه در کوچه ها افتاده بود که آقای بیاتی بلندش کرده اند؟ تعجب ما بیشتر از اینجاست که آقای بیاتی کمبودهای تبریز را از تیم لرستان تأمین میکنند. ایشان اگر از یاران تهران و خوزستان برای ترسیم تیم تبریز بهره می گرفتند باز حرفی بود. اما چرا از تیم لرستان؟ تیم لرستان اگر به لطف بلند یک گل زده، دلیل این نمیشود که چنین تیم به تبریز برتری دارد و تصور نمیکند لرستان؟ تیم حساب آتایی درست از آب درآید. منظورم اینست که اگر آقای بیاتی میخواهند به تیم تراکتورسازی شکل دهند، باید دنبال تیم های بهتر از تبریز برونند نه تیم لرستان که کبسه بشت زنی تبریز بوده و بارها در مسابقات قهرمانی ایران با نتایج و ۳ و ۱ گل از تبریز شکست خورده است. با اینحال نمیخواهیم بچه های لرستان را که **بقیه در صفحه ۳۲**



دومهاجم تیز تک از دسته اول در فوتبال تخت جمشید

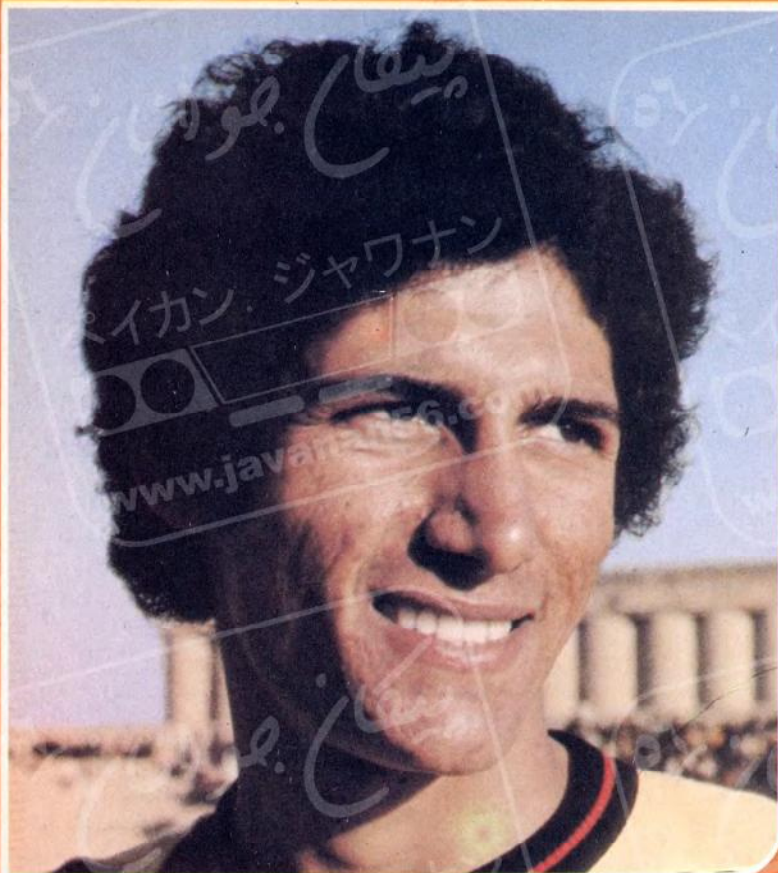
رویکت قورهایانس گوش چپ سریع و فنی تیم آارات که به همراه تیمش به سومین دوره جام تخت جمشید راه یافته، با درخشش فراوان همواره یکی از نقش آفرینان مؤثر تیم خود در مسابقات باشگاههای دسته اول تهران بوده است.

قورهایانس در فوتبال جام تخت جمشید میدان وسیعتری برای بروز استعدادش خواهد یافت.



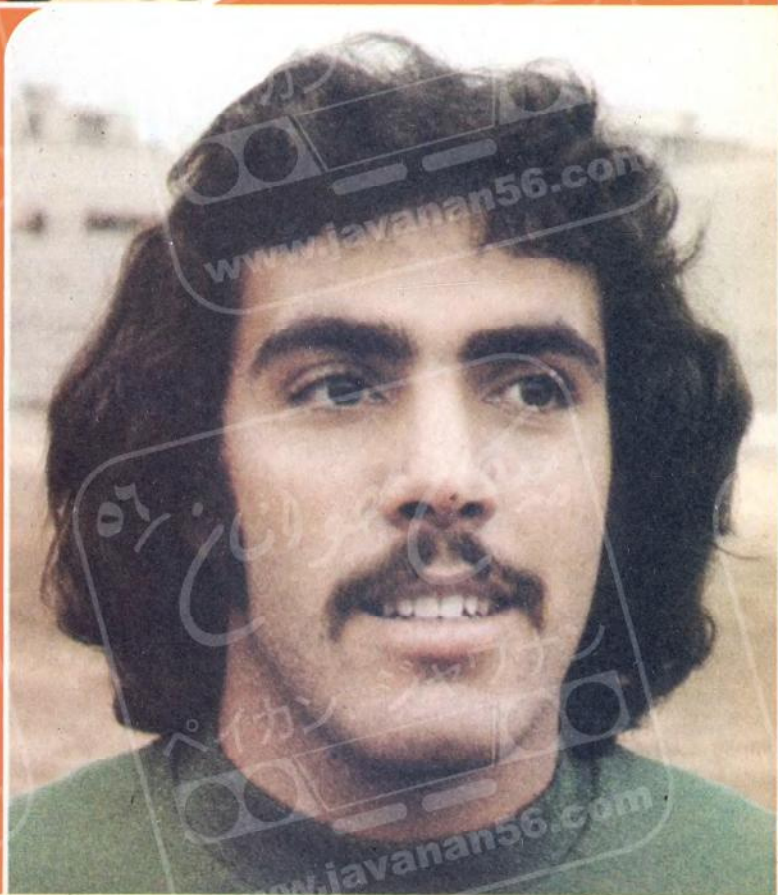
ناصر نورایی مهاجم نوک تیم پیام از جمله بازیکنانی است که با سرعت و مهارت ویژه خود در ضربه، همواره در طول فصل مسابقات دسته اول برای دروازه های حریف خطر آفرین بوده است.

نورایی از دوره سوم جام تخت جمشید در کنار بازیکنان هما به میدان خواهد آمد.



مشکل ملی پوشان جوان را شریفی و عبداللہی حل میکنند؟

حبیب شریفی مهاجم خوزستانی تیم ملی جوانان یکی از بازیکنان باقیمانده از تیم قهرمان آسیا در سال گذشته است. امسال تیم ملی جوانان برخلاف سال گذشته با مشکلاتی در خط حمله روبرو است که بازیکنی نظیر شریفی تا هنگام شروع مسابقات باید قسمتی از این مشکل را حل کند تا بتوانیم از دو عنوان قهرمانی در آسیا و جام ولیعهد پیروزمانده دفاع کنیم.



الباس عبداللہی هافبک تیم ملی جوانان، از شیراز آمده و بلفظ خوش فکری و استعدادش میتواند امید بزرگی برای خط میانی جوانان ملی پوش باشد. در خط میانی نیز تیم ملی جوانان هنوز بقدرت سال گذشته نرسیده است.

کاراته بازان ایران به آلمان غربی رفتند

تیم ملی کاراته ایران متشکل از ۱۰ کاراته باز پنجشنبه برای شرکت در یک دوره مسابقه بین المللی به برلین غربی رفت. در این مسابقه ها علاوه بر تیم ایران، تیمهای کاراته آلمان غربی و انگلستان (قهرمان جهان) شرکت دارند و تیم ایران بعد از انجام مسابقه ها به سوئیس می رود و

چند دیدار دوستانه هم در آنجا انجام میدهد. قهرمانان اعزامی به آلمان و سوئیس عبارتند از: هوشنگ اتحاد، فرزاد فغانی، محمد رضا نصرتیان، کیارش دلیلی، جمشید سلیمی، شهرام معصومی، محمود آریان خو، کامران کیهانی و علی رضا احسانی. فرخ شفق از فرانسه به تیم ملحق میشود. سر پرستی این عده را فرهاد اورسته (رئیس فدراسیون کاراته) عهده دار است.

جام فوتبال جوانان برای کشورهای عربی

به پیشنهاد فدراسیون فوتبال عراق برای پیشرفت فوتبال کشورهای عربی، برای نخستین بار جام فوتبال جوانان کشورهای عربی برگزار خواهد شد. در جلسه‌یی که برای چگونگی انجام این مسابقه‌ها در بغداد برگزار شد، نمایندگان کشورهای شرکت کننده تصویب کردند که جوانان حق شرکت در نخستین دوره

این مسابقه‌ها را دارند که تا آخر سپتامبر ۱۹۷۵ (سال جاری) کمتر از بیست سال داشته باشند. «قادیسیه» قهرمان فوتبال

کویت شد

مسابقه‌های فوتبال قهرمانی باشگاه - های کویت - که از چندی پیش آغاز شده بود - سرانجام با قهرمانی «قادیسیه» پایان یافت. در این دوره از مسابقات، تیم های کویت و العربی دوم و سوم شدند.

توصیه پیشکسوتان فوتبال تبریز: بقیه از صفحه ۴۹

به کلمه تبریز است. کتمان نمی کنیم که فوتبال تبریز از نکته نظر مهارت های فنی و تا تکنیک انفرادی از بعضی تیم ها ضعیف تر است. از این روی بازیکنان تبریزی در هر بازی اگر نتیجه ای کسب کند، مداری از روی قدرت تعصب تبریزی است. پس چنین نتیجه گیری میکنند که اگر کلمه «تبریز» روی لباس تیم تراکتورسازی ثبت نگردد، هیچ بازیکنی از آن نیروی قدرتی که از تعصب به شهر خود بکار میگیرد، استفاده نمیکند. این حقیقتی است که باید آقای بیانی آنرا بپذیرند و مسئولان ماشین سازی و تراکتورسازی هم قبول کنند. اسماعیل زاده: آقای بیانی در سخنان خود روی فوتبال تبریز خط قرمز کشیده اند. بنظر من اظهار نظر ایشان درباره فوتبال تبریز از دو حال خارج نیست. اول اینکه ممکن است که این جناب از فوتبال تبریز شناخت خوبی نداشته باشد و دیگر اینکه بنظر ما اگر واقعاً اعتقاد بگفته خودشان دارند، چرا چنین مسئولیتی را قبول کرده اند؟ زیرا وقتی کسی معتقد بر این باشد که تبریز استعداد فوتبال ندارد، قاعدتاً تلاش او بی فایده است. در غیر اینصورت این توهم پیش می آید که منظورشان از قبول این مسئولیت فقط تجارت بوده است. آقای بیانی در چنین شرایطی میتواند نسبت به تیمی که رویش کار میکنند قلباً علاقه مند باشند. این تماشاگر تبریزی است که از ترکیب غیر محلی تیم - که بنام «تبریز» شکل گرفته - ناراضی است.

صاف و ساده برایتان بگویم تا وقتی که روی پیراهن بازیکنان تیم تراکتورسازی کلمه تبریز آذربایجان نقش نبسته است، هیچ مقامی قادر نخواهد بود نیروی واقعی فوتبال تبریز را در یک تیمی متمرکز سازد. نمونه اش این است که همین چندی پیش تیم ضعیف جوانان آذربایجان را به اسفهان بردیم در این ۶۰ تیم شرکت کننده مقام سوم را کسب کردیم در حالی که خود اسفهان در شهر خودشان که چهار ماه در اردو بود و همچنین مشهد در آن مسابقات اوت شدند. علت پیروزی تیم تبریز چه بود؟ همان کلمه «تبریز». یعنی بخواهیم بگویم جوانان ما به کلمه تبریز تعصب فراوان دارند. فوتبال تبریز را برای شما خوب تشریح کنیم. مطمئن باشید اگر فوتبال یکصد نفر داشته باشد پنجاه درصد از موفقیت بازیکنان تبریزی ناشی از غیرت و تعصب تبریزی بودن است و حساسیت آنها

رحمت الله غفوریان:

است، ما باید بفکر آموختن یا دنبال کردن فنون امتیازآور باشیم و بیشتر به کشتی در سرا توجه کنیم. البته این بدان دلیل نیست که کشتی در خاک را فراموش کنیم. چون بیشتر قهرمانان حریف را خاک می کنند و بعد با اجرای فنونی در خاک پشت او را به تشک می رسانند.

ولی وقتی ما فنونی در اختیار داریم که با اجرای صحیح دو تا از آنها قدریم هشت امتیاز جمع آوری کنیم، چه دلیلی دارد که دنبال فنون کم امتیاز مانند خاک کردن برویم؟ چون اجرای دو فن کامل در سرا حریف را بخطر می اندازد یا بل می برد و اگر شکست دار باشد حاصل آن هشت نمره است، اما اگر با صرف نیروی زیاد بتوانیم حریف را هشت بار خاک کنیم تازه به اندازه اجرای آن دو فن امتیاز اندوخته ایم. برای همین است که من معتقدم باید دنبال فنون امتیازآور و در عین حال زیبا برویم. مانند زیره های دو خم که حریف را روی دست بلند می کنیم و بعد با دست درمخافت او را روی تشک می گوئیم. یا زیر یک خم و سر زیر بغل که تبدیل به حمل بند می شود یا اجرای یکسخت و یکپا که زانو با روی تشک تماس نداشته باشد. فن کمر، لنگ مغربی (توردوریا) و ...

آمادگی بدن

مسئله دیگر آمادگی بدن برای دقیقه مقابله و یا مبارزه سخت و فشرده است. که در درجه اول باید سعی کنیم با صرف انرژی کمتر امتیاز بیشتر یا حاصلی خوب بدست آوریم و این همان چیزی است که با توجه به فنون امتیازآور میسر می شود. برای شگرد ساختن یا ملکه کردن فنون امتیازآور، ما باید فنون دلخواه و مورد پسند را مرتب مرور کنیم و برنامه ای برای مرور فن در نظر بگیریم تا کشتی گران قبل از تمرین جدی ضمن آماده ساختن بدن خود، بفکر شگرد ساختن فنون امتیازآور باشند.

در این راه به چند مسئله باید توجه کنیم و آن سرعت، دقت و قاطعیت است. یعنی باید حریف را سریع بگیریم و با دقت فن را روی او اجرا کنیم و با قاطعیت براو غلبه نماییم.

برنامه تمرینی

در مورد برنامه تمرین به دگرگونی

بقیه از صفحه ۲۰

و تحولی عمیق نیاز نداریم بلکه باید در چند مورد آنرا ترسیم کنیم. بقیه من برای ازدیاد نفس و آمادگی لازم کشتی گران برای دقیقه مبارزه فشرده باید علاوه بر تمرین کشتی، برنامه های دیگری نیز در نظر بگیریم. چون تمرین کشتی به تنهایی نمیتواند در آمادگی بدنی و تأمین نفس لازم کشتی گران مؤثر واقع شود. زیرا تمرین جدی برای بیداری بدن و هوشیار ساختن کشتی گران و دوام با استحکام بخشیدن به بدن کشتی گیر مفید است و از نظر پیشرفت تکنیک نیز می تواند مؤثر باشد. اما برای آماده ساختن بدن باید یک برنامه جداگانه در نظر بگیریم و آن کوه یمایی دو میدانی، ورزش باوزنه و ... است که البته وقتی کشتی گران منتخب برای مسابقه های بزرگ بین المللی در اردوی تدارکاتی فدراسیون کشتی ایران مستقر می شوند و کاملاً در اختیار کشتی هستند، می توان روی آنان بیشتر کار کرد و تعداد جلسات تمرین های هفتگی را به شش نوبت افزایش داد. چون اینان، هم استراحت لازم و هم از تغذیه خوب در اردو برخوردارند و می توان در برابر سوخت بیشتری که به بدن آنان می دهیم کار بیشتری بکشیم و آنها را برای دقیقه مبارزه آماده سازیم.

برنامه بدن سازی

بنظر من برنامه بدن سازی برای مبارزه و دقیقه ای باید از برنامه تمرین کشتی جدا باشد و توجه لازم را به این مسئله بکنیم. قبل از تمرین نیز باید عضلات کشتی گران را با نرمش های متناسب و برنامه های اصولی کاملاً گرم و نرم سازیم و بعد اجازه زور آزمایی به آنها بدهیم.

در پایان لازم است به این نکته هم اشاره کنم که مقررات جدید نیاید برای سربان، داوران و کشتی گران و حشمتاک جلوه کند. زیرا همانطور که اشاره شد، ما برای منطبق ساختن خود با مقررات جدید در کشتی آزاد آمادگی داریم و خوشبختانه فدراسیون کشتی ایران در فاصله بستیار کوتاهی مقررات جدید را ترجمه و بصورت بخشنامه یی منتشر ساخت و از نظر عملی نیز تشکیل کلاس هایی را در نظر گرفته است که بمورد ایجاد می شود و ما را قادر می سازد که بسرعت با مقررات جدید آشنا شویم.

شوخیهای هفته

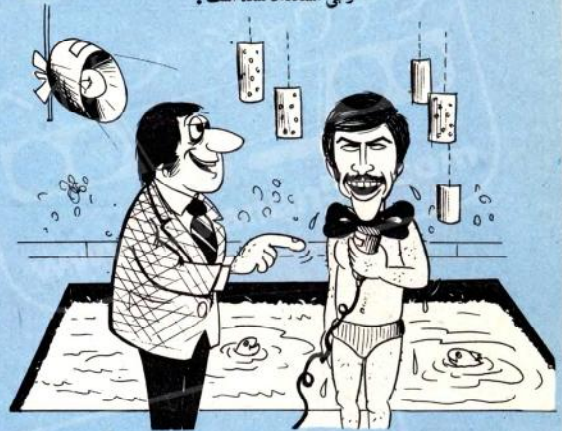
از
عبدالله نیا

اوفارل در اکثر مهمانی‌ها همراه فوتبالیست‌ها میرقصد.



این به اون: به این بارو هم آکه میدون بدن، خوش می‌رقصه‌ها

مارک اشپیتز قهرمان هفت مداله شای المپیک مونیخ یک شومن لوس بی‌سزه و بی استعداد شده است.



ایرانی به اشپیتز: خودمونیم رفیق، تو هم با این شوها که اجرا میکنی، خوب روی تابش، قریب افشار و فرخزاد مارو سفید کردی!



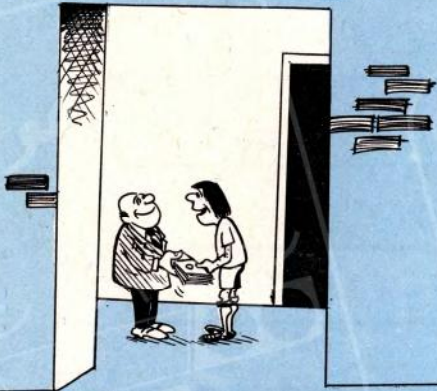
یکی از قهرمانان واترپلو به تمام کسانی که باو سلام میکردند یک بلیت ورود به مسابقات واترپلو را میداد — با جونم این بلیت، اینهم شماره تلفنم!

خلیلیان هم در پاس بازی میکند و هم در ابوسلم!



خلیلیان: خوب آقا حالا تا تیمه دوم شروع بشه من برم چند تا توپ هم واسه ابوسلم بزنم، برگردم.

مدرسه عالی ورزش
بنگاه معاملات بازیکنان
رهزن و اجاره هم داده میشود



مدرسه عالی ورزش از هم اکنون باتوق بازیکنان واسطه‌ها شده است



بلیت موجود است
اگر رفتن پول محذوم
نسیجیم داده میشود

بلیت‌های مسابقه واترپلو را یک دخترخانم هیبی در ازای تشکر و بوسه و گاه لبخند مشتریان مجانی به مردم میداد!

ورزشکاران خیلی خوب آگاهند که قهرمان شدن

ZUNDAPP یعنی چه!

زوندآپ: قهرمان موتورسیکلت‌ها در مسابقات

جهانی موتورسواری سالهای ۱۹۷۳ و ۱۹۷۴



موتوراما لذت و هیجان را.....

شرکت موتوراما: واردکننده انحصاری موتورهای زوندآپ

MOTORAMA

تهران - خیابان ایرانشهر جنوبی ساختمان نوربانی

تلفن ۸۲۳۹۸۴ - تا ۸۲۳۹۸۸

گفت و شنودی با سرپرست تیم واترپولو مصر

واترپولو در مصر سابقه چهل و سه ساله دارد

تیم مصر، تیم برتر افریقا است

سالی سه بار مسابقات واترپولو داریم

در المپیک مکزیکو، تیم مصر جزء شش تیم اول بود

پس از پایان مسابقات تیم واترپولو جمهوری عربی مصر در تهران فرصتی دست داد تا - در میهنانشی قدرانیون شای ایران - که به افتخار بازیکنان دو تیم ترتیب یافته بود - با مهدیس «رمزی رندی» سرپرست و کمال فیض الله مربی تیم واترپولو مصر در باره کم و کیف سابقه قهرمان قاره سیاه در این رشته آشنا به صحبت بنشینیم. رمزی رندی در باره سابقه واترپولو در مصر و شرکت تیم ملی این کشور در مسابقات های مختلف گفت:

«واترپولو در مصر از دهه ۱۹۳۰ تا ۱۹۴۰ یعنی از ۱۹۳۲ که جوانه گرفت و در پی آن تیم ملی واترپولو کشور ما ز سال ۱۹۴۸ تا ۱۹۷۲ به غیر از دو المپیک ملبورن (۱۹۵۶) و مونیخ (۱۹۷۲) - که نتوانست شرکت کند - همواره در بازیهای المپیک بعنوان یکی از تیم های لوی شرکت داشته و بهترین نتیجه را هم در المپیک مکزیکو یعنی سال ۱۹۶۸ بدست آورد که جزء شش تیم فینالیست بود. یکی از دیدارهای داغ و پر جوش و خروش دوره نهایی مکزیکو سینی سابقه تیم های ملی مصر و مجارستان بود که با نتیجه مساوی ۳ بر ۲ خاتمه یافت ولی به خاطر اعتراض مصریها به امر مسابقات، این بازی تجدید نظر شد که این برای اولین بار و شاید برای آخرین بار بود در دنیا که سابقه بی تجدید میسر در دیدار دوم خود ۳ بر ۵ مغلوب تیم مجارستان شده که البته در آن سال مجارستان صاحب عنوان قهرمانی المپیک گردید. بعداً مصر در برابر تیم ملی فرانسه تنها با یک گل شکست خورد.»

او ادامه داد «شما میدانید که کشور من بر اساس سال ۱۹۶۷ با اسرائیل وارد جنگ شده و در حقیقت می توان گفت که این جنگ از سال ۱۹۴۸ همچنان تداوم یافته و با توجه به موضوع سهم دفاع از آب و خاک خود، اهمیت دادن به ورزش سهم کمتری بخود اختصاص داده و خواه و ناخواه این امری است طبیعی که شرکت مصر در مسابقات بین المللی و بازیهای المپیک و دیگر مسابقه ها کمتر از گذشته شده و بویژه طی هفت سال اخیر که از جمع ۲۴ تیم دسته های اول و دوم (۱۲ تیم دسته اول، ۱۲ تیم دسته دوم) تنها هشت تیم بزرگ از واترپولو در مصر بجای مانده ولی با همه این مسائل و خرابیهای جنگ زوئن ۱۹۶۷ هم اکنون در مصر در حدود یک هزار و دویست شناگر در قهرمانی کشور شرکت میکنند و ۷۰ استخر شنا وجود دارد که همواره این تعداد از شناگران در مسابقه های قهرمانی مصر شرکت میکنند. ناگفته نماند که بیشترین

امکانات شنا و واترپولو ما در قاهره متمرکز شده است.»
از رشدی درباره مسابقات داخلی واترپولو در مصر و چگونگی آن می پرسیم، «ما اصولاً در مصر صاحب سه نوع سابقه سالیانه برای واترپولو هستیم که یکی بطور حذنی انجام میشود و دیگری مسابقات قهرمانی جام جمهوری است و سومی سابقه های قهرمانی قاره است که در زمستانها برگزار میشود و برای باشگاه های مصر نیز مسابقات دوره ای منظور شده است که سالی دو بار انجام میشود و این دوره از مسابقات بصورت رفت و برگشت برگزار می گردید که از سال گذشته افراد این گونه دیدارها به سه دوره افزایش یافته که دو دوره آن در استخر سرباز و طی آنه دو تیم «الجزیره» و «ایوبلس» با بازی برتر خود رقابتی بیش از دیگران داشته که در نتیجه تیم ایوبلس قهرمان شد و الجزیره در مکان دوم قرار گرفت، بعد از این دو تیم های «شرکت قند» و «باشگاه ملی» در ردیف های بعدی قرار دارند.»

صحبت را به عنوان مرتبه تیم ملی واترپولو مصر در کشورهای عربی و افریقا می کشانیم، او میگوید:
«مصر در واترپولو نسبت به سایر کشورهای عربی متوسطی بالاتر قرارداد و همواره در مسابقه با تیم های این کشورها برنده بوده است و اما دو باره واترپولو این منطقه باید بگویم که تیم ما باز هم در این منطقه برتر است کما اینکه در مسابقه های سال گذشته آفریقا و در دیدار نهایی - که بطور رفت و برگشت انجام شد - تیم نجریه حریف خود را ۲ بر ۱ و ۲ بر ۱ شکست دادیم ولی در حال حاضر در این قاره بعد از مصر تیم های الجزایر و تونس برتر هستند.»

نظر رمزی را درباره واترپولو ایران و مسابقاتی که در کشور ما برگزار کرده اند می پرسیم، جواب میدهد:
«در سال ۱۹۷۲ که برای شرکت در مسابقات واترپولو ارتش های جهان به همراه تیم مصر به تهران آمدم بودم بیشتر بازیکنان فعلی شما را به همراه تیم ارتش ایران دیدم که به جز قتی چند از آنها بقیه خوب نبودند و اصولاً می توان گفت که در آن موقع ایران صاحب تیم نبود بلکه دارای بازیکنان مظهره شنا بود که بازی آنها هماهنگی نداشت درحالیکه در دیدارهای اخیر تیم نوبلی ایران را بر قدرت دیدم و این ساخته و پرداخته نگردیده مگر به دلیل توجه شاهنشاه شما به اسر ورزش

از علی بدر

مردم ژاپن به واترپولو بوده است. و اما درباره چین باید بگویم که هنوز من موفق به دیدن بازی تیم این کشور نشده ام ولی شنیده ام که چین دارای تیم هایی خوب ولی کم تجربه است و در پایان از تیم ایران میزبان سابقه ها بگویم که می گویند در بازیهای آسیایی با قدرت ظاهر شده و نمایشی جانب از پیشرفت خود را به تماشاگران انبوه این رشته ارائه کرده است.

«در پایان گفته هایم باید از این همه محبت و علاقه مسؤولان و مردم ایران در استقبال و پذیرائی از تیم واترپولو مصر تشکر کنم. امیدوارم این گونه سفرها بطور رفت و برگشت بین دو کشور ادامه یابد و برادران ایرانی ما در تمام اسر به موفقت های بیشتری نایل آیند.»

پس از گفت و گو با رشدی به سراغ «کامیاض الله» مربی تیم واترپولو مصر رفتم. یک که در سال ۱۹۴۷ یعنی هتکابیکه بیش از چهارده سال نداشت. وارد تیم ملی واترپولو مصر شده و هم اکنون پس از گذشت سالیان دراز در سمت مربیگری تیم ملی خود خدمت می کند، درباره تیم مصر گفت: «خواهش می کنم با توجه به این موضوع که بیشتر بازیکنان مصری اهل قاهره هستند مطلق باشید که در برابر تیم تهران تیم قاهره بازی کرد نه تیم ملی مصر. (او اولین موضوع را از روی عنوان کیهان ورزشی شماره ۷۸، ۱۰ توجه شد) چه همواره تیم های ملی کشورها با هم بازی می کنند نه یک تیم ملی با تیم یک شهر و اما بازیکنان تیم ملی مصر همگی بین ۱۰ تا ۲۲ سال دارند و تنها دو بازیکن ۲۳ و ۲۴ ساله داریم بنابراین مصر صاحب تیمی است جوان و با آینده.»

او افزود: «جوانان ایران در سطحی نسبتاً خوب هستند و می توان به آنها امیدوار بود. بهترین بازیکن شما در تیم جوانان «شهناز زندگی» بود که بازی درخشانی ارائه کرد. ولی بطور کلی بازیکنان ایرانی همگی خوب بودند بخصوص در شوت کردن و هماهنگی تیمی.»

ایران و دیگری رسیدگی مسؤولان ورزش به نحوه تمرین و کار ورزشکاران که گویای کار صحیح آن ها است و دیگر اینکه شما هم اکنون صاحب امکانات عالی هستید بویژه استخر شنا آریامهر که یکی از بهترین است در دنیا و می توان گفت که فوق مدرن می باشد.»

او افزود: «در دوین مسابقه ما که با تیم ملی جوانان شما برگزار شد، اکثر بازیکنان مصر جوان و زیر بیست و یک سال بودند چه اصولاً ما در مصر بخاطر کمبود بازیکن، تنها صاحب یک تیم ملی هستیم پس می بینید که تیم ما هم جوان بوده است. هر چند جوانان شما هم در مقابل ما خوب بازی کردند و می توان گفت که در صورت توجه آینده بی خوب خواهند داشت.»
نظر سرپرست تیم مصر را درباره واترپولو در آسیا و اصولاً واترپولو در بازی های آسیایی تهران می پرسیم، می گوید:

«بطور کلی واترپولو در آسیا تا بحال بطور جدی قوی و تهدید کننده نبوده است ولی از سال ۱۹۶۳ که ژاپن بطور جدی این رشته را برای شرکت در المپیک توکیو دنبال کرد، پیشرفت زیادی نمود و با سفرهایی هم که به کشورهای اروپایی کرد، صاحب تجربه نیز گردید ولی بعد از المپیک توکیو این فعالیت بطور محسوسی کم شد که شاید این به علت عدم علاقه

امپال سرکش جوانی

بقیه از صفحه ۱۸

علاقه مند خود از راه تماشای مسابقات در میدان از تلویزیون یاد میگیرند و فوتبال چیزی است که باید در خون جستجو شود و هر بچه ای مقداری از آن را در خون خود دارد. ما فقط امکان بروز آن را فراهم میسازیم. کار آموزش دقیق بعهده باشگاهها در سنین بعد از جوانی است که آنها فقط به سرمت و اصلاح می پردازند.»
این جلسه ای از تمرینات بچه ها بود که از سوی باشگاهی ترتیب یافته بود و گرنه در بسیاری از باز کها و چین زارهای طبیعی، گروه های مختلفی از سنین مختلف بگرد هم جمع میشوند و خود بازی میکنند. چون ما که در روزهای جمعه بصورت

خانوادگی بیرون شهر میرویم و در آنجا به بازیهای مختلف می پردازیم. تفاوت بزرگ غرب و شرق در این است که در غرب معتقد میشوند که فوتبال یا ورزش، نیازی حیاتی و اولین است که انسانها خود به جستجوی آن برای رفع نیاز میروند و در شرق فوتبال یاد دیگر رشته های ورزشی هنوز چیزی است که باید تعلیم داده شود و برای مقصود خاصی صورت میگیرد. کما اینکه در جمله درسهای فوتبال که جلسات آموزشی نظری نام دارد، اصول عقاید حزبی و مسلکی نیز یک ساده مشخص و اجباری است و مربیان باید به رموز آن آشنا بوده و در کلاس درس مربوطه حضور یابند و خود همراه طفل در این زمینه حرکت کنند و در تمام حالات و عملیات هوشیار بر درمات قبول بچه ها باشد.

(ناتمام)

غذای آماده میهمانی - ۱۹۹۰ ریال

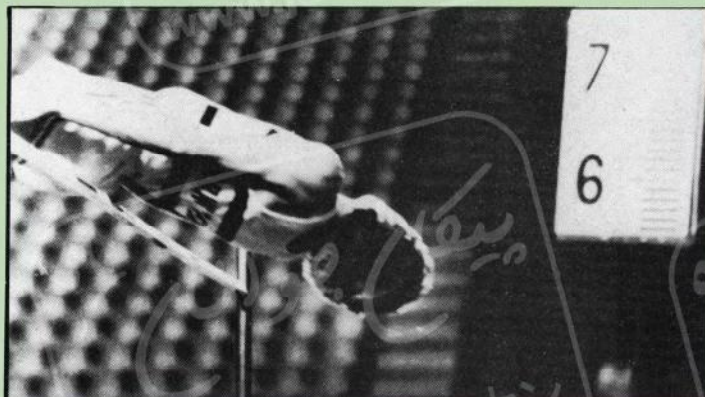
۳ نوع غذای خوب. انواع سالاد. سرهای خوشمزه

با سفارشات تزئینی. تحویل و پذیرائی در منزل - تلفن ۶۶۳۴۵۵

بازتاب رویدادها

لحظه رکوردشکنی

دوایت استونز آمریکایی در حال عبور از مانع پرش ارتفاع دیده میشود (سمت چپ). او با موفقیت از مانع گذشت و رکورد قدیمی داخل تالار جهان را—که متعلق به والری پروسل قهرمان شوروی بود—نیم اینچ شکست. استونز با عبور از ۷ فوت و پنج اینچ (۲/۲۶ متر) بر رکورد ۶ فوت و چهارونیم اینچ (نزدیک به ۲/۲ متر) قدیم خط کشید. تصویر دیگر چهره شاد استونز را بعد از موفقیت در تلاش دومش نشان میدهد.



حرکت « هات داگ » در آسمان!

در لیزین سوئیس اخیراً مسابقات مقدماتی اسکی قهرمانی جهان با حرکات آکروباتیک انجام گرفت، این مسابقات در دو قسمت انجام شد یکی پرش و دیگری باله. این حرکت تماشایی که در عکس ببینید به حرکت پرش « هات داگ » مشهور است.



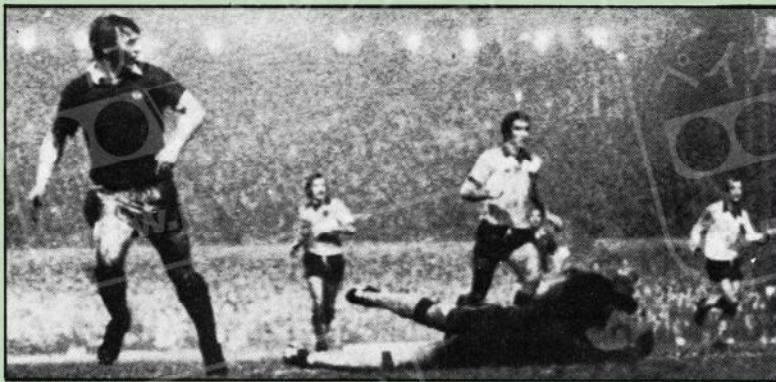
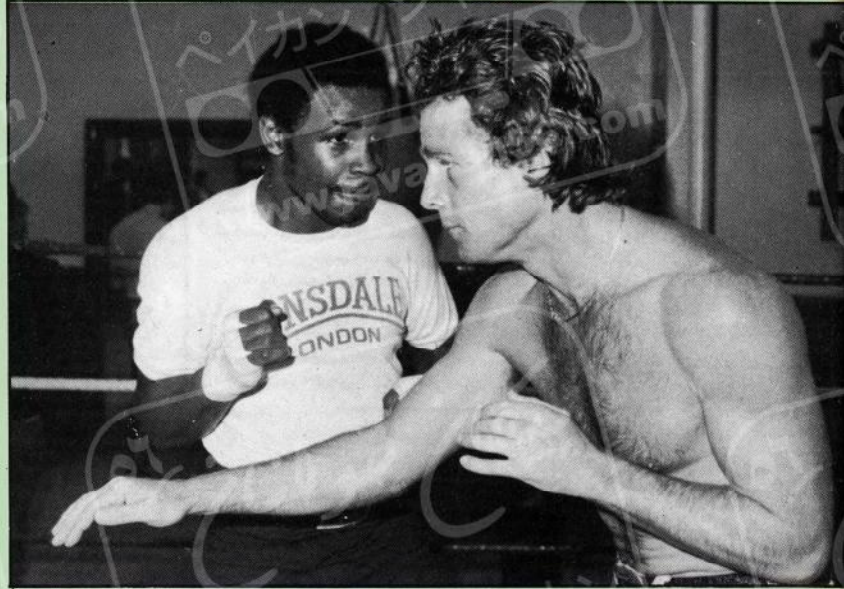
عروسک المپیک زمستانی ۱۹۷۶.

هفته پیش این سه آدم برلی اسکی باز—که شبیه به عروسکهای دنیای والت دیزنی ساخته شده است—در دامنه شیبی که خط پایان مسابقه سرعت مسابقات قهرمانی جهان بود، به نمایش گذاشته شدند و عروسک رسمی بازیهای المپیک زمستانی ۱۹۷۶ در اینسبروک شناخته شدند.

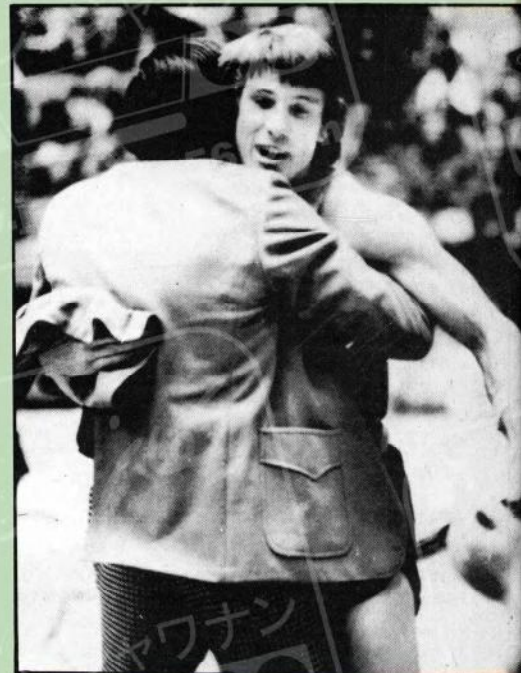
آیا جورج بست به آمریکا می‌رود؟
 کلیوتوی مدیر تیم فوتبال کاسوس نیویورک اظهار کرده است که انتظار دارد باشگاه منچستر یونایتد تصمیم خود را برای دادن رضایت‌نامه و آزاد کردن جورج بست بگیرد.
 او اکنون همانطور که در این تصویر می‌بینید محروم از فوتبال در پارک مرکزی نیویورک باکت و شلوار مشغول بازی با توپ است.



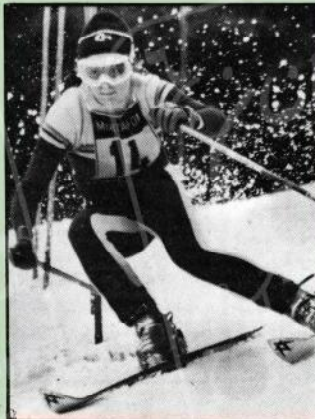
رادنی پیتون پلیس، مشت‌زن شده است.
 رابان اونیل هنرپیشه آمریکایی سینما در این تصویر چهره ورزشکارانه خود را نیز نشان می‌دهد و همراه دوستش همگون لونیس (چپ) از کالیفرنیا در یک تمرین با مشت‌زن خیالی در تالار مشت‌زنی بریتانیا دیده می‌شود. این تصویر بهنگامی است که لونیس برای مسابقه‌اش با جان استریسی قهرمان اروپا و بریتانیا در دسته نیم‌وزن تمرین می‌کرد. اونیل که همان رادنی مشهور سریال تلویزیونی پیتون پلیس است لونیس را ۹ سال پیش در سالن‌های زیرزمینی مشت‌زنی کشف کرد و پیش‌بینی نمود که دوست سیاه‌پوست قدیمی‌اش در کمتر از ده دوره قهرمان اروپا را از پای در خواهد آورد.



نا کامی همب الکن‌های منچستر یونایتد
 بعضی نیست که منچستر یونایتد بزرگ بدسته اول فوتبال انگلستان باز خواهد گشت زیرا در دسته دوم پیروزیهای بزرگی بدست می‌آورد و بلاسازع صدر نشین شده است. اما این تصویر یکی از گل‌های از دست‌رفته منچستر یونایتد را در جام حذفی نشان می‌دهد که برای آن کرین هاف از منچستر کویین کیلان دروازه بان نورویج را مغلوب کرده اما شوت او روی خط دروازه توسط بنسون دفاع نورویج دفع می‌شود. این مسابقه در نیمه نهایی بود و یک بر صفر بسود نورویج پایان یافت.



ر کورد جدید پرش با نیزه
 دان ریپلی آمریکایی ر کورد پرش با نیزه داخل تالار جهان را شکسته است و سریش به او تریک می‌گوید. ریپلی در مسابقات دوومیدانی اخیر سانکتیست از ۱۸ فوت و یک اینچ (۵۱/۵ متر) عبور کرد و نزدیک به دوسانی متر ر کورد جهانی استیواسیت را شکست.



کریستا قهرمان اسکی — خانم کریستا زکما بستر از آلمان غربی
 بر فهای پراکنده شده از نشر اسکی‌های خود را پشت می‌گذارد و قهرمان مسابقه ماریچ (از سری جام جهانی) می‌شود.

گفت‌وگو

اگر به ورزشکاران نیشابور توجه بشود

نرم این زمین از یک طرف برای سلامت ورزشکاران و تماشاگران مضرت است و از طرف دیگر از کیفیت بازی به مقدار زیادی میکاهد.

پیست دو و میدانی این شهرستان مخلوطی از شن و خاک نرم است که دوندگی مجبور است با صرف انرژی بیشتری بدون زمین اینگونه برستی در هرصد متریک تا دو ثانیه از رکورد جوانان میکاهد در سایر رشته‌ها نیز اشکالاتی کم و بیش به چشم میخورد که امید است با چاپ این نامه کسکی به ورزشکاران و ورزشدوستان این شهرستان بکنند.

نیشابور - مسعود آصفی

وسائل مرا دزدیدند!

به سرفرت برده باشند.

این نامه را باین جهت برای شما فرستادم که خواهش کنم با چاپ آن به رباپنده وسائل من یاد آور شوید که همه وسائل و وجه نقد را بردارد و لاقفل مدارک تحصیلی‌ام را برایم بست کند تا در افراساب چهار درد سرشوم و اولیاء امور هم اگر نمیتوانند دیوار بکشند، دست کم تور سیی بکشند.

بندر ما شهر - حمزه عزیزاده

مشت زنان فومن وسیله وجای تمرین میخواهند

سؤال بوده به محض اینکه زبان به حرف گشود یک بند ناله کرده و وسایل و جایگاه برای تمرین نداریم و بطوریکه ملاحظه می‌کنید مری بچه‌ها تمام هم و غمش در اینست که غفلتاً یکنفر برانو درنیاید و سر یا آرنجش به کف اتاق - که موازایک است - نخورد و باعث دردسر نگردد. پولی هم در اختیار نداریم تا اقدامی بعمل آوریم و از طرفی بعلت نداشتن محل مخصوص، رینگ مشت‌زنی در فضای آزاد افتاده و بدون اینکه مشت‌زن‌های این شهر بتوانند از آن استفاده کنند، برف و باران می‌خورد. رئیس هیئت اشاره کرده که مشت‌زنی بانوجه بانیکه در اینشهر جوازست - بیش از سه سال نیست که از فعالیت پیکر این رشته در این شهر می‌گذرد - با همه کمبود ها ورزشکاران این شهر در مسابقات قهرمانی کارگران ایران به مقام قهرمانی رسیدند و در سال جاری مقام نایب قهرمانی کشور را تصاحب نمودند و در سطح استان نیز همیشه درخشیده‌اند.

حسن داداشی فومنی

سردبیر گرامی، جوانان نیشابور با تمام استعدادی که دارند، بعلت کمبود وسایل، بیشتری که لایق آنها باشد در ورزش نداشته‌اند ولی با تمام این تفصیلات این شهر وزنه‌بی سنگین در ورزش استان خراسان محسوب میشود و به جرات میتوان گفت ۷۰٪ مقام‌های اول این استان در اختیار فوتبال شهرستان نیشابور میباشد. حال خود شما تصدیق فرمائید که اگر وسائل کافی و سریعی همیده در اختیار این ورزشکاران باشد تا چه حد در وضع آن‌ها تأثیر میگذارد؟

زمین فوتبال این شهرستان برستی زمینی است که در آن تمام کارها را میشود انجام داد جزبازی فوتبال. خاک فراوان و

من، ورزشکار تیم کمرک بندر ما هشر هستم و در یک جلسه تمرین مشترک با تیم شرکت شیمانی هرچه داشتم از دست دادم. خیال نکنید که میخواهم بچه‌های ورزشکار را زار کنم. نه بهیچوجه چنین نیست. اما از آنجاکه زمین ورزشی ما درو پیکر و حصار بی ندارد، همیشه عده‌ای افراد غریبه دور و بر وسائل ورزشکاران می‌بکنند و چه بسا که یکی از آنها وسائل شخصی مرا - که عبارت بوده از شلوار، کفش، ساعت، مدارک تحصیلی و مبلغی وجه نقد -

در دفتر کارم نشسته بودم که دوستی وارد شد و ازمین خواست که با اتفاق سری به تالار ورزش شهر بزنیم تا شاید بدینوسیله تمدد اعصابی کرده و شاهد فعالیت ورزشکاران شهر خود باشیم. اما بعضی رسیدن به تالار، آنچه بیش از همه نظر مرا بخود جلب کرد و بجای تمدد، اعصاب را تحریک کرد، وضع مشت‌زنها بود که در اتاقکی به وسعت ۱۰ مترمربع بدون تشک و صحنه مشت‌زنی به تمرین مشغول بودند و مری‌شان در وسط آنها می‌نوید و جملاتی نظیر علی آرام، حسین بوش و یا متوجه پنجره باش... از دهانش خارج میشد. در دل خوشحال شدم از آنهمه علاقه‌ایکه جوانان این شهر بدون هیچگونه امکانات به امر ورزش دارند و تأسف خوردم که چرا مسئولان حداقل امکانات را برای نوجوانان این شهر - که از هرگونه وسایل تفریح محرومند - به وجود نمی‌آورند؟ در این فکر بودم که مهدی نجاتی رئیس هیئت مشت‌زنی فومن وارن شد. درباره علت وضع نامطلوب مشت‌زنی شهر از او سؤال کردم. رئیس هیئت که کویا از مدت‌ها پیش منتظر این

ساللی نیست جز دوری شما

آبادان - آقای قربانعلی اسلامی

شنیده‌ام که برای بهبود وضع تیم آبادانی صنعت نفت و گسترش ورزشگاه آبادان برنامه‌های وسیعی در دست تهیه است. شاید با اجرای این برنامه‌ها آبادان بتواند واقعیت فوتبال خود را نشان بدهد.

بروجرد - آقای محسن سجادی

تصمیم داور در مورد قبول گل کاملاً صحیح بوده است. زیرا وقتی توپ از دست دروازه‌بان رها شود (بهر شکل و بهر صورت) بازیکن حریف میتواند آنرا به دروازه شوت کند.

تبریز - آقای علی اصغر مقدمیان

خدا را شکر که حق به حق دار رسید والا معلوم نبود که تکلیف ما با خوانندگانی چون شما چه میشد؟

تهران - آقای سعید چغت‌سازی

متأسفانه مجله مورد نظر شما را در اختیار نداریم.

تهران - آقای سعید پکتاوتولی

از لطف شما صمیمانه سپاسگزاریم. کمی از وقت زیادتان را بما بدهید!

آبادان - آقای ع - سعادت

برای آقای آتابای به آدرس تهران، خیابان فیشرآباد دفتر مشترک فدراسیون‌ها، (فدراسیون فوتبال) نامه بنویسید.

تهران - آقای و - دریا نسیس

دوست عزیز از اینکه وقت خود را صرف نوشتن نامه برای ما کرده‌اید بسیار سپاسگزاریم! اما آیا بهتر نبود که نظر خود را برای روزنامه «الیک» مینوشتید؟

همدان - آقای سی - ت

متأسفانه در حال حاضر انجام پیشنهاد شما برایمان امکان ندارد اما اگر در آینده صفحات مجله بیشتر شد، ام‌تان را اطاعت می‌کنیم.

آقای جلال احدی

هر با فوتبال هست باید مقررات فدراسیون فوتبال جهانی (فیفا) را رعایت کرد. سپاس ما را بپذیرید.

تهران - آقای حمید رهبری فرد

وقتی آقایان وقت یا حوصله جواب‌دادن به نامه‌های دوستداران خود را ندارند، ما چکار کنیم؟

آبادان - آقای محمد جواد صفائی

تماشاگران امجدیه با یک بلیت دو مسابقه را تماشا می‌کنند، هر کس بشما گفته بعد از اتمام بازی اول تماشاگران را از میدان بیرون میکنند تا بلیت دوباره بانها بفروشند، یا آدم مطمئنی نبوده و یا با شما قصد شوخی داشته است.

تهران - آقای بورن آوانسیان

در سال آینده مسابقات جام تخت‌جمشید طوری برگزار خواهد شد که به برف و باران نخورد. اسسال هم یک برف غافلگیر کننده همه

برنامه‌ها را بهم زد. راستی مگر یادتان رفته که قبل از جام تخت‌جمشید مسابقات باشگاه‌های تهران یا قهرمانی ایران در قلب زمستان انجام میشد و برنامه بازیها به تعویق می‌افتاد؟

بابل - آقای مسعود ایمانی مقدم

مطمئن باشید تقاضاها هیچوقت تمام نمیشود. چون آرزوهای بشر تمام نشدنی است.

تبریز - آقایان سیدفرهود فرهودی و احمد، ک

اگر به بیانی مهلت دهید فوتبال تبریز را به جایی که شایسته آنست خواهد رساند. البته به شما حق میدهم که نگران وضع فوتبال شهر خود باشید ولی بجزات میتوانیم به شما امید روزهای خوش‌آینده را بدهیم مشروط بر اینکه حسادت‌ها و کینه‌توزی‌ها مجال فعالیت به مریبی جدید بدهد.

خرمشهر - آقای جمیل مندانی

دوست عزیز، شما خیلی تند رفته‌اید. ما نظر خود را نوشتیم و باز هم میگوئیم که «افوارل» با شهامت تمام بهترین و واقعی‌ترین تیم ملی فوتبال را انتخاب کرده است.

مسجد سلیمان - آقای اسفندیار بهارمیان

ملاحظه کردید که در شماره هفتم دیماه وضع تیمهای جام را به اختصار بررسی کردیم. در آینده از این بابت بیشتر خواهیم نوشت.

فومن - آقایان حسین، مسلم و بیت‌الله صفری

برای چاپ آگهی تبریک به نمایندگی کیهان در فومن مراجعه کنید.

خرمشهر - آقای عباس بحرانی

دیدید که نه تنها تیمی سقوط نکرد بلکه چهار تیم هم به تعداد تیمهای جام اضافه شد. باین ترتیب در دوره سوم جام تخت‌جمشید هر تیم جمعا، ۴ بازی خواهد کرد. خدا قوت بدهد!

سندج - آقای محمد قربانپور اسکویی

تبریز - آقایان سعید محمد و کریم حامد رحیمی

تبریک را اشخاص مختلف با پرداخت هزینه آگهی به بازیکنان و تیمهای مورد علاقه خود میگویند و ما دخالتی جز انعکاس احساسات آنها آنهم بصورت آگهی نداریم. از این گذشته خیلی مطالب دیگر هم ممکن است باشد که جنبه آگهی دارد.

اصفهان - آقای کمال نیلی

ظاهراً قبل از اینکه پیشنهاد شما چاپ شود فدراسیون به شما در دست زده و عین آن برنامه را عملی کرده است!

نوشتنی از ما

نمره تضمین شده

اگر قهرمان استان هم باشند ، هیچوقت نمره‌ای بالاتر از ده نمی‌گیرند ! راستی تکلیف ما با این آقای متعصب و خودخواه چیست ؟ آیا باید کما کان شاهد بی‌عدالتی‌های او باشیم یا مقامات مسئول فکری برای حل این مشکل می‌کنند ؟

آغا جاری — احمد رضا دهدار نسب

در منطقه میدان جعفر آغا جاری ، معلم ورزشی داریم نه طرفدار یکی از باشگاه‌ها است . هر کسی که با او همصدا و هم‌راشود و باشگاه مورد علاقه‌اش را تأیید کند ، نمره ورزش امتحانش از هیجده به بالاست ، ولی آنهایی که طرفدار باشگاه‌های دیگر هستند

فوتبال اراک هدف ندارد

آقای سردبیر ، چون آغاز فصل سرما ، پایان عمر فوتبال اراک را لااقل برای مدت چهارماه خبر میدهد ، با اجازه شما به جست‌وجو در زوایای فوتبال این شهر ، در سالی که پشت‌سر گذاشتیم میرودیم ، باشد که از این راه در فصل آینده شاهد زودن رنگ از چهره یکتواخت و رنگ‌پریده فوتبال اراک باشیم .

چکار کردیم؟

از چند دیدار دوستانه آبکی و بی‌رقم که بگذریم ، مهمترین حادثه فوتبال اراک کسب مقام چهارم جوانان ایران در اصفهان بود که بیشتر به جرعه شیبه بود و پس چه در حالیکه نگاه‌های بیشماری متوجه ساق‌های جوانان فوتبال اراک بود و نور فلاش دوربین‌ها مرتباً بروی جوانان پلک ما چشمک می‌زد و حتی موفق شدیم نماینده‌ای هم در صف اول جوانان ایران (تیم ملی جوانان) داشته باشیم ، در اراک انگار کوچکترین اتفاقی نیفتاده است و اصلاً چنین جوانانی وجود نداشته‌اند و آن پیروزی‌ها در اصفهان و متعلق به تیمی دیگر بوده است! در حالیکه ما بخود وعده داده بودیم دست‌کم درخشش جوانان اراک و پیروزی‌های دور از ذهن

رفیق بازی

هرگاه مسابقات فوتبال جوانان استان در پیش است ، مقامات تربیت‌بدنی فیروزآباد فارس عده‌ای را که مشتاقان بالای ۲۰ سال است ، با شناسنامه قلابی آماده شرکت در مسابقات میکنند و بی ترتیب حق جوانان واقعی را ضایع میکنند .

بزرگ‌تراها بدون یک جلسه تمرین در تمام مسابقات شرکت دارند . در صورتی که جوانان کمتر از ۲۰ سال ، در تمام جلسات تمرین حضوری می‌یابند ولی در هیچ مسابقه‌ای شرکت داده نمی‌شوند .

مطلب دیگری که میخواهم عنوان کنم اینست که در مسابقات اخیر تنیس روی میز ، بازیکنی که دو مسابقه داده و در هر دو بازی زنده شده بود ، مقام دوم را به دست آورد و بازیکن دیگری که در تمام مسابقات حریفان خود را شکست داده بود حذف شد ! ملاحظه می‌فرمایید که رفیق بازی تا چه حد در ورزش شهر ما رخنه کرده است .

فیروزآباد — بهمن رحیمی

را که مسئولیت مستقیم متوجه آنان میباشد ، یاری نمایند .

این توجه و دلسوزی میتواند بصورت فراهم آوردن امکانات ، همفکری و همکاری برای بهبود کیفیت کشتی استان بکار آید . جلیل بروینی کشتی‌گیری از ده قدیم و کسی که بیش از ۲۰ سال در این ورزش زحمت کشیده و بقول معروف خاک ک تشک خورده ، شناخت برخی مسائل را از در پیچه چشم یک کشتی‌گیر بگونه‌ای دیگر عليم میکند :

ضمن اینکه پیشرفت و ترقی را در سایه برگزاری مسابقات و ایجاد نمایشگاه بیشتر می‌بیند ، عدم توجه مسئولان به مسائل و اشکالات ورزشکاران این قبیله رسته‌ها را از علل واپس ماندگی این رشته میدانم و معتقد است که تنها با توجه بیشتر به کشتی‌گیران ، میتوان از جذب علائق توسط فوتبال درین جوانان بی‌زمان قابل توجهی جلوگیری بعمل آورد . او می‌افزاید : « اینهمه جوانانی که تازه آغاز گرازی‌های طولانی برای رسیدن به قهرمانی میشوند ، احتیاج به برگزاری مسابقه برای اندوختن تجربه و کسب روحیه دارند کشتی‌گیر مسابقه میخواهد ، تمسّاس میخواهد و بالاتر از همه مربی و وسیله تمرین لازم دارد در غیر اینصورت روز بروز از تعداد علاقه‌مندان به کشتی کاسته خواهد شد .

اهواز — اسحق رحمانیان

انداختیم که دست آخر نتوانستیم برگزار کننده مسابقه نهائی آن باشیم . شاید بگویند داوران حاضر نبودند که مسابقه نهائی تاج-پرسیولیس را سوت بزنند و باز ما میگوئیم : « اگر ضعیف در کار داوری وجود دارد - که حتماً هم هست - باز هم این قصور از جانب تربیت بدنی است و علت آنهم بی‌تفاوت گذشتن تربیت بدنی از کنار کلاسهای متعدد آموزش داوران میباشد . اما از همه جالب تر لحظه پایان سومین دوره مسابقه‌های جام جوانان بود که با جنجال خاتمه یافت و در آن تیم‌های پرسپولیس و نگهبان مشترکاً اول شدند ، اما یکی از این دو ، چون « جاشن » کوچک بود ، به هیچ وجه حاضر نبود جام را بگیرد که بالاخره با عوض کردن جام قضیه فیصله یافت ، در حالیکه جای رئیس تربیت بدنی شهر و رئیس هیئت و تنی چند براستی در مسابقه نهائی خالی بود .

بهر حال آنچه مسلم است اینکه ما در رهدگز فصل فوتبال اسامال هم اندوخته‌ای نداشتیم و اگر حباب کشتگی هم گاه‌گاهی در جام بلورین و بر زرق و برق اما بی « ته » فوتبال اراک دیدیم خیلی زودتر کید و باز هم ما ماند چهره‌های کندسگون کشتی جوان که چشم‌براه روزهای آینده و بیرون آمدن خورشید از پشت کوه‌های بلند مشرق اراک در یک صبح قشنگ وبدون ابر هستند .

فدراسیون کشتی نیازمند میباشد ، در سابق ما برای کسب آمادگی و تجربه

بیشتر اقدام به برقراری تماس هائسی با کشورهای همسایه میکردیم که در حال حاضر با کمی بودجه و مشکلات مالی حتی انجام مسابقه با تیمهای داخلی نیز از حدود امکانات ما خارج گردیده است .

در اینجا ایرخ خسرو کیانی (عضو سابق تیم ملی کشتی فرنگی ایران) که امروزها در کسوت مربی‌گری به کشتی اهواز خدمت میکند ، در دنباله سخنان دبیر هیئت می‌گوید : « باید ضابطه‌ای برای شناخت ارزشهای کشتی استانهای مختلف در نظر گرفته شود و تعیین بودجه‌های ورزشی بر مبنای بازده کار مسئولان و هیئت‌های مختلف استوار گردد » بعقیده او استعداد های منطقه‌ای را باید شناخت و در برابر سوری پرورش آن استعدادها با استفاده از امکانات کوشید .

ما برای اینکه جوایگی علائق مردم ورزش دوست خوزستان باشیم ، بایستی با استفاده از طریق صحیح و روش‌های شناخته شده ورزش کشتی ، در پرورش جوانان این رشته تلاش کنیم . بدیهی است این تلاشها زمانی ثمر بخش خواهد بود که مسئولان و خود طبقه ورزشکار به رسالتی که برعهده دارند مؤمن تیم و افراد دست‌اندر کار این ورزش

کشتی خوزستان خون تازه میخواهد

چگونگی پیدا کردن راه حلی برای مرتفع ساختن آنها و گزینش راه‌های منطقی و منطبق با سوازی علم و ورزش برای حفظ برتری در این رقابت و اینکه هیئت کشتی استان بالاخره چه اقدامی بعمل آورده و یا خواهد آورد ، بدنبال گفتگو با رئیس هیئت کشتی خوزستان - پای صحبت دبیر هیئت و مربیان کشتی شهر اهوازی نشینیم تا از دریچه چشم آنان چگونگی مسائل و اقداماتی را که لازم میدانند بررسی نماییم ، ضمن اینکه جلیل بروچی (قدیمی ترین کشتی‌گیر استان) که هنوز هم مرد تشک است و حرف‌هایش برای گفتن دارد ، از مشکلات صحبت میکند .

ابتدا آقای مصطفی اسماعیلی دبیر هیئت کشتی استان ضمن اینکه نسبت باینده کشتی خوزستان اظهار امیدواری میکند ، اقدام تربیت بدنی را در راه و آگذاری اختیار بیشتر به هیئت کشتی را امری مفید می‌شمارد و آترا گامی بلند برای رفع مشکلات اداری همه هیئت‌های ورزشی رو میکند و می‌گوید : « بسا استفاده از تلاش و علاقه . گامی رجائی که اخیراً تشکیل داده ایم و با پیشروانه خوبی به از حیث کشتی‌گیری داریم ، خواهیم توانست در احیاء کشتی استان و قدرت بخشیدن بیش از پیش بدان توفیق داشته باشیم . ضمن اینکه در این راه مسلماً به کمک و حمایت بیشتر

خوزستان مهد بچه‌های تند و تیز و جاگه مردان باطلانی و سوزمین طلای‌سایه است ، اما صاحب‌مردان با زوالاتی نیز هست جوانان این استان در کنار درخششهای چشم‌گیر در رشته ورزشهای بیدانی ، صفات پهلوانی و دل‌آوری را نیز حفظ کرده‌اند .

نگاهی بر تاریخ و زنده برداری مشت‌زنی و کشتی‌بین این واقعیت‌متواند باشد که جوانان پرشور جنوب ضمن ابراز شایستگی در گروه ورزشهای میدانی مانسد فوتبال ، دوومیدانی غیره ، لیافت توانوانائی خویش را در ورزشهای سنگین نیز به ثبوت رسانیده‌اند .

طی سالهای مختلف دست‌اندر کاران و صاحب نظران کشتی ایران شاهد دل‌آوری پهلوانان این خطه در غرضه برابته کشتی ایران بوده‌اند . ولسی از آنجا که برتری در ورزش نمیتواند همیشه و مبرورنی باشد و حس برتری جوئی از طریق اصولی نرسد تمام جوانان میتوانند بیک میزان آنان را در رسیدن به مدارج عالی یاری نمایند . کوشش و تلاش سایر استانها باعث شده که خوزستان یک رقابت‌فشرده را در رشته کشتی از طرف جوانان دیگر استانها تحمل نماید .

برای شناخت کم و کیف مسایلی که گریبانگیر کشتی استان خوزستان گردیده و



« لیان - کو - لیانگ » ستاره چینی قهرمان بازیهای آسیایی تهران امید و یخت بزرگ چینی ها در مسابقات جهانی کلکته است.

چینی ها و ژاپنی ها به قصد انتقام از ناکامی های خود در مسابقات یوگسلاوی قدم به میدان کلکته میگذارند .

آفریقائی در این هفته درملبورن استرالیا دور هم جمع میشوند و مسابقات کشورهای مشترک المنافع را برگزار مینمایند. آمریکا و کانادا در سالهای اخیر به این ورزش روی آورده اند، دو ماه قبل بهترین بازیکنان خود را به اروپا فرستاده تا با آمادگی بیشتری در بازیهای جهانی شرکت کنند. اما برای تیم ملی ایران آنچه بعنوان آمادگی انجام شده است در تالار تنیس روی میز امجدیه و تمرینات خشک و یک نواخت بوده است. باید حس همکاری و صمیمیت را در این تیم جوان تقویت کرده و به آنها مسئولیت کامل داد تا در سایه شهامت و شجاعت خودشان در این مسابقات ایران را سر بلند گردانند.

۴ سال اهمیت و اعتبار را بفراوشی سپرده ایم

تنیس روی میز ورزش دوست داشتنی و محبوب همگان - که روز بروز عده یی بیشتر از جوانان جهان را بطرف خود میکشد و مسابقات آن در خاور دور و اروپا سرگرمی و کشورهای اسکاندیناوی، هزاران تماشاچی را بسوی خود جلب میکند، متأسفانه امروز در ایران چندان خریداری ندارد و روز بروز یوزوال و فراوشی است و ما که بیش از یک چهارم قرن در این ورزش اعتبار و اهمیت جهانی داشته ایم و میلیونها تومان خرج گسترش و ترویج آن کرده ایم، امروز تنها سرمایه و دلخوشی ما در این ورزش به چند بازیکن است که در تالار تنیس روی میز امجدیه تمرین میکنند و متأسفانه تعداد این بازیکنان از تعداد انگشتان تجاوز نمیکند. باشگاه و مدارس - کسسه سازنده و سروح این ورزشند - مدت ها است که کوچکترین قدمی در راه بهبود این ورزش برنداشته اند و همه فعالیتها در زمینه این ورزش منحصر شده است به تالار تنیس روی میز امجدیه و آنچه فدراسیون تنیس روی میز ایران برای پیشبرد و گسترش این ورزش انجام میدهد چون بولی در این ورزش وجود ندارد، مورد لطف و ورزش سلکت نیست و

در مسابقات تنیس روی میز قهرمانی جهان در کلکته

قهرمانان جوان ایران معجز نخواهند کرد!

کارفدراسیون محدود است و این رشته ورزش در ایران درجا میزند. در بازیهای آسیایی تهران در حالیکه قهرمانان جهان، دنیائی از تکنیک و زیبایی این رشته ورزش را در مجموعه آرنامهر به نمایش گذارده بودند، تعداد تماشاگران مسابقات فینال از تعداد بازیکنان روی صحنه کمتر بود. چون مدت ها است تبلیغات کافی روی این ورزش نشده است مردم هم آنرا فراموش کرده اند.

واقع مهم سی و دومین دوره این مسابقات - که در سال ۱۹۷۳ در شهر سراجو و یوگسلاوی برگزار شد، شکست ژاپنی ها یعنی غروب آفتاب تابان بود. ژاپنی ها برای اولین بار بعد از ۲۱ سال سلطنت بر تخت قهرمانی این ورزش، فقط بیک فینال دونفری بانوان راه یافتند که در این فینال نیز با کشور رومانی شریک بودند. به این معنی کسه ما را انگلستان را از رومانی با تفاق میبهرهد! از این تیمی تشکیل دادند و قهرمان دونفری بانوان جهان شدند. این تنها پیروزی ژاپن در مسابقات جهانی یوگسلاوی بود. چینی ها نیز با همه تلاش و قدرت خود فقط توانستند سه ای از اقتدار گذشته خود را تجدید کنند و در انفرادی مردان و بانوان و مختلط قهرمان جهان شوند در عوض اروپائیان مخصوصاً سوئد با ستاره سوئد بودند و هر چه شانزدهم انجام دادند و سوئدینها در تیمی مردان بعد از ۲۳ سال برچین و ژاپن پیروز شدند.

سابقه ایران در مسابقات جهانی

تیم ملی ایران برای اولین بار در سال ۱۹۵۱ در مسابقات جهانی - که در وین انجام شد - شرکت کرد و بین ۲۸ کشور شرکت کننده مقام شانزدهم را بدست آورد و تا سال ۱۹۵۷ در مسابقات جهانی شرکت نداشت. از این سال به بعد تیم ملی مردان ایران مرتب و تیم بانوان گاهگاه در مسابقات جهانی شرکت داشته اند. در مسابقات جهانی ۱۹۷۲ یوگسلاوی ایران بین ۸ کشور شرکت کننده مقام بیست و سوم را بدست آورد. تیم مردان ایران حداقل، مقام خوش را در دسته دوم حفظ کرده است و بعد از کشورهای اروپایی - کزی چکسلواکی، انگلستان، یوگسلاوی، آلمان غربی، روسیه و سوئد - از کشورهای خاور دور ژاپن، چین و کره - که در ردیف ۲ - تیم اول جهان هستند تیم ایران بین رده ۱۲ تا ۲۴ درمست ۲۲ سال و ۱ بار شرکت در مسابقات جهانی بالا و پایین رفته است.

بهترین مقامی که تا کنون در مسابقات جهانی نصیب تیم ایران شده مقام دوازدهم تیمی در مسابقات جهانی سال ۱۹۵۵ است که تیم ایران بین ۴ کشور شرکت کننده مقام دوازدهم را بدست آورد و اگر دقیقاً به آن بنگریم، خواهیم دید که بودن تیم ایران در دسته دوم کشورهای شرکت کننده مقامی است رضا پنجشیر برای این رشته ورزشی که هرگز آطوریکه شاید و باید به آن توجه نشده است. در مسابقات انفرادی مردان بهترین مقام ایران در سال ۱۹۵۷ در مسابقات سوئد بود که در انفرادی مردان امیرحسین احتشام زاده از ایران به یک شانزدهم نهائی راه یافت و جزو ۱۶ بازیکن خوب جهان

سی و سومین دوره مسابقات قهرمانی تنیس روی میز جهان، از روز پنجشنبه ۱۷ بهمن تا یکشنبه ۲۷ بهمن در شهر کلکته برگزار میشود و تیم ملی تنیس روی میز ایران متشکل از ابوطالب نجفی، معراج علیزاده، امیر میر صادقی، مجید احتشام زاده و حمید بردار در آن شرکت خواهند کرد.

از اعضاء تیم ملی مردان ایران در بازیهای آسیائی تهران، هوشنگ بزرگ زاده (کاپتن تیم) و علیرضا حجازی چون در تهران نبودند، در تیم ملی جانی ندارند. در قسمت بانوان هم بواسطه اختلافاتی که بین فدراسیون و اعضاء تیم ملی بانوان وجود دارد، تیم بانوان ایران در مسابقات جهانی کلکته شرکت نخواهد داشت. مربی تیم آقای رضا لواسانی است و سر پرستی هیات ایران را آقای امیر امین رئیس فدراسیون تنیس روی میز ایران و عضو فدراسیون بین المللی تنیس روی میز میبهد دارد.

ایرانی ها نمیتوانند معجزه کنند!

مسابقات قهرمانی تنیس روی میز جهان - که هر دو سال یکبار در یکی از کشورهای جهان برگزار میشود - از مهم ترین و با ارزش ترین مسابقات این رشته ورزشی است و برای کشورهای شرکت کننده اهمیت خاص دارد. در این مسابقات رده بندی تیمی کشورها برای مسابقات قاره ای و منطقه ای معلوم خواهد شد و در بازیهای انفرادی - دو نفری و مختلط، قهرمانان این مسابقات برای مدت دو سال عنوان قهرمانی جهان را خواهند داشت و در کلیه مسابقات بین المللی در صدر رده بندی قرار خواهند گرفت. بنابراین اغلب کشورهای شرکت کننده در این مسابقات از مدت ها قبل تدارکات فراوانی دیده اند و از هر لحاظ خود را برای شرکت در این مسابقه بزرگ آماده کرده اند.

البته از تیم ملی تنیس روی میز ایران که به مسابقات جهانی کلکته میروند، نباید انتظار معجزه داشت. افراد این تیم جوانانی هستند که برای اولین بار به مسابقات جهانی میروند و باید انصاف داد که با وضع فعلی ورزش ایران و اینکه تنیس روی میز در سایه یکی دو رشته ورزش دیگر فراموش شده است و در سازمان ورزش بحساب نیاید و توجه به اینکه تیم ملی جوان ایران بعد از بازیهای آسیائی کوچکترین تماس خارجی نداشته است، آنچه این جوانان در کلکته انجام دهند و حتی کسب یک پیروزی کوچک، باعث خوشحالی و رضایت است.

در میان ۸ کشور شرکت کننده در مسابقات جهانی کلکته ایران با تفاق چند کشور آفریقائی و آسیائی تنها کشورهایی هستند که برای کسب تجربه به این مسابقات خواهند رفت. در حالیکه کشورهای دیگر جهان با دیدارهای خارجی و مسابقات بین المللی و منطقه ای افراد خود را از هر لحاظ برای این دیدار بزرگ آماده کرده اند تیمهای ملی جمهوری خلق چین و ژاپن مدت ها است در اروپا در مسابقات بین المللی - که هر هفته در یکی از کشورهای اروپائی انجام میگردد - شرکت دارند. کشورهای مشترک المنافع کانادا، هند، انگلستان، هنگ کنگ و سنگاپور و عده ای از کشورهای



هشی - این - تینگ ، قهرمان انفرادی جهان جرقه ای بود که در مسابقات جهانی ۱۹۷۳ یوگسلاوی درخشید و بعد از آن رو بخوشی رفت. در اسن عکس تکنیک عجیب و غیرعادی او را در هنگام هول دادن توپ می بینید.

قرارگرفت و بعد هم مقام قهرمانی هوشنگ بزرگ زاده در مسابقات تشویقی جهان در سال ۱۹۵۹ در آلمان بود.

در مسابقه جهانی گذشته تیم مردان ایران در دسته خود در اولین بازی ۲ بر پنج مغلوب هند شد و ۳ بر پنج در مقابل یونان شکست خورد و این دو شکست ایران در روز اول مسابقات، در روحیه تیم تأثیر فراوان داشت اما در روز دوم که هوشنگ بزرگ زاده (از معروفترین چهره های این رشته ورزش در ایران) بعنوان خبرنگار کیهان از آمریکا وارد یوگسلاوی شد و به تیم مردان ایران پیوست، تیم ایران تا اندازه فراوانی جبران شکستها را نمود زیرا تیم ایران از او دعوت کرد که برای عملکردش بازی کند. بعد از آن بود که تیم ایران ۵ بر صفر سنگا پور را شکست داد و در مقابل تیم تازه نفس رومانی صفر بر پنج مغلوب شد و در روز سوم ۵ بر یک فنلاند را شکست داد و ۳ بر پنج در مقابل دانمارک شکست خورد و به دسته دوم رفت. در دسته دوم ایران به ترتیب ۵ بر ۳ بر هرک، ۵ بر ۲ بر سر بر نجریه و ۵ بر ۴ بر کانادا پیروز شد و در این دسته اول گردید و مقام بیست و سوم را بین ۵۲ کشورش ثبت کننده بدست آورد. اینک در مسابقات جهانی کلکنه کشورهای آمریکا، هند، استرالیا، هند، رومانی، اندونزی، یونان، دانمارک، لهستان، و بلغارستان حرفان مستقیم خواهند بود که استراپ و رومانی و آمریکا و هند در این دو سال گامهای بزرگی برداشته و شکستی های فراوان در مسابقات بین المللی داشته اند.

آخرین رده بندی تیمی مردان و بانوان برای مسابقات جهانی کلکنه

تیمی مردان

- ۱- سوئد، ۲- چین، ۳- ژاپن، ۴- شوروی، ۵- چکسلواکی، ۶- یوگسلاوی
- ۷- مجارستان، ۸- کره جنوبی، ۹- آلمان غربی، ۱۰- انگلستان، ۱۱- اندونزی،
- ۱۲- فرانسه، ۱۳- اتریش، ۱۴- هند، ۱۵- رومانی، ۱۶- دانمارک، ۱۷- آمریکا
- ۱۸- مائری، ۱۹- لهستان، ۲۰- بلغارستان، ۲۱- فنلاند، ۲۲- یونان، ۲۳- ایران
- ۲۴- کانادا، ۲۵- نجریه، ۲۶- هنگ کنگ، ۲۷- سنگا پور، ۲۸- فنلاند، ۲۹- استرالیا، ۳۰- بلژیک، ۳۱- ایتالیا، ۳۲- اسرائیل، ۳۳- سوئیس، ۳۴- اسکاتلند
- ۳۵- وژ، ۳۶- غنا، ۳۷- برزیل، ۳۸- زلاندنو، ۳۹- لبنان، ۴۰- نروژ، ۴۱- اسپانیا، ۴۲- لوکزامبورگ، ۴۳- ایرلند، ۴۴- ترینیداد، ۴۵- ترکیه، ۴۶- ونزوئلا
- ۴۷- پاکستان، ۴۸- مغولستان، ۴۹- تیکاراگوئه، ۵۰- قبرس، ۵۱- نیی.

تیمی بانوان

- ۱- کره جنوبی، ۲- چین، ۳- ژاپن، ۴- مجارستان، ۵- شوروی، ۶- رومانی، ۷- آلمان غربی، ۸- چکسلواکی، ۹- سوئد، ۱۰- انگلستان، ۱۱- یوگسلاوی، ۱۲- فرانسه
- ۱۳- اندونزی، ۱۴- اتریش، ۱۵- لهستان، ۱۶- بلغارستان، ۱۷- هند، ۱۸- آمریکا
- ۱۹- مائری، ۲۰- کانادا، ۲۱- استرالیا، ۲۲- بلژیک، ۲۳- زلاندنو، ۲۴- یونان
- ۲۵- سنگا پور، ۲۶- هنگ کنگ، ۲۷- سوئیس، ۲۸- لوکزامبورگ، ۲۹- دانمارک
- ۳۰- هند، ۳۱- ایرلند، ۳۲- اسکاتلند، ۳۳- اسپانیا، ۳۴- نروژ، ۳۵- ایران، ۳۶- غنا
- ۳۷- برزیل، ۳۸- نجریه، ۳۹- ایتالیا، ۴۰- ترکیه.

آخرین رده بندی جهانی انفرادی مردان و زنان در تنیس روی میز



استلا بنگتون اعجوبه سوئدی که دره سالگی قهرمان جهان شد - از اسبدهای بزرگ سوئد در کلکنه میباشد.

(استخدام ستوانیاری خلبان در هواپیمائی نیروی زمینی شاهنشاهی)

هواپیمائی نیروی زمینی شاهنشاهی امکانات تحصیلی
شمارا با بهترین وجهی فراهم نموده و از هم اکنون شمارا
با داشتن مدرک تحصیلی زیر استخدام مینماید.

استخدام میان واجد شرایط پس از طی دوره های تخصصی
و کارآموزی در ایران برای دوره های تکمیلی خلبانی
بکشور آمریکا اعزام میگرددند.

الف : شرایط عمومی

- ۱- تابعیت دولت شاهنشاهی ایران
- ۲- متدین بودن به یکی از ادیان (اسلام . مسیحی . کلیسی . زردشتی)
- ۳- دارا بودن گواهینامه ششم متوسطه . ریاضی - طبیعی - ادبی - فنی (برق و مکانیک)
- ۴- سن داوطلبین از ۱۷ تا ۲۴ سال و برای اشخاصیکه برگ خاتمه سربازی دارند حداکثر سن تا ۲۵ سال .
- ۵- نداشتن پیشینه بد.
- ۶- داشتن صحت مزاج و تناسب اندام طبق گواهی بهداری نیروی زمینی شاهنشاهی
- ۷- سپردن تعهد خدمت در ارتش شاهنشاهی .
- ۸- قد داوطلبین از ۱۶۰ سانتیمتر به بالا .
- ۹- نداشتن عیال تحت تکفل

ب : مدت خدمت در آموزشگاه ستوانیاری خلبانی دو سال و بطور شبانه روزی بوده و کلیه مخارج هنر-
جویان بعهدۀ ارتش شاهنشاهی خواهد بود هنرجویان بمحض ورود با آموزشگاه و پس از شروع اولین
پرواز ماهیانه مبلغ ۱۰۲۵ ریال و پس از نایل بدرجۀ ستوانیارسومی خلبانی مبلغ ۹۷۷ ریال که
به مرور افزایش خواهد یافت دریافت خواهند داشت ترفیع اضافه حقوق و مزایای بعدی آنان برابر
مقررات قانون استخدام نیروهای مسلح شاهنشاهی خواهد بود . ضمناً در صورت خدمت در خارج از
مرکز ماهیانه مبلغ ۳۸۴ ریال دریافت خواهند داشت .

ج : فارغ التحصیلان از مزایای بسیاری از نظیر پس انداز مسکن تأمین آینده بانک سپه که برای دوران خدمت ۳ ساله با توجه به مبلغ
پس انداز و مبلغ معادل آن که بلاعوض از بودجۀ وزارت جنگ اضافه میشود و بهره مربوطه . وام مسکن بانک سپه . استفاده از خانه های
سازمانی با توجه به برنامه افزایش سالیانه خانه سازی که برای پرسنل هر سازمان عمومیت خواهد داشت . درمان رایگان خود و خانواده
تحت تکفل و خرید از فروشگاه های ارتش با تخفیف قابل ملاحظه و غیره بهره مند میشوند داوطلبین برای ثبت نام و کسب اطلاعات
بیشتر میتوانند همه روزه با ستثنای پنجشنبه و جمعه و ایام تعطیل از ساعت ۷ الی ۱۴ در تهران ، به پادگان باغشاه خیابان کاشان دایره
استخدام و روانسنجی هوانیروز در شهرستانها به اکیب های استخدامی در دژبانی و شهرستانهاییکه دژبانی ندارند به ژاندارمری محل
مراجعه نمایند .

هواپیمائی نیروی زمینی شاهنشاهی

مسابقات والیبال قهرمانی باشگاههای دختران

در این هفته نامه‌ای بشارت‌آمیز از طرف فدراسیون والیبال بدستمان رسیده که مجال باشکوهی آنرا نداریم در هفته آینده ببینند آنرا همچون دیگر جرائدی که از این نامه‌ها دریافت کرده‌اند با ذکر سند و دلیل ارائه و پاسخ خواهیم گفت.

گردش دند و ناسوان والیبال باشگاههای تهران - که از روزه ۲ دی آغاز شده بود - در هفته گذشته فقط یک روز بازی را گرداند.

مسابقات والیبال در کشور ما در تمام دنیا به دو بخش ملی زنان و مردان تقسیم میشود و تجربه ثابت کرده که همیشه مسابقات مردان بسی مهیج تر و زیباتر و دلپذیرتر از گروه دختران بوده است، زیرا عوامل تشکیل دهنده این بازی در نزد مردان به کمال نزدیکتر بوده تا در نزد دختران و به این سبب تماشاگر مشتاق این بازی به جانب مسابقات پسران بیشتر از دختران جلب میشود.

حال وقتی مسابقات والیبال پسران تهران چنان سرد و یکطرفه و ضعیف تر از سایر مسابقات گذشته به جریان می افتد و خاموش میشود، میتوان موقعیت والیبال دختران را از نظر جلب تماشاگر علاقه مند بخوبی تشخیص داد. حتی در این زمینه هم دیگر از آن رقابت فشرده دختران باشگاههای تهران - که نمره آن مدال برنز آسیائی ۷۷ بود - خبری نیست زیرا کفگیر بر ته دیک خورده و آنها که هستند هرگز قادر به تجدید حیات آن روزهای خوش والیبال نمی باشند. دلیل این ادعا را در بازیهای آسیائی تهران که در شهریورماه گذشته پایان یافت و تیم دختران ما در این پنج تیم پنجم شد، میتوان جستجو کرد.

مطمئناً اگر هم با سرعتی سراسر آورد در این رشته دگرگونی بوجود آوریم، باز تا سال دیگر هم نمی توانیم نتیجه بگیریم و اگر سریعتر از دیگر کشورها هم به حرکت درآئیم تازه ده سال دیگر میتوانیم به نتیجه بازیهای آسیائی ۷۷ برسیم. مطمئن هستیم که هرچه افراد بی علاقه بیشتر دست اندر این کار داشته باشند بهمان نسبت حصول به نتیجه بیشتر تاخیر خواهد افتاد.

با توجه به بازیهایی که در این هفته انجام شد نمخواهم راجع به این خودگی ها چیزی بنویسم و حق سایر رشته های ورزشی را که در هفته گذشته درخشش داشتند - بگیرم. و تنها به ذکر خبر و نتایج بازی اکتفا میکنم.

تیمهای شرکت کننده در این دوره بازیها از دوازده باشگاهند. این دوازده تیم به سه گروه زیر تقسیم شدند:

گروه « الف » تهران، جوان، آبادانا، عقاب، تاج

گروه « ب »: دیهیم، پرسپولیس، افسر و ایران نوین.

گروه « ج »: هما، پاس، ایران امروز و صنعت نفت.

بازیهای مقدماتی بصورت دوره ای و دو « ست » از سه « ست » انجام میشود و از هر گروه دو تیم که امتیازات برتر داشته باشند، به دوره نهائی راه خواهند یافت. به این ترتیب شش تیم برگزیده باشگاهها مقامهای اول تا ششم را بین خود تقسیم خواهند کرد.

گرچه تا کنون بیش از سه جلسه از بازیها نگذشته است، اما تقریباً سرنوشت گروهها - تعیین شده و میتوان گفت از گروه « الف » تاج و عقاب، از گروه « ب » دیهیم و پرسپولیس، از گروه « ج » هما و پاس بدور نهائی راه خواهند یافت.

نتایج گروهها:

تاج پس از پیروزی دو بر صفر بر تهران جوان، آبادانا را هم با نتیجه دو بر صفر شکست داد و حالا تنها یک دیدار با عقاب دارد که عیور از آن برایش چندان مشکل بنظر نمیرسد. عقاب پس از پیروزی دو بر یک بر تهران جوان پیروزی بر آبادانا را دشوار نمی داند.

دزگروه «ب» بازیهای در این هفته انجام نگرفت و با توجه به آنکه پرسپولیس بر افسر پیروز شده و ایران نوین در بازی اول خود در مسابقه حضور نداشته، صعود دیهیم و پرسپولیس دور از انتظار نخواهد بود.

گروه «ج»

در این گروه دو تیم همطراز وجود دارند که نمی از ارزش این دوره بازیها را بخود اختصاص داده اند. پاس و هما دو تیم خوب این دوره مسابقات هستند که در یک جدول قرار گرفته اند، چون از مدعیان قهرمانی هستند بنا بر این دیدار الزامی آنان در دور مقدماتی میتواند یک فینال زودرس این بازیها به شمار آید.

هما با نتیجه دو بر صفر بر صنعت نفت پیروز شد و پاس هم بر ایران امروز دنباله این مسابقات امروز با دیدار پاس، صنعت نفت، هما - ایران امروز و پرسپولیس - ایران نوین دنبال خواهد شد.

جناب آقای بیژن رفیعی

سر دبیر محترم مجله دنیای ورزش

ورزشکاران سازمانهای ورزشی آزمایش مصیبت وارده را تسلیت گفته و امیدوارند غم آخرتان باشد.

اداره تربیت بدنی و تفریحات سالم

کارخانه های صنعتی آزمایش

جناب آقای بیژن رفیعی سر دبیر محبوب و ارجمند

مجله وزین دنیای ورزش

با نهایت تأثر و تأسف درگذشت نا بهنگام پدر بزرگوارتان را از صیبه مصیبت تسلیت عرض نموده، بقاء عمر و سلامت جنابعالی و خانواده محترم رفیعی را از درگاه قادر متعال استنانت دارم.

دکتر محمد توکل

رئیس فدراسیون ورزشی دانشوایان ایران

جناب آقای بیژن رفیعی سر دبیر ارجمند

مجله دنیای ورزش

از فوت جانگداز پدر گرامیتان سخت متأثر و متألم شدیم در سوک و آندوه شما شریک و غمدار هستیم و از درگاه آفریدگار جهان صبر و سلامتی و موفقت برای آن سرور عزیز آرزو داریم.

احمد اسفندیاری و محمد اسفندیاری مربیان ورزشی دانشگاه تهران

آقای بیژن رفیعی سر دبیر محترم مجله دنیای ورزش

با تأثر خاطر از مرگ پدر بزرگوار شما، خواهشمندم ما را در این سوگ شریک بدانید. گروه متحد داوران بین المللی کشتی: ابوالقاسم رایگان، هوشنگ امیرآقایی، ابراهیم نیک سرشت، عباس نمازیان، اکبر ایرانمنش، مصطفی داودی و علیرضا زلفی.

جناب آقای بیژن رفیعی

فوت پدر بزرگوارتان مرا هم غمگین کرد.

باقر زرافشان

جناب آقای رفیعی دوست گرامی

با نهایت تأثر و تأسف مصیبت وارده را تسلیت و خود را در غم شما شریک میدانم . محمود محمودی

جناب آقای بیژن رفیعی

مصیبت وارده را تسلیت عرض مینمایم .

رضا وطنخواه

دوست عزیزم جناب آقای بیژن رفیعی

مصیبت وارده را به آن خانواده محترم تسلیت گفته بقی عیش را از خداوند متعال خواستارم بونس تبریزیان

سرور ارجمند جناب آقای بیژن رفیعی

مصیبت وارده را به شما و خانواده گرامیتان صمیمانه تسلیت میکنم .

بابل - فرامرز غفوری

جناب آقای مهندس مقدسیان

درگذشت دانی گرامیتان را تسلیت عرض مینمایم .

زینا افلاطون - زهره پروینا - اکبر ایرانمنش - غلامرضا جباری - حسن نوربخش - عباس نمازیان - غلامرضا خدا بنده لو - جواد کمانی - منوچهر نقری - رحمان صالحی - بیوک وطنخواه - رضا وطنخواه

جناب آقای مهدی لوانی

مصیبت وارده را از صمیم قلب تسلیت عرض نموده بقی عمر با زماندگان را از ایزد متعال خواهانیم .

خرمشهر - هوشنگ پارسا و بانو

آقای علی خرسند

مصیبت وارده را صمیمانه تسلیت عرض نموده، بقی عمر شما و بازماندگان را از درگاه احدیت خواستاریم .

خرمشهر - هوشنگ پارسا - محسن وفائی - طالب معرفی و ورزشکاران باشگاه ورزشی کمرک خرمشهر.

ایران ناسیونال قهرمان کشتی آزاد کارگران شد

سابقه‌های کشتی آزاد و لرنگی قهرمانی کارگران تهران با شرکت ۵۵ تن در رشته آزاد و ۵۲ نفر در رشته لرنگی انجام یافت و رده‌بندی اول تا سوم هر وزن شرح زیر تعیین شد:

کشتی آزاد

۴۸ کیلو: ۱- هاشم بیاتی ۲- محمد مظلوم ۳- شهباز منصوری.
۵۲ کیلو: ۱- نوروز امینی ۲- علی- اکبر فرزاد ۳- ضرغام ساوه‌بی.
۵۷ کیلو: ۱- حسین رازی‌نژاد ۲- صفر کاواند ۳- غلامحسین کوردزی.

۶۴ کیلو: ۱- داود بدل‌زاده ۲- صفرعلی ملکی ۳- عباس شیخی.
۶۸ کیلو: ۱- علی رنجبر ۲- ابوالحسن نصاب ۳- حبیب‌الله کریمانی.
۷۴ کیلو: ۱- محمود دهنشت ۲- علی اردحالی ۳- قربانعلی کاظمی.
۸۴ کیلو: ۱- محمود کرمی ۲- بایرام ایمان بروی‌پور ۳- احمد حبیبی.

۹۰ کیلو: ۱- قدیر یعقوبی ۲- منصور احدی ۳- محمد زینعلی.
۱۰۰ کیلو: ۱- محمود مرئی ۲- منوچهر خسروی.
۱۰۰+ کیلو: ۱- گل بالا میرزاپور ۲- رضا درستکار.

رده‌بندی تیمی:

۱- ایران ناسیونال با ۳۵ امتیاز
۲- خاور با ۱۹ امتیاز ۳- کشتارگه با ۱۸/۵ امتیاز.

کشتی لرنگی

۴۸ کیلو: ۱- میکائیل بابائی ۲- داود میرزائی ۳- زارع سخویدی.
۵۲ کیلو: ۱- عظیم رستمی ۲- حسن تقی‌زاده ۳- جعفر ابرقویی.
۵۷ کیلو: ۱- حسین زندی ۲- حسن منظری ۳- علی قوی دل.
۶۲ کیلو: ۱- حسین کوهکن ۲- احمد مرتضی‌پور ۳- داود شاه‌فیروز.
۶۸ کیلو: ۱- محمد دل‌شخی ۲- علی‌رضا افتخاری ۳- هادی زندی.

۷۴ کیلو: ۱- اکبر قربانی ۲- منوچهر تقی‌زاده ۳- علی جوادزاده.
۸۲ کیلو: ۱- اسماعیل جلالی ۲- شمع علی بابائی ۳- سهراب صفائی.
۹۰ کیلو: ۱- علی اکرم حسن‌پور ۲- جلال پیمان‌دار ۳- اکبر کاظمی.
۱۰۰ کیلو: ۱- ابراهیم کرمی ۲- عباسعلی هوشیار.
۱۰۰+ کیلو: ۱- رضا درستکار ۲- سیدمحسن هاشمی‌پور.

در مسابقه‌های کشتی لرنگی نواحی سه‌گانه تهران ۳۰۲ کشتی‌گیر زور آزمایی کردند

سابقه‌های کشتی لرنگی بزرگسالان نواحی سه‌گانه تهران با شرکت ۳۰۲ نفر انجام شد و افراد اول تا ششم برای حضور در مرحله نهایی مسابقه‌های انتخابی تیم تهران معرفی شدند.

این مسابقه‌ها در سه نقطه بطور جداگانه انجام پذیرفت. دیدار ناحیه ۳ با حضور ۹۵ تن در کلوب صدی برگزار شد. در تالار شماره یک ورزشگاه فرح‌که مسابقات ناحیه ۴ انجام گرفت، ۱۱۰ تن شرکت داشتند و مسابقه‌های ناحیه پنج را ۹۷ کشتی‌گیر در تالار رضانشاه پهلوی انجام دادند. رده‌بندی اول تا ششم هر ناحیه بشرح زیر تعیین شد:

سابقه‌های ناحیه ۳ با شرکت ۹۵ کشتی‌گیر از ۲۰ باشگاه در کلوب صدی برگزار شد و نفرات اول تا ششم به شرح زیر معرفی شدند:

۴۸ کیلو: ۱- غلامرضا شوندوست ۲- ناصر فتحی ۳- غلامرضا شکاری ۴- احمد طاهری ۵- محمدعلی لوسانی ۶- محمد ولدخانی.
۵۲ کیلو: ۱- محمود بزم‌آر ۲- حسن تقی‌زاده ۳- محمدعلی خدا دوست ۴- علیجان همایونی ۵- هاشم موسوی و علیرضا فرقدان (مشترکاً).

۵۷ کیلو: ۱- علی منتظری ۲- محمدتیا ۳- جواد مردآزاد ۴- علیرضا جوانبختی ۵- حسین تازی‌وردیو ۶- حسن باسهم‌چی.
۶۴ کیلو: ۱- حسن خانیان ۲- علی تازی‌وردی‌لو ۳- مسیب جلالی ۴- عباس تاجگردون ۵- بهرام نشاط ۶- لطف‌اله صادقی.

۶۸ کیلو: ۱- علیرضا محمدی‌رفیع ۲- حاج‌تمن روزه‌وز ۳- مصطفی بیابانی ۴- هادی وتری ۵- داود سلیمی ۶- سیدمحمد مدیتره‌ری.
۷۴ کیلو: ۱- طاهر محمدعلی زنگنه ۲- علی جوادزاده ۳- سیدمحمد رضوی ۴- کمال میرزایی ۵- شمس‌علی

فهمی ۶- عباس بابانعلیند.
۸۲ کیلو: ۱- قدرت‌اله عرب ۲- اسماعیل جلالی، محمدرضا حکیم‌جوادی ۴- سیدمهدی عامل ۵- هوشنگ تجویدی ۶- جمشید قادری.
۹۰ کیلو: ۱- محمدرضا فتحی ۲- سیدمحمدباقر بلاغی ۳- محمد مازنی ۴- ابراهیم تجویدی.
۱۰۰ کیلو: ۱- عباس‌علی هوشیاری ۲- سیدمحمدحاشمی ثابت ۳- اکبر هدایی‌لو.

۱۰۰ کیلو: ۱- شاهرخ شرغام ۲- ناصر صادقی ۳- سیدمحسن پوره‌اشمی

ناحیه ۴ با شرکت ۱۰۹ نفر پس از انجام ۱۵۵ کشتی در ۸ دوره رده‌بندی اول تا ششم بقرار زیر است:

۴۸ کیلو: ۱- عباس پلنگ‌کش ۲- رضا بخشی‌پور ۳- امیر سعید زمانی ۴- امیر عنبرستانی ۵- مرتضی فرامرزی و محمود صالح‌خانی و محمد اکرامیه.
۵۲ کیلو: ۱- مصطفی نژادرسولی ۲- جاوید پورهمت ۳- امیر رضاحاجی- هادی ۴- محسن حاج‌هادی ۵- سیدمحمد سلیمان‌پناه ۶- اکبر ایانلو.

۵۷ کیلو: ۱- علی الهیاری ۲- سیانک خدادادی ۳- امیرحسین غلامی ۴- نعمت‌اله باهری ۵- صادق رضائی ۶- مصطفی جوهری.

۶۴ کیلو: ۱- ناصر نیک‌رو ۲- جعفر صمیمی ۳- قاسم سید محمود ۴- حسن رسولی ۵- داود عنبرستانی ۶- محسن دارستانی و علی رضائی (مشترکاً ششم).

۶۸ کیلو: ۱- محمد انصاری ۲- علی محمدیان ۳- جمشید عنبرستانی ۴- رحیم اقلیم ۵- محمدرضا کبکاش ۶- مهرداد عاشوری.

۷۴ کیلو: ۱- علی اردحالی ۲- عادل پیرزاسمی ۳- بزرگ ایلیخانی‌پور ۴- مهدی جعفری ۵- رضا وسایلی ۶- مجید صائمی.

۸۲ کیلو: ۱- محمد شعله‌کار ۲- علی کلبه‌خانی ۳- سعید منصوری ۴- حسن بشیری ۵- اصغر حبیبی ۶- فرشید نویخت و سید کاظم فرماتیان (مشترکاً).
۹۰ کیلو: ۱- محمدرضا عربی ۲- منصور باقری ۳- نادر جهانگیری ۴- علی مرادزاده.
۱۰۰ کیلو: ۱- محمدرضا محسنی ۲- جهانگیر جهانگیری ۳- رضا عظیم‌پور.
۱۰۰ کیلو بالا: ۱- ناصر صادقی ۲- عداله آیار.

ناحیه ۵

سابقه‌های ناحیه ۵ با شرکت ۹۷ نفر در ورزشگاه سرپوشیده محمدرضا شاه پهلوی برگزار شد و پس از انجام ۱۵۰ دیدار در ۸ دوره رده‌بندی اول تا ششم بشرح زیر تعیین شدند:

۴۸ کیلو: ۱- احمد صوفیانی ۲- محمد امینی ۳- علی اکبر افشار ۴- جابر پاکباز ۵- سیدمحسن تهرانی ۶- محمود منتظری.

۵۲ کیلو: ۱- ناصر آهنچی ۲- جلال نظری ۳- حسین توسلی ۴- احمد محمدی ۵- رضا کریمی ۶- داود رستمی.

۵۷ کیلو: ۱- اسمعیل میرزائی ۲- فرهاد چهل‌سیرانی ۳- اکبر ایزکیانی ۴- سیروس سعیدزاده ۵- اصغر منافی‌زاده ۶- احمد تقیعی.

۶۲ کیلو: ۱- ماطوس ماطوسیان ۲- محمدعلی سلاجقه ۳- بهمن قاسمی ۴- رضا رضائی ۵- جعفر فضلیان ۶- محمدتقی سلیمانی.

۶۸ کیلو: ۱- جعفر علیزاده ۲- اکبر قربانی ۳- سوسی سنی‌زاده ۴- حسین صالحی ۵- مجید باطن ۶- محمد قربانی.

۷۴ کیلو: ۱- محمدتقی مرغوب‌کار ۲- کریم تهرانی ۳- رحمت ماهی ۴- محمدرضا نظری ۵- ذبیح‌اله شرقی ۶- اسرافیل رحیم‌زادگان.

۸۲ کیلو: ۱- عباس شایسته‌دوست ۲- امیرحسین سبحان ۳- علی‌اصغر نظری ۴- عداله علیزاده ۵- داود روشنی.

۹۰ کیلو: ۱- هاشم کلاهی ۲- اکبر صفائی.
۱۰۰ کیلو: ۱- عباس قربانی ۲- حسین حاج حسینی.

کشتی‌گیران ایران جام «روژه کولن» را از دست دادند

علاوه بر دو کشتی‌گیر ایرانی صاحب مدال، سه کشتی‌گیر دیگر ایران هم شرکت کرده بودند. عادل بلند اقبال در کشتی لرنگی و قدرت پور کریمی و مصر زینعلی‌زاده در کشتی آزاد که به مقامی دست نیافتند. در مسابقات اسنال بلغارستان با ۸ امتیاز اول شد اما تیم اول فرانسه نیز با وجود همین تعداد امتیاز جای دوم را گرفت آلمان غربی با ۴ امتیاز مقام سوم را احرار کرد و پس از تیمهای ایران و لهستان (با ۴ امتیاز) تیم شوروی با ۳ امتیاز ششم شد. تیم فرانسه با ۱ امتیاز و تیم سوئیس با سه امتیاز به ترتیب هفتم و هشتم شدند.

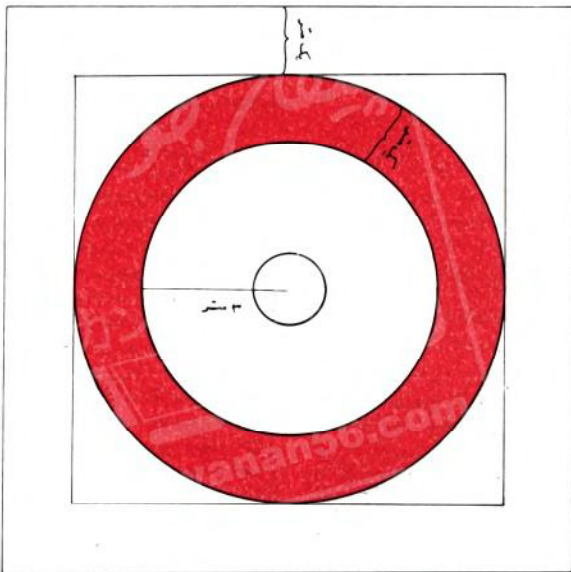
شده بود ولی این بار در مقام چهارم با لهستان شریک شد! قهرمانان ایرانی که صاحب مدال شدند عبارت بودند از: احمد رضا محمدی (دوم در دسته ۵۷ کیلو) و غلامرضا قصاب (سوم در وزن ۶۴ کیلو) کشتی‌لرنگی تیم کشتی ایران در دوره پیشین این مسابقات مقام اول را احرار کرده بود. مسابقات بین‌المللی مذکور به نام «روژه کولن فرانسوی»، رئیس فیدفدراسیون بین‌المللی کشتی هر ساله از طرف فیدفدراسیون کشتی فرانسه در شهر کلرمون فران فرانسه در شهر کلرمون فران ترتیب داده میشود.

کشتی‌گیران ایران یک

مدال نقره و یک برنز، گرفتند تیم کشتی ایران که برای شرکت در مسابقات بین‌المللی جام «روژه کولن» به شهر کلرمون‌فران فرانسه رفته بود، با بدست آوردن یک مدال نقره و یک مدال برنز در کشتی‌لرنگی و مجموعاً با کسب ۴ امتیاز در کشتی‌لرنگی و آزاد میان هشت تیم شرکت‌کننده به مقام چهارم رسید در حالی که تیم لهستان نیز صاحب ۴ امتیاز بود. ایران سال پیش فاتح جام «روژه کولن»

اشتباه بزرگ در اولین گام

*** فدراسیون کشتی ایران، در تهیه نقشه تشک‌ها اشتباه بزرگی کرده است.**
*** منطقه کم کاری را از یک متر به ۱۰ سانتیمتر کاهش داده‌اند!**
*** یک بخشنامه دیگر برای اصلاح و ترمیم بخشنامه قبلی در مورد جزئیات مقررات جدید صادر شد!**



حالیکه شهری برای پیروزی در خانه خود تدارک لازم دیده است. این مسابقه تا روز یکشنبه (فردا) ادامه دارد و بدنبال آن کشتی فرنگی آغاز می‌شود.

فدراسیون کشتی ایران صبح دبرواز ساعت ۱۰ تا ۱۱ یکدوره کلاس توجیهی برای کشتی‌گیران، مربیان و داوران شرکت‌کننده ترتیب داد و شرکت‌کنندگان را با اصطلاحات با مقررات جدید آشنا ساخت و بعد از آن نیز نیمی ساعت برای داوران کلاس توجیهی تشکیل داد و با همین تدارک اولین مسابقه را با مقررات جدید آغاز کرد.

درخشش یک آمریکایی

بین اعضای تیم شیران یک جوان آمریکایی نام «مارک کلاک» دیده می‌شود که در اولین دیدار با درخشش قابل توجهی حریف خود سید خلیل با تیلی از کرمانسارا در کمتر از یک دقیقه با ضربه فنی شکست داد. و نام خود را در فهرست امیدهای وزن ۶۲ کیلو ثبت کرد.

امیدهای قهرمانی

امیدهای قهرمانی اوزان مختلف بشرح زیر هستند:
 ۴۸ کیلو: عباس بیطرفان، احمد اوشار، مرتضی جلیلی، ودیع الله مقدم.
 ۵۲ کیلو: علی اکبر چگینی، ذبیح اله مقدم، سید ابوالقاسم ستاوند.
 ۵۷ کیلو: غلامرضا احدی، مرتضی مشهدی اسماعیل، محسن فهیم نژاد.
 ۶۲ کیلو: عباس کا کاوند، عباس خاقتی، نصراله قلی زاده و قاسم قره‌مستلو.
 ۶۸ کیلو: قاسم عبدالحسینی، ونس هرمزی، علی مهدی نژاد و محدثی کاظمی.
 ۷۴ کیلو: سید نعمت‌اله حسینی، علی گل بلاغی، رضا ترکشوند و علی افغانی.
 ۸۲ کیلو: محسن سیزعلی، علی اکبر طهماسبی و سید محمود جوزی.
 ۹۰ کیلو: احمد ارونی حصار، محمود بزرگ‌و محمود زینبی.
 ۱۰۰ کیلو: داود فتاحیان و مصطفی فرهنگ‌نیا.
 ۱۱۰ کیلو: انداله تاجر گل‌خسینی، جوان کیان‌زاده و محمدرضا حسین نابی.

ستر که در اطراف منطقه کم کاری قرار دارد و رنگ آن نباید برنگ قرمز باشد. این قسمت محدوده خارجی تشک را تشکیل می‌دهد.

اما با کمال تأسف باید بگوییم تشک‌هایی که برای اجرای مسابقه‌های کشتی جوانان استان مرکزی خط‌کشی شده است و هم‌اکنون جوانان روی آن تشک‌ها مبارزه می‌کنند، برخلاف قانون و مقررات جدید خط‌کشی شده یعنی در این تشک‌ها منطقه کم کاری از یک متر به ۱۰ سانتیمتر کاهش یافته است که این نظریه یک اشتباه بزرگ است و نباید نظیر چنین اشتباهی در آینده تکرار شود.

مشکلات داوری

در مورد نحوه داوری، همانطور که اشاره شد، اشتباه و اختلاف نظر فراوان دیده می‌شود. هر چند کشتی‌گیران و مربیان شرکت‌کننده بخاطر عدم آشنایی با مقررات جدید کاملاً تابع و تسلیم رای داوران بودند. ولی باید فدراسیون کشتی ایران به امر قضاوت و آماده ساختن داوران خود هرچه زودتر برنامه‌های ویژه‌ی در نظر بگیرد.

حال که فدراسیون بین‌المللی برای فدراسیون و داوران ما اعتبار قائل است و سه داور ایرانی را به نمایندگی خود برای برگزاری سه مسابقه بین‌المللی مهم انتخاب کرده است. ما باید سعی کنیم که داوران برگزیده ایران با سربلندی هرچه تمام‌تر به وطن بازگردند تا در نزد فدراسیون جهانی این خوشبینی نسبت به داوران ما همچنان حفظ شود.

پیکار ۴۴ و کشتی‌گیر

با این خصوصیات مسابقه‌های کشتی آزاد جوانان قهرمانی استان مرکزی بسا شرکت ۴ و کشتی‌گیر از شهرهای اراک، قزوین، کرج، کاشان، ساوه، دماوند، خنین، محلات، شمیران، گرمسار، قم، ری، ورامین و تفرش در ورزشگاه سرپوشیده رضا پهلوی شهری، از عصر دبرواز آغاز شد. در این جمع فقط تیم‌های ری و شمیران بطور کامل حضور یافته‌اند. اراک و قم هر یک با ۲ کشتی‌گیر همچون دو تیم ری و شمیران امید به مقام قهرمانی دارند. در

بعد از تشکیل کلاس توجیهی در دبروینیک (یوگسلاوی) فدراسیون کشتی اقدام به صدور بخشنامه در مورد مقررات جدید نمود. این بخشنامه که جزئیات مقررات جدید را بزبان فارسی دربر می‌گیرد در تاریخ دوم دی از طرف فدراسیون کشتی ایران صادر شد و بلافاصله در سطح کشور توزیع گردید.

در حالیکه روز پنجشنبه یعنی دهم بهمن (همین بربروز) بخشنامه دیگری از جانب فدراسیون کشتی صادر شد که حاکی از اصلاح و ترمیم بخشنامه قبلی بود.

یعنی آن چیزهایی را که فدراسیون مذکور با صدور بخشنامه قبلی به مغز داوران، کشتی‌گیران، مربیان و سایر دست اندرکاران کشتی فروبرده بود با صدور بخشنامه‌ی دیگر قصد بیرون آوردن مطلب قبلی از فکر همگان را کرد! و خدا بداند در روزهای آینده چندین بخشنامه نظیر بخشنامه دوم صادر شود؟

اشتباه بزرگ

در اجرای اولین مسابقه در قالب مقررات جدید - که از دبروز در شهر ری آغاز شده است - سواى اشتباهات و اختلاف نظر در رای داوری، یک اشتباه بزرگ در خط‌کشی تشک‌های کشتی دیده شد. زیرا بهمان‌گونه که در این صفحه می‌بینید فدراسیون کشتی در بخشنامه اخیر خود شکل تشک و اندازه آنرا مشخص کرده است (۱۰×۱۲، ۱۰×۱۰، ۸×۸) است و آنرا که در این صفحه می‌بینید ۸×۸ است و منطقه اصلی آن شعاع ۳ متر می‌باشد. یعنی منطقه کم کاری (زون) بصورت دایره‌ی است برنگ قرمز که بهنای آن یک متر است و در اطراف قسمت اصلی تشک قرار دارد و جزو تشک محسوب می‌شود. قسمت خارج از تشک، محدوده‌ای است از جنس قسمت اصلی و منطقه کم کاری. بهمان قطر و حداقل به بهنای که

سرانجام فدراسیون کشتی ایران به پیشنهاد کیهان ورزشی لیک‌گفت و مقررات جدید را قبل از پایان سال بحرله اجرا درآورد.

قبلا اعلام شده بود که از فروردین ماه سال ۱۳۵۴ کلیه مسابقه‌های کشتی در ایران براساس مقررات جدید برگزار خواهد شد. ولی ما طی مطالبی که در شماره‌های اخیر نوشتیم، از فدراسیون کشتی ایران خواستیم تا هرچه زودتر به مقررات جدید روی آورد. زیرا رقبای ما از ماه‌ها قبل این راه را آغاز کرده‌اند و ما از فاصله دور مانده‌ایم.

خوشبختانه فدراسیون کشتی ایران پیشنهاد ما را پذیرفت و حدود پنجاه روز زودتر به پیش‌از مقررات جدید رفت که خود موجب خوشحالی و امیدواری شد.

سرگیجه همه گیر

و اما نکته‌ی را که لازست قبل از هر چیز بدان اشاره کنیم، این است که فدراسیون کشتی در مقابل این تغییر و تحول سرگیجه گرفته است شاید هم این فدراسیون بین‌المللی است که چنین وضعی را برای ما و اغلب فدراسیون‌ها بوجود آورده است. البته رهبران کشتی ما «شق» دوم را قبول دارند و چنین وانمود می‌کنند که فدراسیون بین‌المللی کشتی دچار پریشانی و سردرگمی شده است. حقیقت این است که در اسانسانه و مقررات هر سازمان و اداره‌ی تغییر و تحول بوجود آید، تا مدتی پریشانی بدنبال دارد. ولی آنچه که ما این روزها در فدراسیون کشتی می‌بینیم چیزی بالاتر از پریشانی و سردرگمی است.

پیکار هم نوشتیم که مقررات جدید در کشور فدراسیون جهانی - که شهر یورماه گذشته در استانبول تشکیل یافت - تصویب رسید. حق بود که ما مقررات جدید را از همان زمان مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌دادیم که متأسفانه به این مهم توجه

دهنوی بهوزنه بردار ژاپنی باخت

ریکرت کور - نمای تیم بسکس جهان را شکست داد

اشرفی میان پنج تن پنجم شد!!

در نخستین دوره بازیهای بین المللی «زلاندنو» که از سوم بهمن در شهر زیبای صد هزار نفری «کرایست چرچ» برگزار شد، داوید ریکرت قهرمان و رکورددار ۲۷ ساله، در شش سوم مسابقات وزنه برداری (شبه پنجم بهمن) ضمن یک رکوردگیری در دسته نیم سنگین، با بلند کردن ۱۶۵ کیلو در حرکت یکضرب، رکورد جهان را ۱/۵۰۰ کیلوگرم شکست. رکورد سابق جهان ۱/۴۳۰ کیلوگرم وبه السری ریونکوف قهرمان سابق جهان از شوروی تعلق داشت او این حدنصاب را در سوم خرداد ماه ۱۳۵۳ در مسابقات وزنه برداری قاره اروپا ۱۹۷۴ در ورونا - ایتالیا بست آورده بود.

ریکرت اواخر سال مسیحی ۱۹۷۴ ۲۳ آذر ماه ۱۳۵۳ در شهر زابوروی با بلند کردن ۱۷۸ کیلو یکضرب و ۳۹۲/۵۰۰ کیلو در مجموع دو حرکت، رکوردهای حیرت انگیزی برای دسته میان سنگین به ثبت رسانیده بود و اکنون با کم کردن ۷ کیلوگرم از وزن بدنش در شکار رکوردهای دسته نیم سنگین جهان برآمده است. او در نخستین آزمایش خود با پیروزی صحنه را ترک کرد. ریکرت پس از اینکه رکورد جهان را روی صحنه مسابقات باثین آورد، بلافاصله به داورهای سابقه نزدیک شد و دست آنها را به گرمی فشرد و بعد به ابراز احساسات تماشاگران که تالار آغی تانر شهر را به لرزه درآورده بودند پاسخ گفت.

نمایش ضعیف آلکسیف

در شب چهارم وایلی آلکسیف با آمادگی متوسط بروی صحنه ظاهر شد. او در حالی که آثار خستگی شصت و نهمین سال رکورد شکنی جهانی، در آخرین روزهای سال مسیحی گذشته در تنش باقی بود، روی صحنه آمد و بلند کردن ۱۷۰ کیلو در یکضرب و ۳۲۵ کیلو در دو ضرب با مجموع ۳۹۵ کیلو اول شد و گراهام از زلاند نو با ۳۶۰ کیلو (۱۶۰ + ۲۰۰) و بروس ویلهلم از آمریکا با ۳۶۰ کیلو (۲۰۰ + ۱۶۰) دوم و سوم شدند (وزن بدن وزنه بردار آمریکایی از قهرمان زلاند نو سنگین تر بود).

دهنوی مغلوب شد!

نصرتالله دهنوی (فرد سوم جهان در مسابقات ۱۹۷۳ مانیل) که همراه عطار اشرفی در این مسابقات شرکت کرده بود از «یوساکاوانو» وزنه بردار ژاپنی - که

هفته پیش مسابقات انتخابی تیم ملی شش زنی برای شرکت در جام عبرانی منطقه بی (در آنکارا)، طی سه شب بی دربی در تالار شست زنی رضا پهلوی (امجدیه) برگزار شد و نفرات اعزامی انتخاب شدند. چیزی که طی این سه شب مسابقه باعث ناراحتی و جنجال زیاد شد چگونگی باعزت این مسابقات و در نتیجه انتخاب افراد تیم بود که تاکنون به این شکلش را ندیده بودیم. از کمیته فنی انتخاب کننده اثری نبود و حاکمان بر صحنه مسابقه اکثراً نظرها را خصوصی خود را دخالت میدادند و مسابقات حالت جدی و رسمی را - که باید داشته باشد - از دست داده بود. مثلا چون در وزن ۷۰ کیلو وضع کاملا روشن نبود، مجبور شدند این مسابقه باقی مانده از مسابقات انتخابی تیم ملی را در شب اول مسابقات «جام ششم بهمن برای جوانان» انجام دهند که با اعلان نظر داوران همراه بود و جنجالی بزرگ ایجاد کرد و کار به آنجا کشید که مسابقات جوانان نیمه کاره متوقف شد و همه اعضای فدراسیون در دفتر تالار شست زنی گرد شدند و به بحث نشستند و تماشاگران و مشت زنان را در تالار سرد مسابقات مدت یکساعت

امیدواریم مشت زنان با دستهای پر بر گردند. اما، این راه انتخاب تیم ملی نیست

بیایید نگذاریم مشت زنی سقوط کند

منتظر گذاشتند و تازه چون اختلاف نظر بسیار زیاد بود، از این نشست هم نتیجه بی نگرفتند و قرار بر این شد که از میان بزرگترینگان این وزن (یعنی قاسم آذرب و منوچهر حدیدی) حرکتی که جوانترند به ترکیه بروند! و خلاصه شب بعد قاسم آذرب انتخاب شد، اما جالبست که یکسبب تأخیر در انتخاب فرد جوانتر برای این بود که مقامات برگزارکننده مسابقه از سن دقیق این دو اطلاع نداشتند. فردی آنشب هم بر سر انتخاب حدیدی با آذرب جنجالی بزرگ در گرفت که منجر به مشاجره و ناسزاگویی میان احمد پورنعمتی (مری) تیم اعزامی به آنکارا) و سلکلو (مری حدیدی) شد که عده زیادی از تماشاگران و مشت زنان جوان ناظر این صحنه رست بودند و جای تأسف است که دو مری - که باید نمونه ادب و منانیت باشند - در برابر شاگردان جوان خود چنین صحنه بی بوجود آوردند. این جریان و رویدادهای دیگری که در مسابقات انتخابی دیده شد، نشانه عمیق هتک و اختلال نظر و نفوذ منافع فردی در کار فدراسیون شست زنی است که با قیلا هم به آن اشاره می کرده بودیم و حیف میدانیم که این گونه مسائل باعث سقوط کابل رشته شست زنی در

از آنروش

ایران شود و امیدواریم زعمای فدراسیون جلو این اعمال نفوذها و دستبندیها را بهر شکل که منطقی میدانند، بگیرند، زیرا متأسفانه دوش هجتم جوانان علاقمند و امیدوار میروند و نمیگذارند شست زنی را به پیوند - شاید همین گونه - مسائل باعث شده است که در مسابقات باین مهی (انتخابی تیم ملی) فقط ۳۰ تن شرکت کنند.

اکنون تیم ملی شست زنی ایران عازم ترکیه است و همه ما آرزو داریم که افراد این تیم با دست پر به تهران بازگردند و بهین سبب بحث بیشتر در این باره را به زمانی سوکول می کنیم که تیم از آنکارا برگشته باشد. قهرمانانی که برای عزیمت به ترکیه و شرکت در جام عبران منطقه بی انتخاب شده اند بشرح زیرند:

- محمد امیدی در ۴۰ کیلو، عبدالرضا انصاری در ۵۰ کیلو، باور زحمتی در ۵۵ کیلو، محمدعلی گلپویان در ۶۰ کیلو، محمد سعید آذر در ۶۰ کیلو، علیرضا جدائی اصل در ۷۰ کیلو، علی بحری در ۷۰ کیلو، قاسم آذرب در ۷۰ کیلو، غلامحسین درویش در ۷۰ کیلو، ماسیس هابیبوسویان در ۸۰ کیلو و پرویز بادبا در ۸۰ کیلو. این تیم روز شنبه این

امیدواریم مشت زنان با دستهای پر بر گردند. اما، این راه انتخاب تیم ملی نیست

بیایید نگذاریم مشت زنی سقوط کند

هفته (۱۵ بهمن) به آنکارا میروند و مسابقات از روز ۱۰ بهمن در پایتخت ترکیه آغاز میشود. این نخستین دوره مسابقات شست زنی جام عبران منطقه ای است و در آن تیمهای ترکیه و پاکستان نیز شرکت می کنند. با این تیم احمد پورنعمتی بعنوان مری، لوسانی و محمد میرهادی بعنوان داور هوشنگ ویژه بعنوان کمک مری، به آنکارا میروند و سرپرستی تیم با پطرس نازاریگیان، نایب رئیس فدراسیون شست زنی است. ممکن است تیم ایران از آنکارا به بیروت برود و با تیم ملی لبنان هم یک مسابقه دوستانه بدهد.

تشویق از یک خدمتگزار

نکته دیگری که در مسابقات شست زنی اخیر هم چشم خورد، تلاش و فعالیت صادقانه علی محمد صلواتی، مسئول تالار شست زنی رضا پهلوی بود که مانند همیشه، با آخرین نیرویش زحمت می کشید و ما را به این فکر می انداخت که کاش همه دست اندرکاران رشته شست زنی و ورزش - های دیگر نمی از علاقه و صمیمیت بی شائبه او را داشتند. امیدواریم فدراسیون شست زنی ایران کار همیشه برتر این فرد زحمتکش خود را راجع دهد.

الیبال قهرمانی ایران آغاز شد

- * کرمانشاه (دیدار رفت) پاس کرمانشاه ۳، تاج مستند صفر (۱۵، ۱۵، ۱۳، ۱۵، ۱۵، ۱۰)
- * اهواز (دیدار رفت) گمرک اهواز ۳، کهکلیویه صفر (۱۵، ۱۵، ۱۵، ۱۵، ۱۵، ۷)
- * تبریز (دیدار رفت) تراکتورسازی تبریز ۳، شرف زنگان صفر (۱۵، ۱۵، ۱۵، ۱۵، ۱۵، ۴)
- * آمل (دیدار رفت) کوروش آمل ۲، پاس قزوین ۳ (۱۵، ۱۰، ۱۰، ۱۴، ۱۲، ۱۵، ۱۲، ۱۲، ۱۵، ۱۳)

تاج اهواز بانما بندهای از جام تخت جمشید مساوی کرد

تراکتورسازی تبریز (۱) ۱
ملک احمدی - محمد زاده، میرزائی، ناطمی (کاپیتان)، صدیق احمدی (علمانی) - کریم بازخ، مراغه‌جیان، زینی وند - مه‌نای اقدم، روحی (عطاری) و محمدعلی بازخ (جلال صدیق احمدی).

تاج اهواز (۱)

ایگل (برهن) (شیراوند) - عصاره، حبیان، اسدی، مکنونی (عابدینی) - دهقانی، موسوی، تدین (مطوری) - استی، ویسی و گلطاوی (زمانیان).
داور: نباتی با کمک اخباری و رزازی.

گل‌ها دقایق: ۱۸، وهاب مراغه‌جیان (برای تراکتورسازی)، ۴۰، محمد استی (برای تاج اهواز)

مرحله نهایی فوتبال جام امیر نویدی آغاز شد

مسابقه‌های نهایی فوتبال جام امیر نویدی با شرکت تیم‌های صنعت نفت آبادان، باشگاه تهران، باشگاه کارگر آبادان، منتخب امور پخش کرمانشاه، نفت تهران و صنعت نفت اهواز از بعد از ظهر دیروز در ورزشگاه آبادان با انجام دیداری بین تیم‌های صنعت نفت آبادان و باشگاه تهران آغاز شد.

صنعت نفت آبادان که از فرصت نقل و انتقال‌های جام تخت جمشید استفاده کرده بود با چهره‌ی تازه به میدان مسابقه‌های جام امیر نویدی آمد.

صنعت نفت در این دیدار از حمید موسی‌زاده، اسفندیاردستانی، ناصرشاملی، فریدون لقمان، کاشح حسینی و عبدالعلی بیت سیاح چهره‌های تازه خود استفاده کرد و طی یک بازی جام مسابقه را با نتیجه دو بر صفر بسود خود خاتمه داد. هردو گل مسابقه در نیمه اول (دقیقه ۲۳ و سیله و سیله کاظم حسینی و دقیقه ۳۵ و سیله صفدر بنده) به ثمر رسید.

بازیکنان صنعت نفت آبادان: رعده‌پور، فعلیه، جمشید مجدسی، حسن پوریوسف، اسدالله دلشکسته، حمید موسی‌زاده، اسفندیاردستانی، عبدالعلی بیت سیاح، ناصرشاملی، فریدون لقمان، صفدر بنده، کاظم حسینی، حسین بهاریان، منصور قلمی، نادر اسدالله‌زاده، رجب داوری و بهرام عمادی.

داور: محمد صالحی با کمک اعتمادی و زاهدی.

در دومین دیدار این روز تیم فوتبال کارگر آبادان در برابر امور پخش کرمانشاه به یک پیروزی بزرگ دست یافت. در این روز کارگر با نتیجه شش بر صفر به پیروزی رسید. گل‌های این مسابقه را در دقایق ۱۲ و ۲۱ عبد مسیب، ۴۰، محمدعلی ملک‌زاده، ۴۲ و حبیب کارجو، ۵۰ و ۷۰ علی تلدگر به ثمر رسانیدند. داور: جلودار با کمک فرخ‌نیا و رحمانیان.

تئوری تربیت بدنی

(کتاب تازه مدرسه عالی ورزش)

مدرسه عالی ورزش دست بکار جالبی زده و آن انتشار کتب مربوط به رشته‌های مختلف ورزش است. در هفته پیش، هفتمین جلسه از انتشارات این مدرسه را دریافت کردیم که دکتر منصور حضرتی با استفاده از تجربیات طولانی خود در ورزش تحت عنوان «تئوری تربیت بدنی» نوشته. کتابی است مبتنی بر اصول تربیت بدنی و بسیار جالب. بویژه قسمتی که مربوط به تربیت و ورزشی و اصول وابسته به آن میشود، بسیار خواننده‌نویس و اطلاعاتی به خواننده‌ها میدهد که در کسرجانی خوانده است با دست کم به این مفصلی و مفیدی نخوانده است.

خوانندگان این کتاب را بهمراه ورزشکاران و مربیان و علاقمندان ورزش توصیه میکنیم و امیدواریم دکتر حضرتی و مدرسه عالی ورزش توفیق خدمات بیشتری پیدا کنند.

نتایج فوتبال دسته دوم تهران (روز سیزدهم)

وزنده ۲، فرحناز ۲ - باسارگاد ۴، مخبرات صفر - آزمایش ۵، تصریح یک - کیان یک، شاه عزیز صفر - ایران ما یک، لکوموتو صفر - اسپرت یک، سازمان آب دو - جعفری یک، دخانیات یک، باغیچین ۱ - رده‌بندی سه تیم نخست: ۱ - سازمان آب با ۲ امتیاز ۲ - کیان با ۲ امتیاز ۳ - اسپرت با ۱ امتیاز.

جورج بست و یان‌سور در آمریکا بازی می‌کنند

منجستر - جورج بست پسر بچه‌ی بد فوتبال بریتانیا از باشگاه منجستر یونایتد اجازه گرفت تا یازدهم دیروز در فوتبال ظهور کند. اما این بار در تیم کاسوس نیویورک است. او بخاطر خوش گذرانی و شیطنت‌های بیش از حد، از طرف منجستر یونایتد محروم شده بود و خود نیز برای همیشه اعلام بازنشستگی کرد اما دلارهای آمریکایی یازدهم دیروز او را سرشوق آورد.

از سوی دیگر یان سور بازیکن سابق تیم ملی انگلستان طی قراردادی به تیم فوتبال تاسیا از ایالت فلوریدا پیوست. یان سور هم بازیکن منجستر یونایتد بود و به دنبال مصدومیت شدید سچ با دوران فوتبالی در بریتانیا ناتمام رسید.

داری کانتی به دور پنجم جام اتحادیه رفت

داری - انگلستان - در مسابقه دور چهارم جام اتحادیه فوتبال انگلستان، تیم داری کانتی از دسته اول دو بر صفر بر پرستول روروز (از دسته دوم) دوبرصفر پیروز شد.

کونین هکتور در نیمه اول و بروس رویج با ضربه بنائنی در دقیقه ۸۰، برای داری گل زدند. این مسابقه بخاطر بدی هوا وزمین، شبیه هفته گذشته انجام نشد و دو روز به تعویق افتاد.

پرسپولیس بازیکنان خود را اعلام کرد

۵ ملی پوش به اقبال رفتند

همچنانکه در کیهان روز پنجشنبه اختصاصاً خبر دادیم ۵ بازیکن ملی به اقبال رفتند و حسین کلانی، یوگ وطن خواه، مهربان شاهرخی و هادی طاووسی به شاهین رفتند.

۵ بازیکن ملی نیم اقبال عبارتند از: مهدی لوانی، فریبرز اسماعیلی، غلام‌مظفری و حمید امینی خواه (از عقاب)، کیسان، نیک نفس (از پاس) که دیروز (جمعه) معلوم شد که امکان انتقال غلام وفاخواه به شاهین بیشتر از اقبال است.

در خبرهای پنجشنبه کیهان، نام ناصر نبوی (دروازه بان دزبان) در تیم راه‌آن ذکر شده بود. ولی این بازیکن - که با ابوسلم وارد مذاکره شده بود - سرانجام سر از بانک ملی درآورد. ولی گویا هنوز قراردادش را امضاء نکرده است و هیچ بعید نیست که در آغاز مسابقه‌ها در باشگاه دیگری دیده شود.

در همین خبر، قاسم طیبی هم جزو بازیکنان راه‌آن آمده بود. ولی اطلاع پیدا کردیم که تا پایان وقت، باشگاه پاس رضایت نامه قاسم طیبی را نداده است و با وجود قراردادی که راه‌آن با این بازیکن بسته، نمی‌تواند از او استفاده کند.

در خبرهای روز پنجشنبه اساسی تیم پرسپولیس را هم از قول همايون بهزادی نوشتیم که به این شرح بود: بهرام مودت، حسین قره خانیو، ابراهیم آشتیانی، فریدون معین، رضا وطن خواه، جواد المهوردی، بیژن ذوالفقارنسب، علی پروین، اصغر ادیبی، ابرج سلیمانی، محمد رضا خلعتبری، محمد دستجردی، محمود خردیس، اسماعیل حاج رحیمی، صفر ابراهیم‌نک، حسین علی کلانی، همايون بهزادی، یعقوب نامطمی مقدم، جهانگیرفناهی، محمود رزمجو، مجیدجانی، ابرج دانایی فرد، فرزین قوام رضائی، محمد زاده‌مهورفردا و پراسی. در بیان اساسی ذکر شده نام حسین کلانی و بیژن ذوالفقارنسب هم به چشم میخورد در حالیکه کلانی آخر وقت پنجشنبه

سه داور ایرانی در مسابقات کشتی بین المللی قضاوت میکنند

فدراسون بین المللی کشتی برای اولین بار از سه تن از داوران ممتاز بین المللی ایران به نام دعوت کرده تا مسابقه‌های مختلف بین المللی را به عنوان داوران - طرف قضاوت کنند. داوران مذکور عبارتند از: ناصر

استغفانه خود را تقدیم فدراسون کرد و در مورد بیژن ذوالفقارنسب هم سرهنگ فریدون صادقی سرپرست باشگاه پاس گفت: «ما به ذوالفقارنسب رضایت‌نامه نداده‌ایم و نمی‌دهیم و اگر پرسپولیس نام او را به فدراسون داده باشد با به همراه با قراردادنامه باشد که در این صورت این بازیکن از طرف فدراسون محروم خواهد شد چون با دو باشگاه قرارداد بسته است.»

در حاشیه نقل و انتقال‌های دیگری هم صورت گرفت که از سرودهای کسری برخوردار بود که البته تعدادی از آنها محجود نخواهد رسید، مثلاً:

فریدون لقمان از دارائی به نفت تهران، موسی‌زاده از نفت تهران به نفت آبادان، یعقوب فاطمی و داود آذری از شهرپای به اقبال، حسن بابائی از شهرپای به نفت تهران، اسماعیل کشتیرانی از شهرپای به نفت تهران، شهرام شیوعی از شهرپای به به دزبان صادق دشتی از شهرپای به پاس.

محمود ساتری از عقاب به راه‌آن، اکبر حقیقت از برق به راه‌آن، اکبر روجملی زاده از عقاب به راه‌آن، بیژن ارشدی از بانک ملی به شاهین، هاشم سیرومین از برق به پاس، حبیب‌الله بازنوش از شهپاز به ذوب‌آهن، محسن میری از پاس شاهین.

محمد دادکان از بوسان به شاهین با پرسپولیس، علی رضا حیدری از شهپاز به برق شیراز، داود احمدزاده از شهپاز به سپاهان، محمدخسین از شهپاز به ذوب‌آهن، اصغر یگانه از ارانسه به شاهین، منصور ضرابی از عقاب به شاهین، سوسن جوشیری از حمید به تراکتورسازی، عبدالعسین عسرتی از دزبان به دارائی، سعید شریعت‌مداری از پاس به شاهین، اصغر رعنائی از بانک ملی به سپاهان، مجید جتانی از ملوان به پرسپولیس (منصور کاویان پور با راه‌آن تجدید قرارداد کرد).

آارات از ارانسه باشگاهها تنها سورن مهربانان را از دارائی گرفت.

باید به این نکته توجه داشت که سهلت تقدیم استغفانه تا دهم بهمن بود، اما باشگاهها تا بیستم بهمن فرصت دارند که فهرست قطعی بازیکنان خود را اعلام دارند. ضمناً فرصت نقل و انتقال برای بازیکنان گروه یکم تا آخر اسفند است.

کوبچی که از اسم خرداد تا اول تیرماه ۱۳۵۴ مسابقات کشتی آزاد و فرنگی بین المللی یونان را در آن قضاوت می‌کند و احمدماندگاری که از چهارم تا نهم بهرام ۱۳۵۴ مسابقات کشتی بازیهای مدیترانه‌یی را در الجزیره (تا بیست و الجزایر) داوری می‌کند و دیگری عباس نمازیان است که برای قضاوت مسابقات کشتی فرنگی بین المللی لبنان - که از دهم تا دوازدهم شهریورماه ۱۳۵۴، در تبریزی برگزار میشود - به لبنان میرود.

جناب آقای محمود مؤینی مدیرکل سازمان تربیت بدنی استان زنجان انتصاب بجای و شایسته آنجناب را به سمت مدیرکل سازمان تربیت بدنی استان زنجان صمیمانه تبریک میگوید. خرم‌آباد - تربیت بدنی آموزش و پرورش استان لرستان - پرویز جاهدی

نیازمندیهای شما

وام

در سه دقیقه

روی سند اتومبیل ، تلفن و ساختمان

فوری هزاری ۱۵ تومان

۸۳۰۸۵۲ ۸۳۲۹۸۶



CERTIFIED HOME SERVICE CLEANING CO
TEL: 754812 - 758496

خانم عزیز شماره های **۷۵۴۸۱۲** و **۷۵۸۴۹۶** را حتما یادداشت کنید
زیرا امری غیر متعارف به هم میسر می شود. منظور ساختن و بازسازی در این
از سال تجربه یک تراکم کافی به خصوص جهت کارآوردن با بهترین مواد و
کوتاه مدت و منزل شما را در کوتاه مدت و با کمترین هزینه و در کمترین زمان
WHEN IT'S CERTIFIED YOU'RE SATISFIED

مکالمه

با استاد خارجی
ماهانه فقط

۴۵ تومان

سازمان آموزشی خسروی

۷۵۵۹۹۵

آر. پی. سرویس
تعمیرات
موتور • فرس • میل • بیل • برده
تایل • پارکت • ووتنک اتومبیل
در محل مطابق با جدیدترین
کنسک رایج در افغانستان
تلفن **۸۴۳۸۴۵**



وی ایکس-۶
آب حیات باتری
خیابان بهار جنوبی کاشی ۱۱۱ تلفن: ۷۵۶۹۶۵ و ۸۵۱۹۹۶

کتابهای مورد نیاز خود را
از فروشگاه های
امپروکپی
بخواهید.

روی سند اتومبیل . تلفن
وام **ملک**
۷۵۷۵۳۵
۷۵۷۲۹۴

تعلیم ماشین نویسی فارسی و لاتین
را با متد جدید ده انگشتی در
سازمان آموزش خسروی
فراگیرید
۷۵۵۹۹۵

شرکت سلسل
بازار بهار جنوبی خیابان بهار بخارا
تلفن **۶۲۳۶۷۴** و **۶۲۳۶۵۵**

مشاوره
خدمات عمومی ماوراءالریح
شرکت امنیت حدود
میدان ایران نوین شماره ۲۶
تلفن **۶۲۳۵۹۷**
خرید خانه
فروش
اجاره
O.I.S.Co.

گرانیولیت - مابلکسین - جی ۶۱
نمای ساختمان را بادوام تر و زیباتر میکند
بلوار الیزابت بین کاخ و بهلوی شماره ۴۴ تلفن **۴۹۱۶۸**

فروشگاه ورزشی پیروز
نارمک - انتهای مهر تلفن: **۷۹۶۹۴۲**

تلفن نیازمندیهای شما
۳۱۰۲۵۱-۶۰ و **۳۱۰۲۰۹**
داخلی **۲۹۷**

دوراکلین سرویس
آمریکا

خشک کنی پلان ، مکت ، فرش
وکت آبسپس درمل ، مطابق با
آخرین تکنسنت سده اول در آمریکا
گزارشته تلفن **۸۴۵۶۸۳**
۸۴۸۲۹۵-۸۴۸۲۹۶
نصابندگه شماره **۳۰۶۰**

تالار حجله
عالیترین پارچه های پرده ای با دوخت و نصب
مجانی و باقسط حتی
بدون پیش قسط
فرح جنوبی روبروی لیب بزین تلفن **۸۴۳۷۲۶**

سازمان خشک کنی اویب
تلفن **۹۵۶۶۵**
پلان مکت فرش سکت آپزل برده
پارچه های گرزده به سفارشی **۹۵۸۹۵۰**
۹۵۲۴۵۴

۲۴ ساعته
اجاره بخارا
۷۷۸۷۹۹
۷۷۹۱۱۸

متری **۲۰** تومان
تلفن **۷۶۰۷۶۳**
موت

بل اندهاول کاملترین و معروفترین پروژکتور جهان

پروژکتورهای ۱۶ میلیمتری بل اندهاول با دوسرعت نمایش

صدای اپتیک

صدای مگناتیک

لنز قوی و میکروفن برای ضبط روی فیلم با تقویت صدا در حین نمایش.

سیستم نمایش تک عکسی

کلید برگشت اتوماتیک فیلم



نماینده انحصاری در ایران:

شرکت سهامی تهران الکتریک . خیابان ایرانشهر جنوبی شماره ۴ / ۹۰

نمایشگاه و مرکز سرویس . خیابان شاه . جنب پاساژ آلومینیوم تلفن ۶۶۱۵۳۳